بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

تحلیل فرهنگی

(کتاب درسی مطالعات فرهنگی)

پایه یازدهم
رشته علوم و معارف اسلامی

پایه دوازدهم
رشته ادبیات و علوم انسانی

دورهٔ دوم متوسطه

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب: تحلیل فرهنگی (کتاب درسی مطالعات فرهنگی) ـ پایهٔ یازدهم و دوازدهم دورهٔ دوم متوسطه ـ ۱۱۲۲۲۳

پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: مهدی نوید ادهم، حسن بنیانیان، حسن بلخاری، مجید رعنایی و نعمت‌الله فاضلی (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
مهدی نوید ادهم (مؤلف) ـ فاطمه منصوریان راوندی، ابراهیم حاجیانی، حسن بنیانیان، یارمحمد بای، ایمان نوروزی، فرشته انصاری، محمدتقی عینی‌زاده، فریبا رمضانی، محمدمهدی اعتصامی و سید محمد دلبری (همکاران تألیف)

مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کلّ نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

شناسه افزوده آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنّی و چاپ) ـ مجتبی زند (مدیر هنری، طراح گرافیک) ـ پرشنگ سنگین‌آبادی (صفحه‌آرا و طراح جلد) ـ زهره برهانی‌زرندی، سوروش سعادتمندی، زهرا رشیدی‌مقدم، سیما لطفی، زینت بهشتی‌شیرازی و حمید ثابت کلاچاهی (امور آماده‌سازی)

نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی ـ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش‌وپرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۹ـ۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران ـ کیلومتر ۱۷ جادهٔ مخصوص کرج ـ خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۵ـ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹ـ۳۷۵۱۵

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ دهم ۱۴۰۵

شابک ۴ـ۲۹۱۶ـ۰۵ـ۹۶۴ـ۹۷۸
ISBN: 978_964_05_2916_4

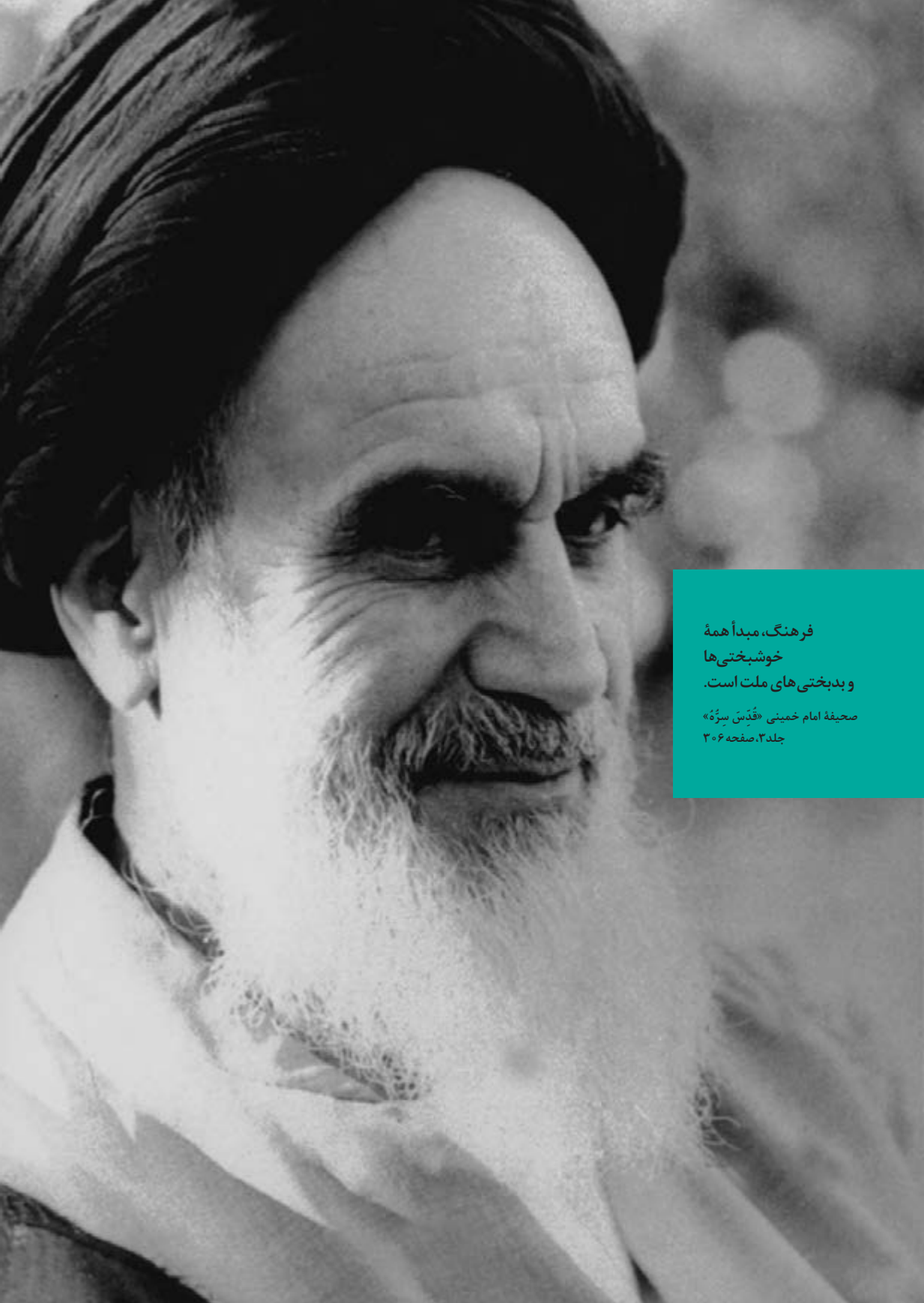

فرهنگ، مبدأ همهٔ
خوشبختی‌ها
و بدبختی‌های ملت است.

صحیفهٔ امام خمینی «قُدِّسَ سِرُّهُ»
جلد۳، صفحه ۳۰۶

کلیهٔ حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلّق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به‌صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیهٔ فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوّز از این سازمان ممنوع است و متخلّفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

۹/ فصل اوّل / **مفاهیم و کلیات**

۱۱ / درس اوّل/ چیستی فرهنگ
۱۸ / درس دوم/ چرایی شناخت فرهنگ و تحلیل فرهنگی
۲۵ / درس سوم/ چگونگی تحلیل فرهنگی

۳۳/ فصل دوم / **تحولات فرهنگی**

۳۵ / درس اوّل/ تغییرات و تحولات فرهنگی
۴۵ / درس دوم/ ارتباطات فرهنگی
۵۹ / درس سوم/ نقش رسانه‌ها در تحولات فرهنگی

۶۹/ فصل سوم / **فرهنگ ما ایرانیان**

۷۱ / درس اوّل/ تداوم و پیوستگی فرهنگی ما ایرانیان
۸۳ / درس دوم/ انسجام فرهنگی ما ایرانیان
۹۱ / درس سوم/ فرهنگ ما ایرانیان

۹۹/ فصل چهارم / **مسائل فرهنگی ایران**

۱۰۱ / درس اوّل/ فرهنگ و اقتصاد
۱۱۲ / درس دوم/ فرهنگ و اخلاق
۱۱۹ / درس سوم/ فرهنگ و جمعیت
۱۲۷ / درس چهارم/ ما و دگرگونی‌های فرهنگی

۱۳۷/ منابع مطالعاتی

پیشگفتار

سخنی با دانش آموزان، دبیران و خانواده‌های گرامی

امروزه،پدیده فرهنگ و پرداختن به مسائل فرهنگی، به یکی از مباحث بسیار حیاتی و مهم نظری و عملی، در عرصه ملی و بین‌المللی تبدیل شده است و صاحب‌نظران و پژوهشگران مختلف از زوایای گوناگون به آن می‌پردازند. با عنایت به اینکه انقلاب اسلامی، یک انقلاب فرهنگی است، پرداختن به این موضوع از اهمیت و ضرورت بیشتری برخوردار است. به همین دلیل،دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی فراوانی به صورت مستقل و به عنوان یک سنت مطالعاتی جداگانه، به تحقیق و پژوهش در این حوزه می‌پردازند.

فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، رفتارها، علایق و گرایش‌ها و آداب و رسوم مردم است، و کارشناسان و متخصصان فرهنگی معتقدند موفقیت در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، نیازمند بستر فرهنگی مناسب و همراهی فکری و عملی مردم می‌باشد.

درس «مطالعات فرهنگی» و کتاب «تحلیل فرهنگی» با درک ضرورت شناخت دانش‌آموزان عزیز از این موضوع مهم و حساس، برای اولین بار در جدول دروس گنجانده شده است، تا آنان با فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر، بتوانند مباحث و پدیده‌های زندگی فردی و اجتماعی خود را ازمنظر فرهنگی بررسی کرده و به صورت آگاهانه واکنش مناسب بروز دهند.

رویکرد تدوین کتاب، شایستگی محور بوده، و سعی شده علاوه بر ارائه دانش و معلومات مناسب این حوزه به دانش‌آموزان گرامی، زمینه کسب مهارت‌ها و شایستگی لازم برای رویارویی هوشمندانه و آگاهانه با فرهنگ و مسائل فرهنگی را فراهم آورد. به همین دلیل نام کتاب «تحلیل فرهنگی» گذاشته شد تا در آرای مختلف مکاتب و مباحث نظری مطالعات فرهنگی متوقف نشود، و بر تقویت توان فکری و کسب مهارت عملی دانش‌آموزان برای تجزیه و تحلیل دگرگونی‌ها و مسائل فرهنگی بیفزاید و آنان را برای تفسیر و فهم عمیق‌تر سازوکارهای زندگی روزمره و تعاملات فرهنگی توانمند سازد.

به بیان دیگر، هدف کتاب تحلیل فرهنگی، توانمند ساختن دانش‌آموزان در عرصه فرهنگ جامعه است تا با کسب آگاهی و شناخت از مفاهیم فرهنگی، مسائل روزمره زندگی خویش را با رویکرد فرهنگی تجزیه و تحلیل کنند و برای حل آنها چاره‌اندیشی کرده و مسئولیت خویش را در قبال بهبود و اصلاح آنها ایفاء نمایند.

کتاب تحلیل فرهنگی، در چهار فصل و هر فصل در سه درس به استثنای فصل چهارم که شامل چهار درس می‌باشد (مجموعاً ۱۳ درس) به شرح زیر تدوین شده است:

۱ـ فصل اول: مفاهیم و کلیات: در این فصل چیستی، چرایی و چگونگی فرهنگ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است؛ موضوعاتی مانند مفهوم‌شناسی فرهنگ، ابعاد و سطوح فرهنگ، رویکردفرهنگی، ضرورت شناخت فرهنگ و تحلیل فرهنگی.

۲ـ فصل دوم: تحولات فرهنگی: از آنجا که از مباحث اساسی فرهنگ، دگرگونی‌های فرهنگی است و ما در عصر تغییرات و تحولات فرهنگی زندگی می کنیم، لذا موضوعاتی مانند: چیستی، چرایی و چگونگی دگرگونی‌های فرهنگی، ارتباطات فرهنگی، تبادل فرهنگی، تهاجم فرهنگی، سلطه فرهنگی، دیپلماسی فرهنگی، نقش رسانه‌ها در تحولات فرهنگی در این فصل واکاوی و تجزیه و تحلیل شده است.

۳ـ فصل سوم: فرهنگ ما ایرانیان: شناخت فرهنگ ایرانی و تقویت هویت اسلامی ـ ایرانی نسل جوان، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. به همین دلیل موضوعاتی مانند: تداوم و پیوستگی فرهنگی ما ایرانیان، فرهنگ ایران از گذشته‌های دور تاکنون، مراحل مهم تاریخ فرهنگی ایران، انسجام فرهنگی، تنوع فرهنگی، عوامل انسجام‌بخش، هویت فرهنگی و ویژگی‌های فرهنگ ایرانی در این فصل بررسی شده است.

۴ـ فصل چهارم: مسائل فرهنگی ایران: در این فصل برخی از مسائل و چالش‌های فرهنگی امروز جامعه ایران در حوزه اقتصاد و اخلاق بررسی و تجزیه و تحلیل شده است و در پایان، با توجه به رسالت نسل جوان در صیانت از فرهنگ خود، شاخص‌ها و راهکارهایی برای رویارویی فعال و آگاهانه بادگرگونی‌های فرهنگی ارائه شده است.

یادآوری:

۱ـ دستیابی به اهداف برنامه درسی و کتاب و کسب موفقیت در فرایند یاددهی و یادگیری آن، به حضور فعال و بانشاط دانش‌آموزان در کلاس، نیاز دارد. در تدوین کتاب، از راهبرد پرسشگری، استفاده شده‌است، لذا دبیران عزیز، با تأکید بر سؤالات اولیه هر درس و طرح سؤالات مشابه، ایجاد انگیزه کرده و شوق یادگیری را در دانش‌آموزان تقویت نمایند.

۲ـ برای هر درس، به طور متوسط، دو جلسه درسی پیش‌بینی شده است. فعالیت‌هایی مانند «بررسی کنید»،«تحقیق کنید»،«گفتگو کنید»، زمینه یادگیری عمیق و دقیق دروس را فراهم می‌آورد و بر اجرای آن تأکید می‌شود.

۳ـ برگزاری «میزگرد فرهنگی» در کلاس یا مدرسه، توسط دانش‌آموزان و با مدیریت دبیرمحترم، به مثابه آزمایشگاه این درس، تحقق اهداف کتاب و تقویت مهارت گفتگو کردن را، میسر می‌سازد. در برنامه مناسبت‌ها، می‌توان به اجرای این فعالیت پرداخت.

۴ـ مطالعه کتاب‌های غیردرسی مرتبط، از جمله کتاب‌هایی در زمینه مطالعات فرهنگی و رمان‌های معرفی شده در پایان این کتاب، بر عمق یادگیری خواهد افزود و دانش‌آموزان را توانمند می‌سازد تا پدیده‌های اطراف خود را با رویکرد فرهنگی بررسی و تجزیه و تحلیل نمایند.

۵ـ از آنجا که این کتاب برای رشته‌های ادبیات و علوم‌انسانی و علوم و معارف اسلامی نوشته شده است و دانش‌آموزان این دو رشته، مطالعات بیشتری در زمینه حوزه علوم انسانی و دینی دارند و با عنایت به اینکه پیام دین اسلام، پیام فرهنگی بوده و بر فراهم آوردن زمینه هدایت‌پذیری انسان‌ها برای دستیابی به مقام قرب الهی و حیات طیبه تأکید دارد، لذا دانش‌آموزان می‌توانند به مباحث تمام دروس خویش، از منظر فرهنگی نگریسته و پیام‌های فرهنگی و تربیتی آن‌ها را استخراج نمایند.

۶ـ در صورت امکان، حضور دانش‌آموزان به همراه دبیران محترم خود در صحنه‌ها و عرصه‌های فرهنگی (مانند بازدید موزه، نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری، ابنیه و ساختمان‌های تاریخی و فرهنگی، ملاقات با شخصیت‌های علمی و فرهنگی، مشاهده تئاتر، فیلم و...) و تجزیه و تحلیل میدانی پدیده‌ها از منظر فرهنگی، بر جذابیت و اثربخشی درس خواهد افزود.

نظرسنجی کتاب درسی

فصل اوّل

مفاهیم و کلیات

مجموعه باستانی تخت سلیمان در تکاب – آذربایجان غربی

زیارت امام حسین (ع) در بین الحرمین

اهداف فصل

در پایان فصل، انتظار می‌رود دانش‌آموز:

۱ـ با تعریف فرهنگ و مصادیق آن آشنا شود و تصور خود را از فرهنگ بیان کند.

۲ـ با مفاهیم تحلیل فرهنگی، مطالعه فرهنگی و مطالعه فرهنگ آشنا شود.

۳ـ با ویژگی‌ها و نقش‌های فرهنگ آشنا شود.

۴ـ درک درستی از رویکرد فرهنگی کسب کرده باشد.

۵ـ مهارت تشخیص سطوح فرهنگ و مناسبات این سطوح با یکدیگر را کسب کرده باشد.

۶ـ توانایی تجزیه و تحلیل پدیده‌ها را از منظر فرهنگی به دست آورده باشد.

درس اوّل

چیستی فرهنگ

تعریف فرهنگ

ما بارها، واژه «فرهنگ» را شنیده و آن را به‌کار برده‌ایم. فرهنگ خانواده، فرهنگ آپارتمان‌نشینی، فرهنگ روستایی، فرهنگ ایرانی، فرهنگ اروپایی؛ جهان فرهنگی، انقلاب فرهنگی، مهندسی فرهنگی، تحولات فرهنگی و...؛ این واژه‌ها، از جمله واژگانی است که از طریق کتاب‌های درسی، رسانه‌ها و گفتگوهای روزانه با آنها آشنا شده‌ایم.

به راستی معنای «فرهنگ» چیست و شما چه تصوری از مفهوم فرهنگ و مصادیق آن دارید؟

معنا و ریشهٔ لغوی فرهنگ

فرهنگ واژه‌ای فارسی و مرکب است که از دو جزء «فر» و «هنگ» تشکیل شده است. «فر» پیشوندی است که در معنای جلو، بالا و پیش، به‌کار می‌رود و «هنگ» به معنی کشیدن، سنگینی و وزن می‌باشد و فرهنگ به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، هنر، آداب و رسوم است[1].

۱ـ فرهنگ فارسی معین و لغت‌نامه دهخدا

تعریف اصطلاحی فرهنگ

برای «فرهنگ»، تعاریف متعدد و مختلف بیان شده است.

برخی از این تعاریف عبارت‌اند از:

ـ فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، آداب و رسوم است که هر فرد از جامعه خویش فرا می‌گیرد.[1]

ـ فرهنگ، نظام‌واره‌ای از باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا، نمادها و مصنوعات است که ادراکات، رفتارها و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد.[2]

ریموند ویلیامز (۱۹۸۸ـ ۱۹۲۱) منتقد فرهنگی و از پیشگامان «مطالعات فرهنگی» با بررسی تعاریف مختلف و مطالعه تحولات تاریخی «مفهوم فرهنگ»، تعاریف فرهنگ را در سه گروه طبقه‌بندی می‌کند:

۱ـ تعاریفی که به رشد فکری، روحی و زیبایی شناختی فرد، گروه یا جامعه اشاره دارد.

۲ـ تعاریفی که دربرگیرنده فعالیت‌های ذهنی و هنری مردم و محصولات آنها در جامعه است؛ مثل فیلم، تئاتر، داستان، معماری و غیره.

۳ـ تعاریفی که به کل راه و رسم زندگی، کنش‌ها، باورها و آداب و رسوم تعدادی از مردم یک گروه یا یک جامعه اشاره دارد.

نکته قابل تأمل در علت تفاوت و تعدد تعاریف فرهنگ، تفاوت مبانی فکری و فلسفی صاحب‌نظران مختلف در زمینه‌های گوناگون، از جمله درباره انسان، می‌باشد.

۱ـ ادوارد تایلور (۱۹۱۷ـ۱۸۳۲)، فرهنگ ابتدایی

۲ـ مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۴

بررسی و گفتگو کنید

به نظر شما، حکیم ابوالقاسم فردوسی، در ابیات زیر، چه اهمیت و نقشی را برای فرهنگ درنظر دارد؟

ز دانا بپرسید پس دادگر — که فرهنگ بهتر بود یا گهر

چنین داد پاسخ بـدو رهنمون — که فرهنگ باشد زگوهر فزون

کـه فرهنگ آرایش جان بود — سخن گفتن از گوهر آسان بود

گهر بی هنر زار و خوار است و سست — به فرهنگ باشد روان، تندرست

ویژگی‌های فرهنگ

به‌نظر شما فرهنگ چه ویژگی‌ها و خصوصیاتی دارد؟

با دقت در تعاریف مختلف، برخی از ویژگی‌های مشترک که برای فرهنگ بیان شده، عبارت‌اند از:

۱ـ معنابخشی و ارزش آفرینی: فرهنگ، بیانگر معنا و مفهوم، ارزش‌ها و آگاهی‌ها، روش‌ها و سبک زندگی انسان‌هاست. فرهنگ، همانند روح در کالبد پدیده‌ها و عناصر جهان فرهنگی، جاری است و به آنها معنا و جهت می‌دهد. روح سرزنده و متعالی، نشاط و شادابی را در بدن ایجاد می‌کند.

۲ـ زمانمندی و مکانمندی: فرهنگ، پدیده‌ای «زمانمند و مکانمند» است و سبک و روش زندگی مردم هر جامعه، در هر زمان و هر مکان، با شیوه زندگی مردمان دیگر در مکان‌ها و زمان‌های دیگر، شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل توجه دارد. بنابراین فرهنگ هر ملت، خاص خود آنهاست.

۳ـ میراث جمعی بودن: فرهنگ، «میراث اجتماعی» است که توسط افراد یک گروه یا جامعه و کنش‌ها و تعاملات آنها با هم به‌وجود می‌آید و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

۴ـ تاریخی بودن: فرهنگ، پدیده‌ای «تاریخی» است که از انباشت تدریجی تجربه‌های افراد یک گروه در طول زمان، شکل گرفته است. فرهنگ هر جامعه، ریشه در تاریخ آن جامعه دارد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

۵ـ اکتسابی بودن: فرهنگ، پدیده‌ای «آموختنی و اکتسابی» است که در طول زندگی، از بدو تولد تا پایان عمر، از طریق نهادهای رسمی و غیررسمی آموزشی و تربیتی و منابع بشری و وحیانی توسط افراد کسب می‌شود. در عصر حاضر، رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی در کنار نهادهایی مانند خانواده و آموزش و پرورش، در تولید و انتقال فرهنگ، نقش اساسی ایفا می‌کنند.

۶ـ تحول‌پذیر بودن: فرهنگ، امری «تحول‌پذیر» است و همانند هر موجود زنده و به‌عنوان یک پدیده انسانی، دچار تغییر و تحول می‌شود. به همین دلیل، فرهنگ، رشد و تعالی، فراز و فرود دارد و پویایی و زوال در حوزه فرهنگ و جهان فرهنگی اتفاق می‌افتد.

۷ـ نظام‌مند بودن: فرهنگ، یک کل به هم پیوسته و منسجم است و عناصر و اجزای آن برهم تأثیر گذاشته و از هم تأثیر می‌پذیرند.

بررسی و تحلیل کنید

تصویر مقابل، یک پدیده فرهنگی است که در برخی از مناطق کشور ما تولید می‌شود.
به نظر شما کدام‌یک از ویژگی‌های فرهنگ در این محصول، وجود دارد؟

ابعاد و وجوه فرهنگ

فرهنگ دارای چه ابعادی است؟ چگونه می‌توان آنها را از هم تشخیص داده و طبقه‌بندی کرد؟

دانستیم که فرهنگ، به‌عنوان روح جمعی زندگی انسان، عاملی است که به تمام پدیده‌های انسانی، معنا می‌بخشد؛ لذا وسعت و قلمرو فرهنگ، به وسعت حیات اجتماعی انسان و جهان‌های اجتماعی اوست و تمام ذخائر و میراث اندیشه و کنش انسان از آغاز تا امروز را شامل می‌شود. انسان‌شمول بودن فرهنگ، باعث ایجاد خصوصیات مشترک میان جهان‌های اجتماعی و جهان‌های فرهنگی شده است.

با توجه به گستردگی مفهوم فرهنگ، می‌توان هرجهان فرهنگی را، به دو بعد فرهنگ محسوس و فرهنگ غیرمحسوس تقسیم کرد.

۱ـ فرهنگ محسوس، به مجموعه پدیده‌های عینی و ملموس گفته می‌شود. این بُعد از فرهنگ شامل اشیای قابل حس، وسایل و ابزارهایی است که از زمان گذشته تا حال، به ما به ارث رسیده است؛ مانند آثار باستانی، صنایع‌دستی، ابزار کار، وسایل کشاورزی، لباس، لوازم خانه، داروهای شیمیایی، وسایل تولیدی، ساختمان و دست‌ساخته‌های دیگرِ انسان. به‌عبارت دیگر، فرهنگ محسوس، شامل همه دستاوردهای مادی و فناورانهٔ زندگی بشر است که در جامعه وجود دارد.

۲ـ فرهنگ غیرمحسوس، ابعاد کیفی و ناملموس زندگی انسان را شامل می‌شود مانند: اعتقادات، اخلاقیات، باورها، ارزش آثار فکری، ادبی و هنری، فنون، آداب و فولکلور (قصه‌ها، مَثَل‌ها، داستان‌ها و...). این بخش از فرهنگ، بیشتر به‌وسیله زبان و خط فرا گرفته می‌شوند.

«فرهنگ دارای دو بعد یا دو وجه است: این دو بعد، در یک کلیت منسجم به هم مرتبط هستند و در تحلیل نهایی، باید تأثیرات متقابل آنها را در بستر کلی هر جامعه، مورد بررسی و توجه قرار داد.[۱]»

دو بعد محسوس و غیرمحسوس فرهنگ به هم پیوسته‌اند. این پیوستگی و پیوند، هرچند در ظاهر مشخص نیست، اما با دقت و شناخت علمی، ارتباط بین آنها مشخص می‌شود. این ارتباط، یک رابطه دو سویه است؛ از یک سو فرهنگ محسوس، ریشه در فرهنگ غیرمحسوس دارد و از آن سرچشمه می‌گیرد و از سوی دیگر، فرهنگ غیرمحسوس، از تغییرات و تحولات فرهنگ محسوس، تأثیر می‌پذیرد.

فرهنگ غیرمحسوس، بدنه اصلی فرهنگ یک جامعه است. این بدنه، قدرت روحی و نیروی حیاتی یک ملت را مشخص می‌کند و تمام ابعاد، تولیدات و مصنوعات زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، ریشه در فرهنگ غیرمحسوس و ذهنی جامعه دارد.

۱ـ آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، ۱۳۷۷، صفحه ۳۶

این دو بعد فرهنگ، «هویت فرهنگی» هر جامعه را تشکیل می‌دهند و تضعیف آن، به‌ویژه در لایه‌های غیرمحسوس، ضایعه‌ای است که هویت یک جامعه را تهدید می‌کند. فرهنگ محسوس را می‌توان از جوامع دیگر به عاریه گرفت، توسعه داد و غنی ساخت، اما کسب فرهنگ غیرمحسوس، به‌آسانی امکان‌پذیر نیست و آثار مثبت یا منفی آن می‌تواند بسیار عمیق و گسترده باشد.

بررسی و گفتگو کنید

اگر فردی، لباس یا پیراهنی بپوشد که بر روی آن، تصویری از نمادهای ملی باشد، این نوع پوشش، چه پیامی از فرهنگ محسوس و فرهنگ غیرمحسوس را به دیگران منتقل می‌کند؟ اگر این لباس، حاوی تصاویری از نمادهای بیگانه باشد، دیگران، چه پیامی از آن دریافت خواهند کرد؟

همان‌گونه که آموخته‌اید اجزای مختلف یک جهان اجتماعی را می‌توان براساس اهمیت و نقشی که ایفا می‌کنند، تقسیم‌بندی نمود. از آنجا که ارتباط تنگاتنگی بین فرهنگ و اجتماع وجود دارد، فرهنگ را نیز می‌توان در چهار سطح به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

۱ـ عقاید و باورها: مجموعه جهان‌بینی و اعتقاداتی که در یک فرهنگ وجود دارد؛ مانند اعتقاد به خداوند و روز قیامت و کرامت انسان.

۲ـ ارزش‌ها: بار معنایی خاص که انسان برای برخی از اعمال و کنش‌ها، حالت‌ها و پدیده‌ها قائل است و حکایت از مطلوبیت و مفید بودن پاره‌ای از امور در زندگی انسان دارند؛ مانند عدالت، ظلم‌ستیزی، آزادی و کمک به محرومین، علم و آگاهی.

۳ـ هنجارها: کنش‌هایی که برای تحقق ارزش‌ها توسط افراد انجام می‌شود و همگان به رعایت آنها ملزم و وفادارند؛ مانند رعایت قانون، نوع پوشش در جامعه و عبور نکردن از چراغ قرمز.

۴ـ نمادها: نشانه‌ها و امور قراردادی که معرف معنایی خاص است و پیامی خاص را القا یا تداعی می‌کند؛ مانند پرچم، صدای زنگ مدرسه، علائم تابلوهای راهنمایی، مناره و گنبد.

سطوح فرهنگ

چه رابطه‌ای میان سطوح و ابعاد فرهنگ برقرار است؟ شناخت و درک این ارتباطات، چه پیامدهایی خواهد داشت؟

مناسبات این چهار سطح با ابعاد و وجوه فرهنگ، در نمودار صفحه بعد نمایش داده شده است:

مناسبات و ارتباط سطوح و لایه‌های فرهنگ با یکدیگر

فرهنگ محسوس و ملموس	↑ نمادها	↓
	↑ هنجارها و ابزارها	↓
فرهنگ غیرمحسوس و غیرملموس	↑ ارزش‌ها	↓
	↑ عقاید، باورها و آگاهی‌ها	↓

همچنان که مشاهده می‌کنید، عقاید و ارزش‌ها در لایه‌های عمیق و زیرین فرهنگ و هنجارها و نمادها در لایه‌های سطحی قرار دارند و از عقاید و ارزش‌ها سرچشمه می‌گیرند. این چهارلایه برهم تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند. همچنین تغییر هر لایه، بر روی سایر لایه‌ها اثر گذاشته و می‌تواند باعث تغییر آنها شود.

موضوعات زیر را از منظر سطوح و ابعاد فرهنگ، بررسی کرده و درباره آنها در کلاس گفتگو کنید:

- آیا در محل سکونت شما بناهای قدیمی وجود دارد؟ چرا سبک معماری و نحوه ساخت‌وساز خانه‌های مسکونی امروز با گذشته متفاوت است؟
- دو ژاپنی چگونه به هم احترام می‌گذارند؟ چرا روش آنها با روش احترام گذاشتن ما به یکدیگر، متفاوت است؟

خانه مدرن در تهران

خانه قدیمی در تهران

درس دوم

چرایی شناخت فرهنگ و تحلیل فرهنگی

چرا باید «فرهنگ» را بشناسیم و به بررسی و تجزیه و تحلیل پدیده‌ها و مسائل فرهنگی بپردازیم؟

شناخت فرهنگ و مقوله‌های فرهنگی، چه تأثیری در زندگی فردی و اجتماعی ما دارند؟

ضرورت ها و نقش‌های فرهنگ

در درس قبل دانستیم، گستره فرهنگ، به گستردگی حیات اجتماعی انسان است. از این رو، هر انسانی به عنوان یک کنشگر اجتماعی، تحت تأثیر فرهنگ و جهان‌های فرهنگی قرار دارد و براساس باورها و ارزش‌های فرهنگی، کنش فردی و اجتماعی انجام می‌دهد.

دلایل ضرورت و اهمیت شناخت فرهنگ و تحلیل فرهنگی عبارت‌اند از:

۱ـ فرهنگ و جامعه‌پذیری

«ما»، «فرهنگ» و «جهان‌های فرهنگی» چه مناسباتی باهم داریم؟ از هم چه تأثیری می‌پذیریم و برهم چه تأثیری می‌گذاریم؟

شخصیت و هویت ما، در جهان فرهنگی شکل می‌گیرد. ما از فرهنگ، اثر پذیرفته و بر آن اثر می‌گذاریم.همه ما، در طول زندگی با هزاران نماد و نشانه فرهنگی، در خانه، خیابان، مدرسه و جامعه روبه‌رو هستیم و در تمام تصمیمات خود، اعم از لباس پوشیدن، غذا خوردن، درس خواندن، تماشای تلویزیون، تفریح نمودن و نیز انتخاب رشته تحصیلی، نوع شغل، انتخاب همسر و... با فرهنگ و پدیده‌های فرهنگی سر و کار داریم. در نتیجه باید، «فرهنگ» را بشناسیم و توانایی تجزیه و «تحلیل فرهنگی» را به دست آوریم.

هنگامی که نوزاد انسان به دنیا می‌آید، رفتارهای طبیعی و زیستی از خود بروز می‌دهد؛گریه می‌کند، دست‌وپای خود را حرکت می‌دهد، چشم‌های خود را باز و بسته می‌کند و... اما به مرور زمان، تحت تأثیر فرهنگ خانواده و بر اساس فطرت خدادادی، آگاهی‌ها، مهارت‌ها و باورهای او شکل می‌گیرد و رفتارها و کنش‌هایی در سطح بالاتر از خود نشان می‌دهد. مهم‌ترین نمود فرهنگ‌پذیری، زبان‌آموزی و ادای کلمات و واژگان است که عمدتاً از فرهنگ خانواده و زبان و رفتار پدر و مادر، به صورت مستقیم و غیرمستقیم فراگرفته می‌شود.

کودک از طریق حواس، جهان اطراف خود را شناسایی و ادراک می‌کند و این امر، به رشد و گسترش توانایی زبانی او می‌انجامد. شکل‌گیری و رشد زبان در فرد، مقدمه شکوفایی و رشد «اندیشه» در او خواهد شد. فرهنگ، ابتدا بیرون از وجود کودک و در وجود دیگران، نمادها، جهان اجتماعی و فرهنگی، موجود است و در تعامل کودک با دیگران، به درون وی، راه یافته و باعث درونی شدن فرهنگ می‌شود.

فرهنگ از طریق یادگیری و درونی شدن، استمرار می‌یابد و افراد، با عجین شدن فرهنگ با استعدادهای ذاتی‌شان، به بسط و گسترش فرهنگ (مانند تولید ابزار و تفکرات جدید) پرداخته و بر آن، تأثیر می‌گذارند.

فرهنگ، عامل اتصال و روح تعاملات اجتماعی است و ارتباطات اجتماعی در بستر فرهنگ و توسط آن اتفاق می‌افتد. بدون فرهنگ، ارتباط و تعامل با دیگران، امکان‌پذیر نیست، همچنان که نحوه تعامل ما با دیگران را نیز، فرهنگ، مشخص می‌کند؛ به عنوان مثال، اگر فردی به ما، طوری تعارف کند که از عمل این فرد و نحوه تعارف کردن او، بفهمیم که او به ما ابراز محبت و صمیمیت کرده، متقابلاً ما نیز، محبت‌آمیز برخورد می‌کنیم، ولی اگر تلقی ما از رفتار او این باشد که درصدد تحقیر یا کوچک شمردن ماست، به گونه‌ای دیگر رفتار خواهیم کرد. این تفاوت در رفتار و سبک زندگی، در فرهنگ‌های مختلف (مانند تفاوت مراسم پذیرایی و تعارفات در فرهنگ اروپایی، آفریقایی، آسیایی و...) به خوبی مشهود است و بر ضرورت و اهمیت شناخت فرهنگ، تأکید دارد.

بررسی، گفتگو و تجزیه وتحلیل نمایید:

در شهر شما، مراسم ازدواج، دارای چه آداب و رسومی است؟ اگر فردی با این آداب آشنا نباشد و یا آنهارا رعایت نکند، چه پیش می‌آید؟

۲ـ فرهنگ و هدفمندی در زندگی

هر یک از ما، در زندگی خود، هدف یا اهدافی داریم و برای دستیابی به آنها و کسب موفقیت، تلاش می‌کنیم. معنای زندگی ما و انتخاب و ترجیح یک هدف بر اهداف دیگر، متأثر از باورها و ارزش‌های ماست. اگر برای رسیدن به هدف، نهاد دانش و مهارت خاصی نیاز باشد، سعی می‌کنیم آنها را در مدرسه یا آموزشگاه‌های بیرون از مدرسه به دست آوریم. اگرتحقق هدف ما، به سرمایه نیاز داشته باشد، با تلاش خود و همراهی خانواده، سعی می‌کنیم آن را تأمین نماییم. علاوه بر این تلاش‌ها و امکانات، دستیابی به اهداف فردی و اجتماعی، نیازمند فراهم آوردن بستر فرهنگی مناسب آن هدف است. شرایط فرهنگی، باید پذیرای تحقق اهداف باشد و از آن حمایت کند؛ مثلاً اگر اهداف ما، با فرهنگ خانواده یا جامعه، همخوانی نداشته باشد و حتی با آنها در تعارض و تضاد باشد، مقاومت و مخالفت اعضای خانواده یا جامعه، باعث عدم موفقیت در اجرای برنامه‌ها می‌شود. در نتیجه، موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی، نیازمند توجه به فرهنگ و شرایط فرهنگی جامعه است و شناخت آن برای تحقق اهداف، ضروری است.

۳ـ فرهنگ و پویایی حیات اجتماعی

فرهنگ، «روح جمعی» حاکم بر زندگی آدمی است که تمام زوایای آشکار و پنهان زندگی را در برگرفته است. فرهنگ، همانند ریشه درخت است که پویایی و شادابی درخت زندگی به سلامت ریشه‌های آن وابسته است. اگر شاخه یا برگ یا میوه درخت، آسیب ببیند، درخت از بین نمی‌رود، اما اگر ریشه درخت آسیب دید و خشک شد، چه اتفاقی می‌افتد؟ نهادهای خانواده، اقتصاد، سیاست، هنر، بهداشت، ورزش، تعلیم و تربیت و... همه ریشه در فرهنگ جامعه دارند و از آبشخور آن، سیراب می‌شوند. تمام فعالیت‌ها و کنش‌های فردی و گروهی افراد، از باورها و ارزش‌های فرهنگ جامعه، نشئت می‌گیرد.

انسان و جامعه، از فرهنگ جدایی‌ناپذیرند، در نتیجه انسان بدون فرهنگ و جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد، همچنان که فرهنگ بدون انسان و جامعه نیز، پدید نمی‌آید.

آیا بدون شناخت و کسب شایستگی‌های لازم، امکان حفظ حیات اجتماعی و جلوگیری از آسیب‌ها، وجود دارد؟

بی‌تردید، همان‌گونه که حفظ حیات جسمانی انسان و تداوم رشد بدن، وابسته به شناخت از انسان و شرایط زیست اوست، حفظ و صیانت ازحیات اجتماعی نیز، ارتباط مستقیم با شناخت فرهنگ و عوامل و عناصرآن دارد.

۴ـ فرهنگ و وحدت ملی

کشور ایران، سرزمینی وسیع و گسترده با منابع و امکانات فراوان است که اقوام و گروه‌های مختلف در آن زندگی می‌کنند. این اقوام، علی‌رغم برخی از تفاوت‌های زبانی، مذهبی، نژادی، به‌دلیل دارا بودن «فرهنگ مشترک» توانسته‌اند در طول تاریخ، وحدت ملی خویش را حفظ کرده و با هم زندگی کنند.

فرهنگ، مهم‌ترین عامل انسجام ملی و همبستگی اجتماعی به‌شمار می‌رود. انسجام ملی در هر جامعه، نیازمند تقویت و صیانت از بنیان‌های فرهنگی آن جامعه می‌باشد؛ چه بنیان‌های فرهنگ محسوس و ملموس و چه بنیان‌های فرهنگ معنوی و غیرمحسوس. صیانت از: آثار و ابنیه تاریخی، میراث مکتوب، اسطوره‌ها و قهرمانان ملی، ادبیات و زبان، آرمان‌ها، عقاید، باورهای عقلانی و فطری (مانند توحید، عدالت‌خواهی) و نظایر آنها، در تحکیم و تقویت انسجام اجتماعی و وحدت ملی نقش دارند. کسانی می‌توانند منادی وحدت و انسجام اجتماعی باشند و گفتار و رفتار آنها به همبستگی ملی و اجتماعی کمک کند که شناخت دقیق و عمیق از فرهنگ جامعه و درک صحیح از ارزش‌ها و باورهای وحدت‌آفرین داشته باشند.

هم‌اندیشی و گفتگو کنید

تولید و ترویج لطیفه‌های قومی و طنزهای مخرب علیه شخصیت‌ها و قهرمانان ملی و اقوام و گروه‌های مختلف، به‌ویژه در فضای مجازی، چرا و چگونه انجام می‌شود؟ تأثیر منفی آنها بر تضعیف وحدت ملی و انسجام اجتماعی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

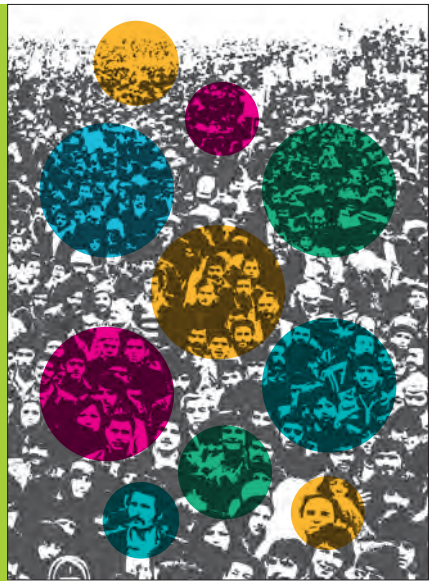

۵ـ فرهنگ و گسترش جهان‌های اجتماعی

مطالعه و شناخت فرهنگ، زمینه ارتباط با «گذشتگان» و «آیندگان» را فراهم می‌آورد و مرزهای «زمان» را درمی‌نوردد و با توسعه علم و آگاهی، امکان آشنایی با جهان اجتماعی دیگر میسر می‌شود. زمانی که کتاب تاریخی مطالعه می کنیم، یا از موزه بازدید می‌کنیم، هنگامی که از اعمال وحشیانه چنگیز و همراهانش نسبت به مردم شهرها و روستاها ناراحت می‌شویم، زمانی که زندگانی مالک‌اشتر را بررسی کرده و او را الگوی خود قرار می‌دهیم و ... در همه این موارد، با فرهنگ گذشتگان و مواریث فرهنگی آنان آشنا می‌شویم، گویی با «گذشتگان» زندگی کرده و در «گذشته» حضور داشته‌ایم.

آن هنگام که سیاستمداران و مردمی را تحسین می کنیم که با قناعت در مصرف منابع طبیعی و منابع میان نسلی، (مانند ذخایر نفت)، زمینه زندگی مناسب را برای «آیندگان» فراهم می‌آورند، گویی با «آیندگان» زندگی می کنیم و شرایط آنان را، درک می کنیم.

بنابراین، فرهنگ، نه تنها عامل و پایه تعامل با دیگران است، بلکه جهان اجتماعی ما را هم گسترش می‌دهد، ما را از تنگنای جهان فعلی بیرون برده و در صحنه گسترده معاصران، گذشتگان، و آیندگان قرار می‌دهد و با این کار، موجبات رشد و شکوفایی بیشتر ما را فراهم می‌آورد. همچنین تعاملات فرهنگی، باعث شناخت سایر جهان‌های اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

شناخت «فرهنگ» و «تحلیل فرهنگی» یعنی:

- شناخت و تجزیه و تحلیل توانمندی‌ها، باورها، اندیشه‌ها و رفتارهای «خود» و دیگران
- شناخت «گذشتگان» و مواریث و آثار آنان، موفقیت‌ها و شکست‌های ایشان،
- شناخت «معاصران» و تحلیل سبک زندگی، افکار و ارزش‌های آنان،
- شناخت «آیندگان» و شرایط زیست فرهنگی و اجتماعی ایشان.

رسانه‌ها و فناوری‌های نوین، با تولید و توزیع اطلاعات، زمینه گسترش جهان اجتماعی و فرهنگی را فراهم آورده و ارتباط با جهان اجتماعی دیگر را آسان و سریع می کنند.

۶ـ فرهنگ و آینده بشر

انسان‌ها در طول تاریخ زندگی خویش، فراز و فرود فراوانی را تجربه کرده و سیر تکاملی و تعالی‌جویانهٔ خود را طی کرده‌اند. در ابعاد مادی و محسوس زندگی بشر، حرکت از زندگی ساده و ابتدایی آغاز و پس از عبور از دوره‌های مختلف کشاورزی و صنعتی به زندگی فناورانه امروز رسیده است. در ابعاد فرهنگ غیرمحسوس نیز، سیر تحولی

خویش را پشت سر نهاده و با پستی‌ها و بلندی‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌های فکری و معنوی روبه‌رو بوده است. از یک سو، انسان امروزی، نسبت به گذشته به علم و آگاهی، عقلانیت و معنویت فزون‌تر، دست پیدا کرده است، و از سوی دیگر، کژی‌ها و آسیب‌هایی، مانند اعتیاد، سرقت، بی‌عدالتی، استثمار و استعمار، با پیچیدگی و گستردگی بیشتری در زندگی انسان جریان یافته است. بر اساس شواهد و قرائن، در ادامه این راه، انسان آینده، آگاه‌تر و عالم‌تر، عدالت‌خواه‌تر، و جامعه انسانی، جامعه فرهنگ محور و دانش‌بنیان خواهد شد، در نتیجه، اندیشه و فرهنگ، میدان‌دار زندگی انسان‌های آینده می‌شود. علم و آگاهی، بیش از پیش، در زندگی آدمیان، نقش‌آفرینی کرده و باورها و ارزش‌ها، مناسبات فردی و اجتماعی آنان را رقم خواهند زد.

شهید مطهری:

انسان آینده، «انسان فرهنگی» است و عوامل و مؤلفه‌های فرهنگی، بیش از پیش در زندگی فردی و اجتماعی او تأثیر خواهد داشت.

به همین دلیل، در دوران جدید، بر اهمیت و ضرورت توجه به فرهنگ و مقولات فرهنگی و گسترش علم و دانایی افزوده شده است و رسیدن به پیشرفت و توسعه و دستیابی به جامعه انسانی توأم با اخلاق و معنویت و ارزش‌های والای انسانی، مورد توجه جدی قرار گرفته است.امروزه منابع انسانی، به مثابه اصلی‌ترین سرمایه هر جامعه، محسوب شده و باورها، شایستگی و مهارت‌های او از جایگاه رفیع و بی‌بدیل برخوردار شده است. جامعه پیشرفته و توسعه‌یافته، جامعه‌ای خواهد بود که از علم و آگاهی و از سرمایه انسانی بیشتر، با شایستگی فزون‌تر و فرهنگ متعالی برخوردار باشد.

با تشکیل «میز گردفرهنگی» درباره موضوعات زیر، گفتگو کنید:

۱ـ امام خمینی رحمه‌الله می‌فرماید: «بی‌شک والاترین و بالاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت آن جامعه را تشکیل می‌دهد».

۲ـ عبارت «انقلاب اسلامی ـ یک انقلاب فرهنگی است» به چه معناست؟ این رویکرد، در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، رفتار مسئولان و مردم چه تأثیری داشته و چه پیامدهایی را به همراه دارد؟

درس سوم

چگونگی تحلیل فرهنگی

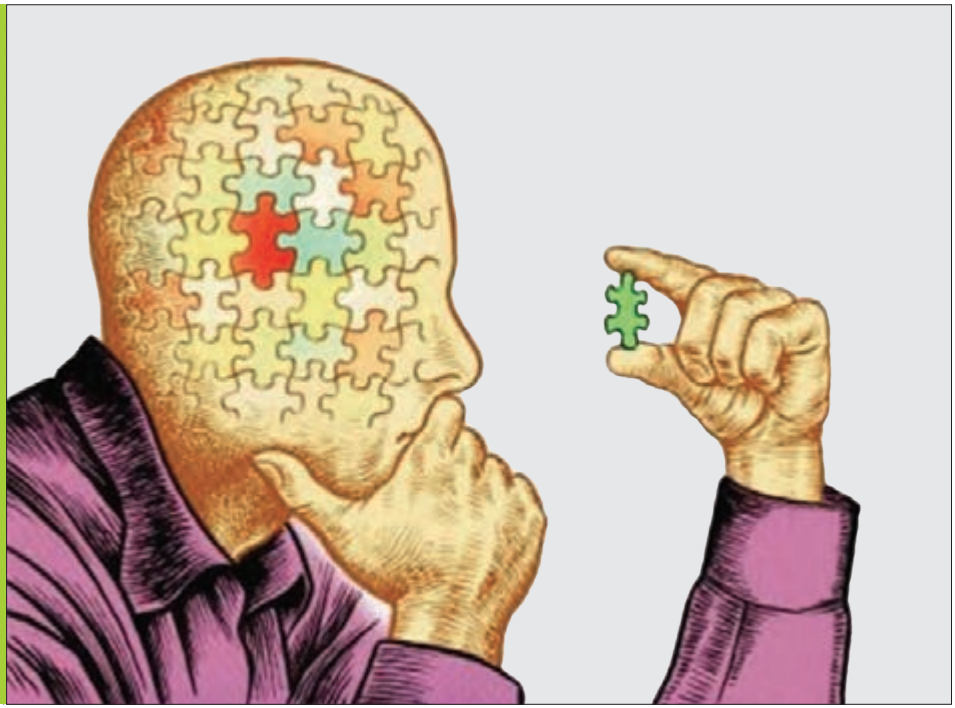

براساس آمارهای موجود، «سن ازدواج» در کشور، در دو دهه گذشته، بالا رفته است. علل این پدیده کدام‌اند؟ آیا صرفاً شرایط و دلایل اقتصادی باعث پیدایش این «مسئله» شده است؟ تغییر سبک زندگی مردم، چه نقشی در بروز آن داشته است؟

این «مسئله» را، چگونه «تحلیل» می‌کنید و برای بررسی و تجزیه و تحلیل آن، به چه دانش‌ها و مهارت‌هایی نیاز دارید؟

تحلیل فرهنگی به چه معناست؟ برای تجزیه و تحلیل فرهنگی پدیده‌ها، به چه دانش‌ها و مطالعاتی نیاز داریم؟ پیامدهای تحلیل فرهنگی چیست و چه مسئولیت‌هایی را متوجه ما می‌کند؟

برای پاسخ دادن به این سؤالات، لازم است ابتدا مفاهیم «مطالعات فرهنگی»، «رویکرد فرهنگی» و «تحلیل فرهنگی» را بررسی کنیم.

مطالعات فرهنگی

مطالعات فرهنگی به چه معناست ؟ و شامل چه موضوعاتی می‌شود؟

مطالعات فرهنگی، مجموعه‌ای از بررسی‌های انتقادی دربارهٔ فرهنگ عمومی و مسائل زندگی روزمره است که وضعیت فرهنگی جهان‌های اجتماعی معاصر را بررسی می‌کند.

هدف از این مطالعات، شناسایی نقاط قوت و ضعف فرهنگ افراد و جهان اجتماعی، برای کمک به انسانی‌تر شدن زندگی روزمره است.

گسترش سریع و روزافزون فناوری‌های ارتباطی، حضور قدرتمند و فعالیت پرتنوع رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی و بررسی نفوذ و تأثیر فوق‌العاده آنها بر فرهنگ افراد و فرهنگ جامعه، همچنین تعامل رسانه‌ها با سایر نهادهای اجتماعی، (مانند خانواده، اقتصاد، سیاست) مورد توجه مطالعات فرهنگی است.

تجربه زندگی در جهان‌های متنوع فرهنگی، گسترش مهاجرت (روستا، شهر، سایر کشورها)، در هم تنیدگی و تعامل خرده فرهنگ‌ها، اختلافات فرهنگی، تعاملات فرهنگی بین‌المللی و... از جمله موضوعاتی است که در مطالعات فرهنگی تجزیه و تحلیل می‌شود.

مطالعات فرهنگی، به دنبال کشف روابط و مناسبات فرهنگ با نژاد، جنسیت، طبقه، زبان، مذهب، حاکمیت و قدرت است. در این حوزهٔ مطالعاتی، فرهنگ سرمایه‌داری معاصر، به عنوان فرهنگ مادی و کالایی شده، مورد نقد جدی قرار می‌گیرد.

تحقیق کنید

رشته های دانشگاهی در حوزه فرهنگ و موضوعات فرهنگی را، در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه‌های کشور، شناسایی کرده و در کلاس معرفی کنید

پیشتر بدانیم

سواد فرهنگی

امروزه، «سواد» به توانایی خواندن، نوشتن و حساب کردن محدود نمی‌شود و افراد باسواد کسانی نیستند که می‌توانند متنی را بخوانند یا مطلبی را بنویسند و یا عملیات ریاضی را انجام دهند. «سواد» در عصر جدید، به مجموعه‌ای از دانش‌ها و توانایی‌ها گفته می‌شود که برای شناخت، درک، برقراری ارتباط و استفاده از پدیده‌ها، مورد نیاز است. بنابراین، «سواد فرهنگی» مجموعه‌ای از شناخت‌ها و توانایی‌های اساسی است که افراد، برای درک عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ، مسائل فرهنگی، هویت فرهنگی، برقراری ارتباط با دیگران و تجزیه و تحلیل فرهنگی، از آن برخوردارند.

سواد فرهنگی، افراد را توانمند می‌سازد تا توانایی شناخت هنجارها، ارزش‌ها، آداب و رسوم در فرهنگ‌های مختلف را کسب کنند و در شرایط و موقعیت‌های فرهنگی، رفتار مناسبی از خود بروز دهند. باسوادان فرهنگی، مهارت تجزیه و تحلیل فرهنگی یک فیلم را دارند، پیام یک کتاب رمان را درک می‌کنند، تأثیر وب‌گردی و اعتیاد اینترنتی بر باورها و رفتار کاربران فضای مجازی را می‌فهمند، با قوت و ضعف فرهنگ دیگران، آشنا هستند، مسائل و مشکلات فرهنگی جامعه را می‌شناسند و توانایی نقد و تجزیه و تحلیل آن را دارند. سواد فرهنگی، زمینه حضور فعال و مؤثر افراد در جهان فرهنگی را فراهم می‌سازد و به آنان امکان می‌دهد تا شناخت مناسب از تاریخ خود و جامعه جهانی و مناسبات اجتماعی و ارتباطات فرهنگی به دست آورند و توانایی تعامل مفید و ارتباط مؤثر را کسب کنند.

در مقابل، فرد بی‌سواد فرهنگی، فاقد توانایی درک پدیده‌های فرهنگی است، مهارت بررسی تأثیر متقابل پدیده‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با پدیده‌های فرهنگی را ندارد. از تجزیه و تحلیل سبک زندگی مردم عاجز است، برای اصلاح فرهنگ مصرف بی‌رویه، راه‌حلی ندارد. بی‌سواد فرهنگی، در برابر تهاجم فرهنگی، منفعل است و توانایی نقد و بررسی فرهنگ بیگانه را کسب نکرده است.

اولین بار، واژه «سواد فرهنگی» توسط «هیرش» نویسنده آمریکایی در سال ۱۹۸۲ با ارائه شناخت مناسب درباره ۵۰۰۰ موضوع، به کار گرفته شد. هیرش در سال ۲۰۰۱ دایرةالمعارف کامل سواد فرهنگی را منتشر ساخت.

رویکرد فرهنگی چیست؟

آیا تاکنون از عینک دودی استفاده کرده‌اید؟ اشیای اطراف خود را چگونه دیده‌اید؟ اگر رنگ شیشه عینک خود را سبز یا قرمز انتخاب کنید، آن‌گاه اشیای اطراف را چگونه خواهید دید؟ آیا رنگ اشیای اطراف شما تغییر کرده است یا عینک و نوع نگاه، سبب این تفاوت شده است؟

پیش چشمت داشتی شیشه کبود — زان سبب عالم کبودت می‌نمود

گر نه کوری این کبودی دان ز خویش — خویش را بدگو مگو کس را تو بیش

مثنوی معنوی، دفتر اول، بخش ۷۲

هر یک از ما با عینکی که بر چشم داریم و یا از دریچه‌ای که در پشت آن قرار گرفته‌ایم، پدیده‌های اطراف و دنیای خارج از ذهن خویش را می‌بینیم و آنها را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. گاهی از منظر سیاسی، یا اقتصادی یا اجتماعی و گاهی هم با رویکرد فرهنگی.

رویکرد فرهنگی یعنی همه پدیده‌ها و موضوعات را از منظر «فرهنگ» نگریستن و با معیار «فرهنگ و شاخص‌های فرهنگی» آنها را تجزیه و تحلیل کردن.

در رویکرد فرهنگی، اصالت و اولویت با ارزش‌ها و شاخص‌های فرهنگی است. اگر در جامعه‌ای، اخلاق، ادب، علم و آگاهی، قانون‌گرایی و عدالت از شاخص‌های مهم فرهنگ آن جامعه باشد، همه رفتارها و عملکردهای فردی و نهادهای اجتماعی با آنها سنجیده می‌شود و پیشرفت و تعالی جامعه نیز به گسترش و تقویت این ارزش‌ها می‌انجامد. در مقابل، اگر در جامعه‌ای، بی‌نظمی، قانون‌گریزی، فردگرایی، دروغ‌گویی و منفعت‌گرایی فردی ارزش تلقی شوند، جامعه مسیر قهقرایی طی می‌کند و برخی افراد با تمسک به این ویژگی‌ها به تجزیه و تحلیل پدیده‌ها می‌پردازند و کنش خود را براساس آن تنظیم می‌کنند.

«مسئله» زیر را بررسی وتجزیه و تحلیل کرده و در کلاس درباره آن گفتگو کنید:

اگر در محل سکونت شما یک فروشگاه بزرگ برای عرضه وسایل زندگی با اولویت اجناس و کالاهای خارجی، دایر شود، آیا این اقدام، صرفاً یک فعالیت اقتصادی است؟ این فروشگاه، چه آثار فرهنگی و اجتماعی به همراه دارد و چه تأثیری بر سبک زندگی مردم محله و منطقه بر جای می‌گذارد؟ چرا در اکثر کشورها، مصرف کالای داخلی (حتی با کیفیت پایین‌تر و قیمت بالاتر) بر مصرف کالاهای خارجی ترجیح دارد؟

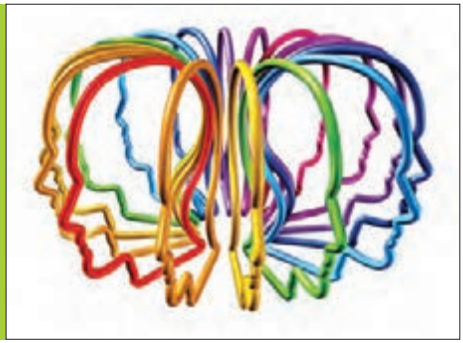

با توجه به تقسیم فرهنگ به دو بخش محسوس و غیرمحسوس و با عنایت به تأثیر و نقش فرهنگ غیرمحسوس در تحقق و تعیین فرهنگ محسوس، مشخص می‌شود که رویکرد فرهنگی، یعنی رویکرد مبتنی بر باورها و ارزش‌ها که ریشه در فرهنگ غیرمحسوس و مجموعه باورها و ارزش‌ها دارد. باور، قدرتمندترین عنصر فرهنگ است و باورهای عالی، سرچشمه موفقیت‌های بزرگ هستند. زیرا قانون زندگی، قانون باورها و اعتقادات است و انسان‌ها همان‌گونه که باور دارند، می‌اندیشند و عمل می‌کنند. فرق بین انسان‌ها و فرهنگ‌ها، فرق میان باورها و ارزش‌های آنهاست. انسان‌های موفق با باورهای متعالی، موفقیت را برای خود خلق می‌کنند.

گفتگو کنید

نلسون ماندلا:

می‌دانی فرق من با زندانبانم چیست؟ زمانی که پنجره کوچک سلولم را باز می‌کند، او تاریکی و غم را می‌بیند و من روشنایی و امید را.

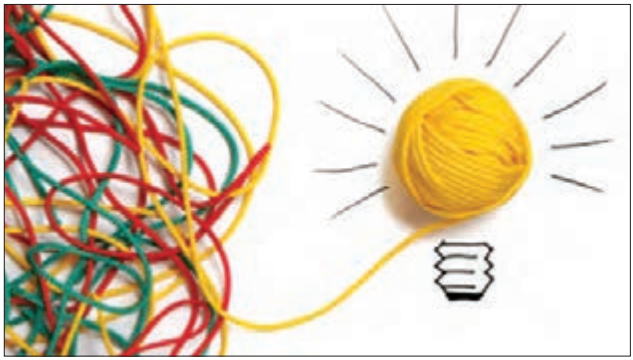

تحلیل فرهنگی

مفهوم«تحلیل فرهنگی» چیست و برای تجزیه و تحلیل دقیق و علمی،به چه مهارت‌هایی نیاز است؟

«تحلیل فرهنگی»، حوزه‌ای میان رشته‌ای است که درصدد بررسی، تفسیر و تبیین پدیده‌های فرهنگی و کنش‌های اجتماعی است. تحلیل فرهنگی، به معنای بررسی پدیده‌ها از منظر فرهنگی و با شاخص‌های فرهنگی، به همراه تفسیر و تحلیل نمادها و نشانه‌های موجود در یک فرهنگ است. تحلیل فرهنگی، نوعی توانایی و شایستگی معرفتی و ذهنی است که تحلیل‌گران در رویارویی با مشکلات و چالش‌های زندگی مادی و معنوی خویش، از منظر فرهنگی، آنها را تجزیه و تحلیل می کنند.

در تحلیل فرهنگی، هدف، ایجاد فهم فرهنگی از پدیده‌هاست و تمام پدیده‌ها از منظرفرهنگی و با رویکرد فرهنگی نقد و بررسی و واکاوی می‌شوند.

هدف از تحلیل فرهنگی در این کتاب، توانمند ساختن دانش‌آموزان است تا با کسب آگاهی و شناخت از مفاهیم فرهنگی، پدیده‌های مختلف زندگی روزمره را از منظر فرهنگی بنگرند و تجزیه و تحلیل کنند و با تشخیص مسائل فرهنگی، برای حل آنها، چاره‌اندیشی کرده و مسئولیت خویش را در قبال بهبود یا اصلاح آنها ایفاء نمایند.

تفاوت «تحلیل فرهنگی» با«مطالعه فرهنگ» و«مطالعات فرهنگی»

«مطالعه فرهنگ[1]»، «مطالعه فرهنگی[2]» و «تحلیل فرهنگی[3]» چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

«**مطالعه فرهنگ**» صرفاً به بررسی و توصیف ویژگی‌های فرهنگ یک جامعه می‌پردازد. مثل فرهنگ اروپایی، فرهنگ ایرانی، فرهنگ یونانی. در مطالعات فرهنگ، بیش از نقد فرهنگ یک جامعه، ویژگی‌های فرهنگ آن جامعه (مانند آداب و رسوم، ارزش‌ها، مصنوعات، هنر و معماری) توصیف و تبیین می‌شود. امروزه رشته انسان‌شناسی فرهنگی، به مطالعه فرهنگ جوامع معاصر می‌پردازد.

۱ـ Study of culture

۲ـ Cultural studies

۳ـ Cultural analysis

امّا، «**مطالعات فرهنگی**»، به بررسی و تحلیل انتقادی ابعاد و فرایندهای فرهنگی جوامع در دوران معاصر می‌پردازد. این مطالعات در دهه ۱۹۵۰ در بریتانیا ظهور کرد و از اهداف آن، نقد «فرهنگ توده‌ای» بوده است. فرهنگ توده‌ای، همان فرهنگ عامه مردم است که با تولید انبوه به دست جمعیت انبوه رسیده است. مصرف فرهنگی این جمعیت، کالاهای سطحی و نازل است که صنعت فرهنگ، آنها را برای کسب سود بیشتر تولید می‌کند. به اعتقاد برخی از جامعه‌شناسان هنر، فرهنگ و هنر توده‌ای، فرهنگ بومی و محلی و هنر فاخر را به خطر می‌اندازد. مطالعات فرهنگی، به نقد فرهنگ سرکوبگر و سرمایه‌داری معاصر می‌پردازد و معتقد است این فرهنگ، فرهنگی مادی و کالایی شده است. «**تحلیل فرهنگی**»، به عنوان یک سنت علمی، درصدد بررسی و تجزیه و تحلیل پدیده‌های فرهنگی است و با مطالعات فرهنگی و مطالعه فرهنگ متفاوت است، هرچند با آنها ارتباط دارد. هدف از تحلیل فرهنگی، ایجاد فهم فرهنگی از پدیده‌هاست. در تحلیل فرهنگی، فرد تحلیل‌گر، با استفاده از یافته‌های مطالعات فرهنگی و با شناخت فرهنگی جامعه به علل وجودی و تجزیه و تحلیل پدیده‌ها می‌پردازد.

«مسئله» فرهنگی زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کنید:

آیا تاکنون به «موزه» رفته‌اید؟ با کدام‌یک از موزه‌های داخلی یا خارجی آشنایی دارید؟ چرا میزان توجه و بازدید از «موزه»ها در بین مردم ایران کم است؟ برای افزایش علاقه به این پدیده فرهنگی چه باید کرد؟ نقش خانواده‌ها، مدارس و رسانه‌ها، در تقویت آشنایی و علاقه‌مندی مردم و جوانان چیست؟

موزه پست و تلگراف ایران

چرا گردشگران خارجی، تمایل بیشتری به بازدید از موزه‌ها و آثار باستانی ایران دارند؟ چگونه می‌توان از این ظرفیت، برای رشد اقتصادی کشور استفاده کرد؟

تحقیق کنید

به چند گروه دانش‌آموزی تقسیم شوید. هر گروه با راهنمایی دبیر محترم، درباره بخش‌هایی از فرهنگ یک کشور تحقیق کرده و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.

فصل دوم

تحولات فرهنگی

نخستین گاراژهای مسافربری ایران

اعزام اولین محصلان ایرانی به فرنگ

اهداف فصل دوم

در پایان فصل، انتظار می‌رود دانش‌آموز:

۱ـ علل و چراییِ دگرگونی‌های فرهنگی را درک کند.

۲ـ با تجزیه و تحلیل تغییر نمادها و الگوها، به ریشه‌های تحولات فرهنگی پی برده و آنها را تبیین نماید.

۳ـ توانایی شناخت «تأخّر فرهنگی» جامعه را کسب نماید.

۴ـ توانایی ارتباط فعال و آگاهانه با سایر فرهنگ‌ها را به‌دست آورد.

۵ـ با امپریالیسم فرهنگی آشنا شده و نقش رسانه‌ها در گسترش سلطه فرهنگی را درک کند.

۶ـ توانایی تشخیص و رویارویی فعال و هوشمندانه با تغییرات و تحولات فرهنگی را کسب نماید.

درس اوّل

تغییرات و تحولات فرهنگی

فرهنگ، ثابت است یا متغیر؟

تغییر در فرهنگ چگونه اتفاق می‌افتد؟ آیا همهٔ مؤلفه‌های فرهنگ تغییر می‌کنند؟

نیازهای انسان، به دو گروه به شرح زیر قابل تقسیم است:

الف) نیازهای ثابت: این نیازها به ذات انسان، فارغ از زمان، مکان و جنسیت او باز می‌گردد و بین همهٔ انسان‌ها مشترک است و ریشه در فطرت انسانی دارد؛ مانند: عدالت‌خواهی، پرسشگری، تعالی‌جویی، علم‌گرایی و زیبایی‌دوستی. انسان‌ها در طول تاریخ و در هر منطقهٔ جغرافیایی و با هر جنسیت و نژاد، این ویژگی‌های مشترک را دارا بوده‌اند و هویت انسانی به این ویژگی‌ها وابسته است.

ب) نیازهای متغیّر: این نیازها در انسان‌های مختلف، متناسب با جنسیت، قومیت، شرایط سنی، زمان و مکان، متفاوت است؛ هرچند نیازهای متغیر هم از اصول ثابت، تبعیت می‌کنند، لیکن متناسب با شرایط، و در هر فرد یا گروه، تجلی خاص خود را دارد؛ مانند مدل لباس و پوشش، نوع غذا و ابزارهای غذا خوردن و روش ساخت و ساز منزل مسکونی.

همچنان که نیازهای انسان، ثابت و متغیرند و عناصر ثابت و متغیر دارند، هویت فرهنگی فرد و جامعه نیز از عناصر ثابت و متغیر تشکیل شده است. این امر، از جمله پیچیدگی‌های فرهنگ است که دو صفت یا دو ویژگی به ظاهر متناقض («ثبات» و «تغییر») را در خود جای داده است.

از یک سو، فرهنگ، «ثابت» به نظر می‌رسد، زیرا مواریث فرهنگی در یک دوره طولانی و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و فرهنگ «گذشته» در زمان «حال» برای نسل «آینده» تداوم می‌یابد و اگر تغییری هم در آن صورت پذیرد، آرام و کند است و به سادگی قابل مشاهده و درک نیست. باورها و ارزش‌های اجتماعی در این گروه قرار دارند.

در فرهنگ ما ایرانیان، زبان و ادبیات فارسی طی صدها سال تداوم یافته و فقط با تغییرات جزئی مواجه بوده است.

اما از سوی دیگر، فرهنگ، «متغیر» است و در پاسخ به نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی انسان و متناسب با دگرگونی شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی به وجود می‌آید؛ مثلاً نحوهٔ طراحی و دوخت لباس و سبک معماری در دورهٔ قاجار، با دوره صفویه و با زمان حاضر، غالباً با هم متفاوت‌اند. این نوع تغییرات در لایه‌های بیرونی و سطحی فرهنگ اتفاق افتاده و برای همگان، قابل مشاهده است.

هر جهان فرهنگی نیز، متناسب با اوضاع اقلیمی و اجتماعی خود، در برابر تحولات محیط، واکنش نشان می‌دهد و در چارچوب مبانی و ارزش‌های خویش، به گونه‌ای عمل می‌کند که امکان بقا و ادامه حیات هویت فرهنگی خود را فراهم سازد.

مسجد جامع یزد

رودکی

موضوع زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و درباره آن در کلاس گفتگو کنید:

آیا از «روش زندگی» گذشتگان و یا نیاکان خوداطلاعی دارید؟ پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های شما چگونه زندگی می‌کردند؟ مراسم ازدواج و عزاداری آنها چگونه برگزار می‌شد؟ آیا این مراسم، امروز هم، همان‌گونه برگزار می‌شود؟ چه عناصر فرهنگی در آنها، «ثابت» مانده است و کدام یک «تغییر» کرده است؟

چیستی دگرگونی‌های فرهنگی

«چه غذایی را بیشتر دوست دارید؟»

هر یک از شما دانش‌آموزان، این سؤال را، از سه گروه سنی زیر بپرسید و پاسخ‌ها را یادداشت کنید:

الف) پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها؛

ب) پدر و مادرخودتان؛

پ) برادران و خواهران کوچک‌تر، یا کودکان ۷ـ۶ ساله.

آیا پاسخ‌ها یکسان است؟ آیا هر سه گروه، که نمایندهٔ سه نسل هستند، یک نوع غذا را دوست دارند؟

همان‌طور که می‌دانید و پاسخ‌ها نشان می‌دهد، تا حدودی «ذائقهٔ غذایی» این سه نسل تغییر کرده و با هم متفاوت است. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، بیشتر غذاهای سنتی را دوست دارند و از خوردن آنها لذت می‌برند، درحالی‌که برخی از فرزندان کوچک خانواده، به غذاهای آماده و فست‌فود، علاقهٔ بیشتری نشان می‌دهند. علت چیست؟ چرا این تغییر «ذائقهٔ غذایی» به وجود آمده است؟

آیا با تغییر نسل‌ها، «ذائقهٔ فرهنگی» جامعه هم تغییر می‌کند؟ آیا «علاقه‌مندی‌ها و دوست‌داشتنی‌های مردم» در طول زمان دگرگون می‌شود؟ بایدها و نبایدهای زندگی آنها چطور؟

ما در عصر تحولات گسترده و شگرف زندگی می‌کنیم. این تغییرات، تمام تاروپود جهان مادی ما را در برگرفته است. نمود تغییرات و تحولات، در ساخته‌های بشری و فناوری‌ها به خوبی مشهود است و با سرعت و گستردگی فراوان در حال انجام است. هر روز شاهد تغییر و تحول در مدل رایانه‌ها، تلفن‌های همراه، ماشین‌های سواری، نحوهٔ ساخت‌وساز و معماری خانه‌ها و شهرها، روش درمان بیماری‌ها و... هستیم. ما این تغییرات محسوس و مشهود را به خوبی درک می‌کنیم و همپای این تغییرات، دگرگونی‌هایی را در زندگی فردی و جمعی خویش ایجاد می‌کنیم.

جهان‌های فرهنگی نیز از قاعدهٔ تغییر و تحول پیروی می‌کنند و در عین وفاداری به ارزش‌های بنیادی و جنبه‌های ثابت خود، در حال حرکت و دگرگونی‌اند. تمام جوامع، چه به صورت آرام و نامحسوس و چه به‌صورت ناگهانی و محسوس، تغییرات را تجربه می‌کنند. در واقع، حیات فردی و اجتماعی آدمی، دستخوش مجموعه‌ای از دگرگونی‌هاست که پیامدهای مثبت و منفی فراوانی به همراه دارد. این دگرگونی‌های فرهنگی، اجتناب‌ناپذیرند و به‌ویژه در عصر حاضر به‌صورت گسترده و با سرعت زیاد، جریان دارند. درک تغییرات و تحولات فرهنگی و تشخیص دگرگونی‌های مثبت و مفید، از تحولات منفی و آسیب‌زا، نیازمند تیزبینی و دقت نظر فراوان است. انسان‌هایی که توانایی درک به موقع تحولات را دارند، می‌توانند آنها را مدیریت کنند و برای تحقق اهداف خویش از آنها بهره بگیرند. در مقابل، افرادی که توانایی دیدن و همپایی هوشمندانه و به‌موقع این تغییرات را ندارند، معمولاً در زندگی روزمره با مشکل روبه‌رو شده و دچار «تحجّر» و «عقب‌ماندگی» می‌شوند.

تفاوت «تغییر فرهنگی» با «تحول فرهنگی» چیست؟

قبلاً آموختید که جهان فرهنگی را می‌توان به فرهنگ محسوس و فرهنگ غیرمحسوس و ناملموس تقسیم کرد. همچنین آموختید که عناصر و لایه‌های فرهنگ، به چهار سطح: عقاید و باورها، ارزش‌ها، هنجارها و الگوها و نمادها تقسیم می‌شوند. دو سطح عقاید و ارزش‌ها، لایه‌های زیرین و بنیادین فرهنگ را شکل می‌دهند و هنجارها و نمادها، لایه‌های سطحی و بالای فرهنگ‌اند.

دگرگونی در لایه‌های سطحی با عنوان «تغییر فرهنگی» و دگرگونی در لایه‌های بنیادین با عنوان «تحول فرهنگی» نامیده می‌شود.

«تغییرات فرهنگی» شامل پدیده‌های مادی و ملموس و عناصر فرعی فرهنگ است که در کوتاه‌مدت اتفاق افتاده و هر فرد می‌تواند شاهد آنها باشد.

«تحولات فرهنگی»، دگرگونی در ریشه‌ها و ارزش‌های بنیادی است که در یک دوره زمانی طولانی، و شاید در فاصله چند نسل، در یک جامعه اتفاق می‌افتد، و آثار و پیامدهای پایدار و ماندگار برجای می‌گذارد. با نگاه نظام‌مند، تغییر هر جزء از فرهنگ، در کوتاه‌مدت یا درازمدت ، می‌تواند تمام عناصر سیستم را تغییر دهد.

«تحولات فرهنگی»، علاوه بر دگرگونی در باورهای اساسی، نمادها و هنجارها را نیز تغییر داده، و می‌تواند هویت جهان اجتماعی و جهان فرهنگی را دگرگون سازد. ممکن است هر «تغییر فرهنگی»، باورها و ریشه‌های هویتی جامعه را تغییر ندهد، اما هر «تحول فرهنگی»، الگوها، هنجارها و نمادها را دگرگون می‌کند.

«مسئله» زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و درباره آن در کلاس گفتگو کنید:

ورود «تلفن همراه» به زندگی، کدام بخش از زندگی ما را تغییر داده است؟ آیا در سطح فرهنگ محسوس و ملموس تأثیرگذاشته است یا فرهنگ غیرمحسوس و ناملموس را هم متأثرکرده است؟ آیا زمینه‌ساز «تغییرفرهنگی» است یا باعث «تحول فرهنگی» هم می‌شود؟

چگونگی دگرگونی‌های فرهنگی و عوامل مؤثر بر آن

فرهنگ‌ها چگونه تغییر می‌کنند؟ عوامل مؤثر بر دگرگونی‌های فرهنگی کدام‌اند؟

اولین اتوبوس با لاستیک توپر در خطوط بین شهری ایران

چگونگی دگرگونی و عوامل مؤثر بر تغییرات و تحولات فرهنگی عبارت‌اند از:

۱ـ نوجویی و نوآوری: یکی از ویژگی‌های خدادادی انسان، حس کنجکاوی و تعالی‌جویی است. این ویژگی، موجب نوجویی، ابداع و نوآوری در تمام عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی می‌شود و عرصه‌های فرهنگی و جهان فرهنگی نیز براساس این ویژگی، دگرگون می‌شوند. این عامل، زمانی موضوع مطالعه فرهنگی قرار می‌گیرد که عمومیت یابد و تقریباً همهٔ افراد جامعه از این نوآوری متأثر شوند؛ مانند ورود تلفن همراه به زندگی فردی و اجتماعی ما و تأثیر آن بر فرهنگ جامعه.

۲ـ پذیرش اجتماعی و فرهنگی: آن‌گاه که عنصر فرهنگی جدید، به واسطه نوجویی یا در اثر مبادلات فرهنگی با سایر فرهنگ‌ها، وارد فرهنگ می‌شود و مورد پذیرش عمومی قرار می‌گیرد، زمینهٔ دگرگونی فرهنگی را فراهم می‌آورد. به عنوان مثال: استفاده از روش برگزاری انتخابات برای جابه‌جایی قدرت در کشورها. اما اگر نوآوری که به‌وسیلهٔ یک فرد و یا گروهی از افراد جامعه عرضه می‌شود، مورد توجه و تبعیت همگان قرار نگیرد و به دست فراموشی سپرده شود، این نوآوری، باعث تحول فرهنگی نمی‌شود.

۳ـ طرد اجتماعی و فرهنگی: با ورود عنصر فرهنگی جدید، برخی از عناصر ناکارآمد فرهنگ موجود، به ویژه در دو لایه نمادها و هنجارها، یا تغییر کرده و یا طرد شده و کنار گذاشته می‌شوند. هر یک از تغییرات مذکور، می‌توانند در کوتاه‌مدت یا درازمدت، زمینهٔ دگرگونی عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی را فراهم آورند. همچنین اگر عناصری از فرهنگ با ارزش‌ها و نیازهای جدید سازگار نبوده و پاسخگوی آنها نباشند، طرد می‌شوند.

۴ـ تلفیق و انطباق : عنصر فرهنگی تازه وارد برای پذیرفته شدن در یک جامعه، مراحلی را می‌گذراند و برحسب نقش و اهمیتی که دارد، تأثیرات و تغییراتی را در عناصر هم‌جوار ایجاد می‌کند. ممکن است مدت زمانی طولانی (مثلاً یک نسل یا بیشتر) لازم باشد تا بین عنصر تازه‌وارد و عناصر قدیم، سازگاری و انطباق مطلوب ایجاد شود.

سبک معماری ساختمان‌های قدیم و جدید در تهران

مثال: اگر ورود اتومبیل به ایران را به عنوان محصول صنعتی تازه در نظر بگیریم که شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص خود را می‌طلبیده است، این نوآوری پس از مخالفت‌ها و طرفداری‌های چندین‌ساله، به تدریج وسایل نقلیه‌ای چون اسب، قاطر، درشکه، دلیجان و مشاغلی مانند درشکه‌چی، نعلبند، علاف و ... را از صحنه نیازمندی‌های عمومی خارج کرد و به جای آن تأسیساتی چون گاراژ، پمپ بنزین، تعمیرگاه، ادارهٔ راهنمایی و رانندگی و مشاغلی مانند مکانیکی، پنچرگیری ، صاف کاری و رانندگی را به‌وجود آورد. همچنین کلمات و اصطلاحاتی مانند ترافیک، ترمز، شوفر، راننده و... را رایج ساخت.

ورود اتومبیل به ایران در دوره قاجار

گفتگو کنید

چه نمادها و هنجارهایی را در زندگی ما ایرانیان می‌شناسید که در چند دهه گذشته از جامعه طرد شده و کنار گذاشته شده‌است؟ و چه نمادها و هنجارهایی را می‌شناسید که مجدداً از گذشته‌های دور، به زندگی امروز ما راه پیدا کرده‌اند؟

بررسی و گفتگو کنید

همان‌گونه که می‌دانید پیامبران الهی برای تغییر «فرهنگ غیرالهی» و شرک‌آلود مبعوث شده‌اند تا آن را به «فرهنگ توحیدی» و خدامحور تبدیل کنند. پیامبر اکرم ﷺ نیز این رسالت را به عهده داشت تا «فرهنگ جاهلیت» را به «فرهنگ توحیدی» تغییر دهد. به نظر شما «فرهنگ جاهلیت» قبل از بعثت پیامبر عزیز اسلام چه ویژگی‌هایی داشت؟ و کدام‌یک از این ویژگی‌ها با وجود تلاش پیامبر اعظم ﷺ تا پس از رحلت ایشان ادامه یافت؟ چرا؟

تأخر فرهنگی چیست؟

تأخر فرهنگی[1] به صورت‌های مختلف مانند عقب‌ماندگی فرهنگی و واپس ماندگی فرهنگی نیز معنا شده است. تأخر فرهنگی نوعی عدم تعادل فرهنگی به حساب می‌آید و به معنای فاصله عناصر و اجزای یک فرهنگ با یکدیگر، از نظر آهنگ حرکت آنهاست، بعضی از عناصر فرهنگ، نظیر فنون و ابزارهای مادی، زودتر از اندیشه‌ها و عقاید یا سازمان‌های اجتماعی پذیرفته می‌شوند. به این ترتیب، در درون یک فرهنگ، اجزا از یکدیگر جدا و گاه بیگانه می‌شوند. در اثر این تغییر، نابسامانی و ناهماهنگی در مجموعه ترکیب و نظم فرهنگی به‌وجود می‌آید. عدم هماهنگی در تغییر عنصرهای یک ترکیب فرهنگی را، تأخر یا پس‌افتادگی فرهنگی می‌گویند.

چنان‌که قبلاً آموختید فرهنگ غیرمحسوس، ریشه‌دارتر و عمیق‌تر است و نمی‌تواند با سرعتِ فرهنگ محسوس، تغییر کند. ما می‌توانیم لباس و پوشاک، خودرو، لوازم خانگی، محل سکونت و... خود را به سرعت عوض کنیم و آخرین تکنولوژی را از کشورهای دیگر وارد کنیم، اما هرگز نمی‌توانیم با این سرعت، عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی (فرهنگ غیرمحسوس) خود را تغییر دهیم؛ زیرا این تحولات، سال‌ها طول می‌کشد و بسیار کند است؛ و براساس اصل «مقاومت فرهنگی»، پذیرفتن تغییر یا مقاومت در برابر آن، در تمام اجزا و عناصر فرهنگی به یک شکل و اندازه نیست. در نتیجه، در همهٔ جوامع، نوعی ناهماهنگی میان اجزای تشکیل‌دهندهٔ فرهنگ وجود دارد و بین این دو بخش، فاصله‌ای وجود دارد که اصطلاحاً به آن «تأخر فرهنگی» می‌گویند.

۱ـ Cultural Lag

بیشتر بدانیم

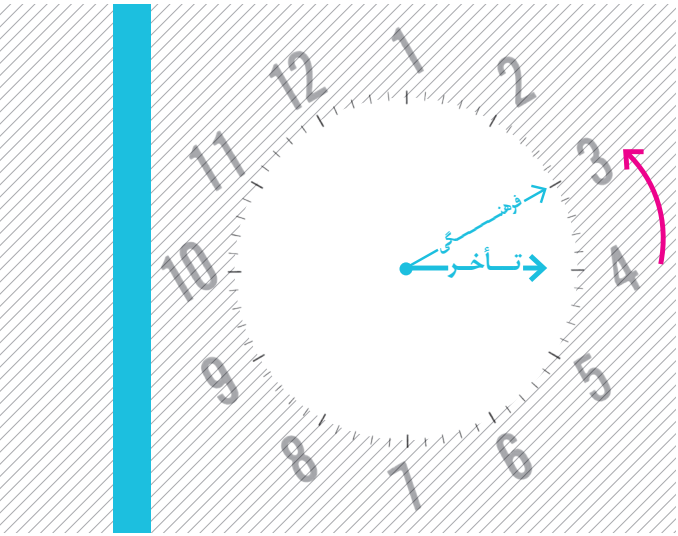

تأخر فرهنگی را برای اوّلین بار، دانشمندی به نام «ویلیام آگبرن» مطرح کرد و آن را نوعی از پس‌افتادگی یا عقب‌ماندگی اجزا و عناصر فرهنگ غیرمحسوس از فرهنگ محسوس دانست که در همه جوامع وجود دارد. سازش و تطابق اجتماعی و فرهنگی به دو شکل قابل تصور است: یکی سازش و تطابق انسان با فرهنگ، و دیگری هماهنگی و سازش میان قسمت‌های مختلف یک فرهنگ.

تأخّر فرهنگی در کشورهای کمتر پیشرفته، بیشتر و در کشورهای پیشرفته و صنعتی، کمتر است. یکی از دلایل بروز این وضعیت، به سرعت و تقدم و تأخّر زمانی صنعتی شدن کشورها باز می‌گردد، یعنی چون کشورهای پیشرفته، سال‌هاست صنعتی شده‌اند (انقلاب صنعتی در قرن هجدهم در اروپای غربی صورت گرفته است) و مردم از ابتدا و گام به گام، با انواع ابداعات و اختراعات و فناوری آشنا شده و با آنها رشد کرده‌اند، در نتیجه فرصت بیشتری یافته‌اند تا افکار، شیوهٔ زندگی و الگوهای رفتاری خود را متناسب با تغییرات تکنولوژیکی همراه کنند. در حالی که در کشورهای دیگر، وضعیت بدین‌گونه نبوده و هر محصول یا کالایی، پس از آنکه تقریباً تکمیل شده، به یکباره وارد کشور شده و در اختیار مردم قرار گرفته است، بدون اینکه مردم با روند تکاملی آنها رشد کرده باشند؛ از دوچرخه تا چرخ خیاطی، از ماشین‌سواری تا ماشین لباسشویی و ظرفشویی و... . به عبارتی هنوز با وسیله‌ای درست آشنا نشده‌اند که وسیلهٔ جدیدتری به بازار آمده است؛ در نتیجه، فرصت نداشته‌اند که افکار و الگوهای رفتاری خود را با این تغییرات هماهنگ کنند؛ مثلاً ممکن است فردی با آنکه دارای آخرین مدل ماشین است، روی خط عابر پیاده بایستد، به علائم راهنمایی توجه نکند و به حقوق دیگران اهمیت ندهد، یعنی کالای جدید را به دست آورده اما فرهنگ راهنمایی و رانندگی را کسب نکرده‌است.

این پدیده در مورد رفتار مردم در درون یک کشور و در شهرهای مختلف وجود دارد؛ بدین معنی که مردم یک شهر چون زودتر با فناوری وارداتی آشنا شده‌اند، «تأخر فرهنگیِ» شان، در مقایسه با سایر شهرها کمتر است. «تأخر فرهنگی» در همهٔ کشورهای جهان وجود دارد و منحصر به فرهنگ و جامعه‌ای خاص نیست و فقط میزان و نسبتِ میان آنها متفاوت است.

تحقیق کنید

با گسترش ساخت آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی، مناسبات انسانی در این مجموعه‌ها، تغییر کرده است. از منظر تأخر فرهنگی، پدیده آپارتمان‌نشینی و فرهنگ آن را، تجزیه و تحلیل کرده و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.

▲ المان‌های نوروزی در شهر مشهد – بهار ۱۳۹۵

درس دوم

ارتباطات فرهنگی

چرا ارتباطات فرهنگی میان جوامع مهم است؟

تعدادی ازدوستانتان را درنظر بگیرید؛ این افراد از چه گروه‌های سنی هستند و چه ویژگی‌های فرهنگی دارند؟

باورها، اخلاق و رفتار دوستانه هریک از شما، چه تأثیر فرهنگی بر دیگران می‌گذارد؟

اگر روزی، به هر دلیل، با دوستان صمیمی‌و اقوام نزدیک خود، قطع رابطه کنید، چه تأثیرات فرهنگی خواهد داشت؟

ارتباط، یک کنش اجتماعی است که ما را به گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی پیوند می‌دهد. ارتباطات از خانواده آغاز می‌شود و به گروه دوستان می‌رسد و روزبه‌روز گسترش می‌یابد و امروزه با استفاده از رسانه‌های جمعی، به کل جامعه و سراسر جهان تسری می‌یابد. نحوه تکوین هویت ما، به میزان و چگونگی برقراری ارتباطات ما و ساختن شبکه‌های ارتباطی وابسته است. هرچه ارتباط ما با دیگران، آگاهانه‌تر، دقیق‌تر، صمیمی‌تر و صادقانه‌تر باشد، موفقیت ما فزون‌تر و پایدارتر خواهد بود.

یادگیری و شکل‌گیری آگاهی و شخصیت انسان، دراجتماع و از طریق ارتباط با «دیگران» انجام می‌شود. «دیگران»، شامل پدر و مادر، اعضای خانواده، دوستان، اهالی محله و سایر جوامع است. هرچه دامنه «دیگران» گسترده‌تر و متنوع‌تر و درچارچوب مبانی و اصول باشد، رشد شخصیت و تعالی فرهنگ، فزون‌تر خواهد بود. انسان سالم، انسانی است که توانایی برقراری ارتباط سالم با «دیگران» را دارد. انسان‌های منزوی و فاقد روابط اجتماعی، از آرامش و آسایش لازم در زندگی فردی و اجتماعی برخوردار نیستند و در معرض انواع بیماری‌ها و آسیب‌های روانی و اجتماعی قرار دارند.

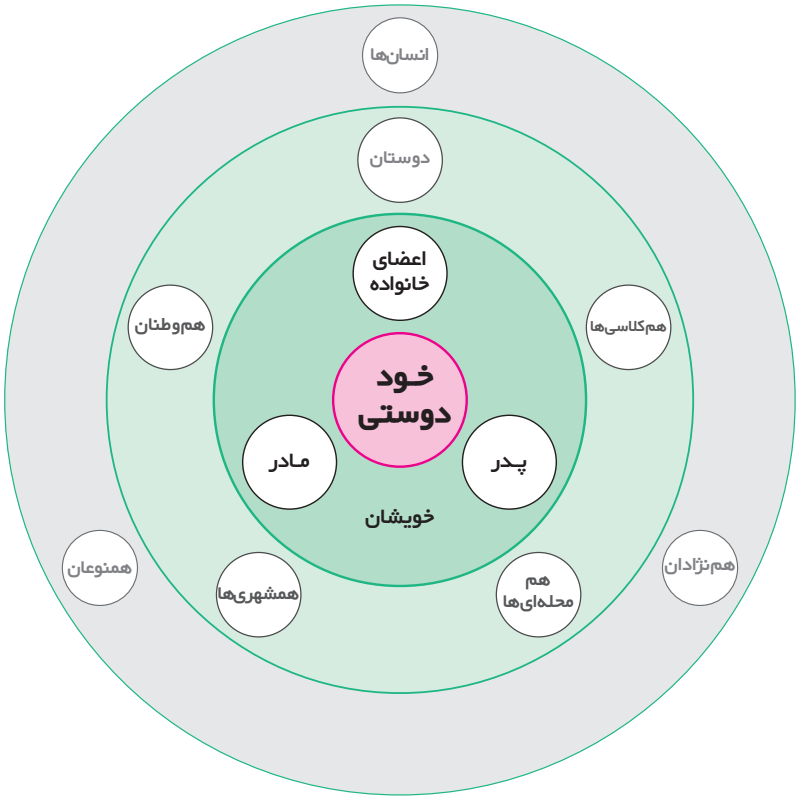

▲ مراتب نوع دوستی و ارتباطات انسانی در بستر فرهنگ جامعه

جهان‌های اجتماعی هم از این قاعده تبعیت می کنند. جوامع موفق، جوامعی هستند که با رعایت مبانی و اصول فرهنگی خویش، توانایی برقراری ارتباط با دیگران را دارند. ارتباط اجتماعی، عامل و زمینه‌ساز شکل گیری فرهنگ است. تعالی و تکامل فرهنگ، به ارتباطات اجتماعی و فرهنگی وابسته است.

مهارت‌های ارتباطی کدام‌اند؟ برای برقراری یک ارتباط مؤثر و موفق، چه مهارتی را باید کسب کرد؟ و چه اصول و ضوابطی را باید رعایت کرد؟ آسیب‌های ارتباطات بی قید و شرط کدام‌اند؟

ارتباطات فرهنگی چگونه انجام می‌شود؟

ارتباطات فرهنگی بین افراد و جهان‌های فرهنگی از دیرباز به صورت‌ها و روش‌های مختلف انجام می‌شده است. در گذشته، چادرنشینان کوچ‌رو، فروشندگان دوره‌گرد، مبلغان مذهبی، جنگجویان فاتح، بازرگانان و تاجران، گردشگران و... همه و همه، فرهنگ و آداب و رسوم خویش را به دیگران عرضه می کردند و متقابلاً فرهنگ «دیگران» را به جامعه خویش انتقال می‌دادند. اما امروزه، با پیشرفت و گسترش رسانه‌ها و فناوری‌ها و سهولت ارتباطات و انتقال پیام و نیز آسان شدن رفت و آمدها بین افراد و ملت‌ها، فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر نزدیک‌تر شده و داد و ستدها و «روابط فرهنگی»، گسترش و عمق بیشتری پیدا کرده است.

همیاری زنان همسایه برای پختن آش نذری

در سازمان‌ها، نهادها و مؤسسات (اعم از مؤسسات آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و...) افراد با فرهنگ‌های مختلف در کنار هم کار و زندگی می کنند و به مبادله فرهنگ می‌پردازند.

برخلاف گذشته، انسان‌های امروزی، کمتر به زمین و محل سکونت خود وابسته‌اند و به راحتی تغییر مکان می‌دهند. جابه‌جایی جمعیت و مهاجرت در سطوح مختلف، زمینه‌ساز انتقال فرهنگ و مبادلات فرهنگی است. مهاجرت از روستاها به شهرها، از شهرهای کوچک به کلان شهرها، از یک کشور به سایر کشورها و گسترش گردشگری از پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی است که در عصر جدید و زندگی مدرن، افزایش یافته است و پیامدهای فرهنگی خاص خود را به‌همراه آورده است.

بررسی کنید

پدیده «کار فصلی» و مهاجرت از روستا به شهر را از منظر فرهنگی بررسی کرده و آثار مثبت و منفی آن را تجزیه و تحلیل کنید.

نصب چهار طاقی از تندیس چهار دانشمند ایرانی در مقر سازمان ملل

نامه زیگموند سوم شاه لهستان به شاه‌عباس اول

انواع ارتباطات فرهنگی

در دنیای امروز شکل ارتباطات فرهنگی میان جوامع چگونه است؟ آیا تمام روابط به‌صورت برابر و آزادانه برقرار می‌شود و یا در برخی موارد، به شکلی نابرابر و با هدف سلطه‌گری و حذف فرهنگ‌های بومی و ملی کشورها انجام می‌شود؟

از دیرزمان، اقوام و ملت‌ها به روش‌های گوناگون، گاه مثبت و سازنده و گاه منفی و مخرب، باهم داد و ستد داشته‌اند. انواع تعاملات و ارتباطات فرهنگی را می‌توان در سه گروه به شرح زیرطبقه‌بندی کرد:

الف) اشاعه فرهنگی

اشاعه فرهنگی به‌معنای سرایت عناصر فرهنگ یک جامعه به جامعه دیگر به‌صورت طبیعی و در گذر زمان است. فرهنگ و عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی، قابلیت انتخاب و الگوپذیری دارند. آداب و رسوم، سنت‌ها، روش‌ها، قصه‌های عامیانه، ابزار، محصولات و کالاها ممکن است توسط افراد یک جامعه، به‌صورت طبیعی به سایر جوامع سرایت کرده و در آن شیوع پیدا کند.

اشاعه فرهنگی، همواره تحت‌تأثیر دو عامل «تمایل» و «ارتباط» بوده است: برقراری ارتباط با «دیگران» و علاقه به پذیرش عناصر فرهنگی آنان باعث اشاعه فرهنگی و «وام گرفتن» عناصر فرهنگی از سایر فرهنگ‌ها می‌شود. زمانی که دو خرده فرهنگ، و یا دو قوم و یا دو گروه با باورها و اعتقادات مختلف، در کنار هم زیست می‌کنند، عناصری از فرهنگ «دیگری» را، که با بنیان‌های فرهنگی و علائق خود سازگار

می‌بینند، به صورت طبیعی، در فرهنگ «خودی» پذیرفته و اشاعه می‌دهند؛ برای مثال: وجود واژگانی چون شیمی، الکل، جبر و الگوریتم (که اَشکال فرنگی شده اصطلاحات سیمیا، الکحول، الجبرا و الخوریزم یا الگوریتم هستند) در مجموعه اصطلاحات علوم‌طبیعی، از نشانه‌های اشاعه فرهنگ مسلمانان در اروپاست که به‌صورت طبیعی به آنجا منتقل شده است.

در اشاعه، قوت و جذابیت یک فرهنگ یا مؤلفه فرهنگی، سبب می‌شود که دیگران با آزادی و انتخاب خود، به سوی آن فرهنگ یا مؤلفه برتر گرایش پیدا کنند و آن را بپذیرند. در نتیجه در اشاعه فرهنگی، پذیرش، یک سویه بوده و به‌صورت آزادانه اتفاق می‌افتد.

بررسی و گفتگو کنید

گسترش «**حجاب و پوشش اسلامی**» در کشورهای اروپایی چرا اتفاق می‌افتد؟ علت استقبال زنان و دانشجویان غربی از این نوع پوشش چیست؟ چرا برخی از حکومت‌ها و دولت‌های اروپایی از ورود دانشجویان محجبه به دانشگاه‌ها جلوگیری می‌کنند؟

شهردار محجبه در اروپا

ب) تبادل فرهنگی

زمانی که دو گروه یا دو قوم باهم ارتباط برقرار می‌کنند، به صورت آزادانه و در یک فرایند عادی، از اندیشه، فکر و رفتار یکدیگر اثر می‌پذیرند و جهان فرهنگی آنها نیز بر یکدیگر اثر می‌گذارد. بدین ترتیب در این ارتباط آزاد و دوسویه، عناصری از یک فرهنگ، بدون هیچ اجبار و الزامی به فرهنگ دیگر منتقل می‌شود. اگر این تأثیرات در یک فرایند دوسویه انجام شود و فرهنگ‌ها، با شناسایی عناصر مثبت و منفی فرهنگ مقابل، عناصر مطلوب خود را اخذ و وارد فرهنگ خویش کنند، تبادل فرهنگی اتفاق می‌افتد. در تبادل فرهنگی، نابرابری اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، بین دو گروه و بین دو فرهنگ تأثیری در پذیرش ندارد و معمولاً باورهای اساسی، اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی حفظ می‌شوند و فرهنگ محسوس و نمادها و هنجارها، در چارچوب همین عقاید و باورها، مبادله شده و باعث رشد فرهنگی می‌شوند.

تبادل فرهنگی، امری مثبت است و باعث پالایش و زایش فرهنگی و ادامه حیات فرهنگ می‌شود و از رکود و واپس‌ماندگی فرهنگی جلوگیری می‌کند. جهان‌های فرهنگی که توانایی برقراری ارتباط با «دیگران» را ندارند، رویش فرهنگی نخواهند داشت و زوال و نابودی فرهنگی، آنان را تهدید خواهد کرد. به ویژه در عصر حاضر که «عصر ارتباطات و اطلاعات» است، تعاملات و تبادلات فرهنگی، بیش ازپیش، ضروری است و تمام جوامع باید بتوانند از یافته‌های بشری که متعلق به «همگان» است، بهره‌مند شوند.

بررسی و گفتگو کنید

محل زندگی شما ، مهاجرپذیر است یا مهاجرفرست؟ در محل سکونت شما چه اقوامی زندگی می‌کنند و چه خرده فرهنگ‌هایی دارند؟ مهاجران و اقوام مختلف چه عناصری را اشاعه می‌دهند؟ تبادل فرهنگی بین آنها چگونه اتفاق می‌افتد؟

اسلام، شرح صدر و ظرفیت وسیعی برای قبول و اقتباس فرهنگ‌های بشری و هضم آنها در خود دارد و کوشش‌های فرهنگی را رسالتی انسانی و یکی از واجبات زندگی شناخته است.

در دوره تمدن اسلامی، که علم و دانش و فرهنگ در کشورهای اسلامی در اوج شکوفایی خود بود، دانشجویان اروپایی به این کشورها سفر می‌کردند تا از حکمت، فلسفه و دانش کشورهای مسلمان بهره ببرند. بدین ترتیب، علوم طبیعی و اجتماعی ازجهان اسلام به اروپا انتقال یافت. بعد از شکل‌گیری دوره جدید در غرب و قدرت یافتن فرهنگ اروپایی، جریان مبادله فرهنگی برعکس شد و این بار دانشجویان کشورهای اسلامی، برای فراگیری علوم، توسط دولت‌های کشورهای اسلامی به اروپا اعزام شدند تا از یافته‌های علمی و فرهنگی اروپاییان بهره بگیرند.

تجزیه و تحلیل کنید

حدیث پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در زمینه علم‌آموزی از دیگران را که فرمودند: «اُطْلُبُ العِلْمَ وَلَو بِالصّینِ»، از منظر تبادل فرهنگی تجزیه و تحلیل کنید.

پ) سلطه فرهنگی

سلطه فرهنگی عبارت‌است از: «هجوم و سرایت یک‌جانبه عناصر و پدیده‌های فرهنگی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر». گروه سلطه‌گر، با استفاده از توانمندی‌ها و برتری‌های خود و با تکیه بر ظرفیت رسانه‌ها و فناوری‌های پیشرفته و استفاده از قدرت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی‌خویش، درصدد است باورها و ارزش‌های خود را در بین فرهنگ دیگران رواج دهد و آنان را به پذیرش فرهنگ خود، متقاعد یا وادار سازد و در نهایت، هویت فرهنگی گروه مقابل خود را تضعیف، تحریف و نابود کند.

سلطه‌گران فرهنگی، برای گسترش نفوذ فرهنگ خویش، از «هجوم فرهنگی» استفاده می‌کنند. هجوم فرهنگی

عبارت‌است از: «تلاش برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته یک گروه یا یک جهان فرهنگی برای تحمیل باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خویش بر سایر گروه‌ها و جهان‌های فرهنگی».

مهاجم فرهنگی، درصدد سلطه فرهنگی است. سلطه فرهنگی از انواع دیگر سلطه‌ها، یعنی سلطه نظامی، سیاسی، اقتصادی، پیچیده‌تر و خطرناک‌تر است؛ زیرا هویت یک ملت را نشانه می‌گیرد. او با زیباآرایی و جذاب‌سازی فرهنگ خویش، سعی بر جلب نظر و اندیشهٔ نیروهای رقیب می‌نماید تا آنان، با اختیار و انتخاب خود و یا با اجبار و اکراه، فرهنگ محسوس و غیرمحسوس سلطه‌گر را بپذیرند؛ برای مثال کشورهای اروپایی و آمریکایی، در ارتباطات خود با دیگران، کمتر تلاش کرده‌اند تا با برنامه‌ریزی و به صورت هدفمند، به ترویج ویژگی‌های مثبت فرهنگ خود مانند روحیه «وقت‌شناسی»، «وجدان کاری» یا «کنجکاوی علمی» دربین اقوام دیگر بپردازند، متقابلاً، درصدد هستند با ابزارها و رسانه‌های خود، به ترویج «لاابالی گری فرهنگی» بپردازند. نمونه این سلطه گری را در مواجهه با کشور خودمان شاهد هستیم که از تولید دانش بومی در زمینه فناوری‌های هسته‌ای و زیست فناوری، و حتی انتقال دانش و فناوری دیگران به ایران جلوگیری می کنند تا انحصار و سلطه علمی خود را حفظ نمایند. پس ازفروپاشی شوروی و شکست نظام کمونیسم در برابر نظام سرمایه‌داری و لیبرالیسم، باور به صحت و اعتبار اندیشه مدرنیسم، دربین برخی از نظریه‌پردازان این مکتب و سیاستمداران آن تقویت شد. در نتیجه، آنان از هر فرصت و ابزاری برای گسترش و حاکمیت اندیشه «لیبرال دمکراسی» در جهان استفاده کرده و می کنند.

مجموعه اقداماتی که موجب ایجاد و تقویت رابطهٔ سلطه بین «سلطه‌گر» و «سلطه‌پذیر» می‌شود، «امپریالیسم» نامیده می‌شود. امپریالیسم، اشکال مختلفی دارد و به‌شیوه‌های گوناگون، برای تأمین و حفظ منافع سلطه‌گران، عملیاتی می‌شود؛ مانند امپریالیسم سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی. امروزه، «امپریالیسم فرهنگی» درصدد سلطه انحصاری فرهنگی، علمی، آموزشی و ... بر سایر کشورهاست تا از این ظرفیت برای سلطه سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی خود استفاده کند و با تأمین منافع خویش، «استعمار نو و فرانو» را در سرزمین «سلطه پذیر» حاکم سازد. ترویج و گسترش مفاهیم «حقوق بشر» ، «حقوق زنان» و نظایر آن، بر اساس بنیان‌های فکری و نظری غرب در جهان، و اجبار سایر کشورها به پذیرش این مفاهیم و تعاریف، نمونه‌هایی از امپریالیسم فرهنگی است.

بیندیشید

با توجه به راهبرد اسلام هراسی و ایران هراسی، که توسط امپریالیسم فرهنگی علیه کشور ما به‌کار گرفته شده است، برای خنثی‌سازی آن و اثربخش‌کردن ارتباطات و تعاملات فرهنگی، چه تدابیری باید اندیشیده شود و از کدام ویژگی‌های فرهنگی ایران و کدام روش‌ها می‌توان استفاده کرد؟

بخوانید و پاسخ دهید

نظام سلطه در گذشته، از « قدرت سخت» برای گسترش نفوذ و کسب منافع خود استفاده می‌کرده است. اما در قرن اخیر از راهبرد «قدرت نرم» بهره می‌گیرد. قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل‌دهی به باورها، گرایش‌ها و ترجیحات دیگران. قدرت نرم از نوع اقناع و قدرت سخت از مقوله وادار و اجبارکردن است. قدرت نرم، به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های یک جامعه گفته می‌شود که با ترویج ارزش‌های خود و القای غیرمستقیم آن، ارزش‌های جوامع دیگر را در راستای منافع خود تغییر می‌دهد. « قدرت یک رابطه روانی است بین کسانی که آن را به کار می‌برند و آنهایی که در معرض آن قرار می‌گیرند».

اسناد لانه جاسوسی که مجموعه مکاتبات محرمانهٔ میان سفارت آمریکا در ایران و دولت آمریکاست، به‌خوبی نشان می‌دهد که غرب و به‌خصوص آمریکا، از قدرت نرم برای سلطه فرهنگی بر ایران استفاده کرده است. در سندی که در سال ۱۳۵۶ از سوی سفارت آمریکا در تهران، خطاب به آژانس اطلاعات ایالات متحده ارسال شده است، نمونه‌هایی از این نوع اعمال سلطه به‌خوبی مشهود است:

« در سطوح برگزیدگان سیاسی ارتباطات بین ایران و آمریکا تسهیل شده است، بدین‌معنی که این‌گونه ایرانیان از میان گروه کشورهای خاورمیانه به استثنای احتمالاً اسرائیل و لبنان، از لحاظ آشنایی با زبان بیشترین مهارت را دارند، سفرهای دور و درازی کرده‌اند، دارای تحصیلات عالی

هستند. (بیشتر در ایالات‌متحده) علاوه بر این منابع اطلاعاتی درباره ایالات متحده به سهولت از طریق رسانه‌های گروهی محلی و سایر وسایل در دسترس می‌باشند و هیچ‌کدام آنها به‌طور سیستماتیک ایالات متحده آمریکا را آن‌طوری که نیست جلوه نمی‌دهند یا تحقیر نمی‌کنند. رادیوی زبان انگلیسی و کانال‌های تلویزیون به‌طور عمده وسایلی برای اطلاعات مربوط به آمریکاست و به‌وسیله ایرانیان علاقه‌مند تهیه و سرپرستی می‌شود که قابلیت تحمل و مدارای واردات فرهنگی آنها نسبتاً بالا است. تماس‌های روبه‌رو با آمریکاییان صاحب‌نظر و وارد در زمینه‌های مربوط به هدف‌های مأموریتی نه‌تنها امکان‌پذیر است، بلکه تحت سرپرستی حکومت ایالات متحده یا دیگران به کرات صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه ۶۰ هزار ایرانی در همه سطوح در ایالات متحده تحصیل می‌کنند و کادر حرفه‌ای اینجا با ایالات‌متحده و طرق آن آشناست، در پایان هر سال تحصیلی به‌نحو تصاعدی افزایش می‌یابد. ارتباطات از طریق ازدواج رو به افزایش است. حدود ۵۰ پیوند دانشگاهی بین ایران و ایالات متحده وجود دارد. حدود ۲۵۰ مربی آمریکایی در دانشگاه‌های مهم ایران (که هفت نفر از آنها از بورس تحصیلی فولبرایت استفاده کرده‌اند) و ده‌ها نفر بیشتر از آنان در نهادهای مختلف آموزشی تدریس می‌کنند. یک جامعه بازرگانی آمریکایی مقیم ایران که از لحاظ تعداد بزرگ و از لحاظ حرفه متنوع است، نیز در ایران فعالیت دارد.»

(اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۱، ص ۷۰۷، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی)

سؤال:

۱ـ آمریکایی‌ها علاوه بر سلطه بر رژیم پهلوی، به دنبال سلطه فرهنگی بر مردم ایران بودند. چرا؟

۲ـ با بررسی سند بالا نشان دهید که آمریکایی‌ها برای اِعمال سلطه فرهنگی، از چه شیوه‌هایی استفاده می‌کردند؟

بررسی و تحقیق کنید

۱ـ دو نمونه از هجوم فرهنگی نظام سلطه علیه انقلاب اسلامی ایران در دهه‌های گذشته را بررسی و تجزیه و تحلیل کنید. با توجه به سطوح و لایه‌های فرهنگ، این هجوم بیشتر معطوف به کدام لایه است؟ چرا؟

۲ـ به چند گروه تقسیم شوید و هر گروه با انتخاب یکی از موضوعات زیر، در مورد تهاجم فرهنگی کشورهای سلطه‌گر علیه کشورهای اسلامی، تحقیق کند. سپس نتایج را در کلاس ارائه کنید.

(انتشار کتاب آیات شیطانی اثر سلمان رشدی، جنگ نرم از طریق بازی‌های رایانه‌ای، ترویج عروسک باربی، تبلیغات ماهواره در مورد ترویج الگوهای خانواده و تشکیل خانواده‌های باز به سبک غربی، مک‌دونالدی شدن رستوران ها و فروشگاه های توزیع غذا، تولیدفیلم‌های هالیوودی و جذب استعدادهای برتر).

دیپلماسی فرهنگی

اگر کشوری بخواهد با سایر کشورها ارتباط مفید و اثربخش داشته باشد چه باید بکند؟ از چه روش‌ها و امکاناتی می‌تواند استفاده کند؟

به‌اعتقاد صاحب‌نظران حوزه فرهنگ، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از: مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی و سنت‌ها و اعتقادات، به‌منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها.

دیپلماسی فرهنگی، به عنوان ابزار سیاست خارجی، روش مؤثری است که دولت‌ها، با مشارکت مردم خود، آن را برای عرضه فرهنگ خویش به سایر ملت‌ها و کشورها به‌کار می‌گیرند و در میان انواع دیپلماسی‌های نوین، (دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی آموزشی، دیپلماسی اقتصادی و...) از اهمیت و جایگاه ویژه برخوردار است و از آن به‌عنوان «قدرت نرم» در سیاست خارجی یاد می‌کنند. با توجه به پدیده جهانی‌شدن و ضرورت ارتباط جهان‌های فرهنگی با یکدیگر، دولت‌ها برای مدیریت تعامل با سایر کشورها، از «دیپلماسی فرهنگی» استفاده می‌کنند.

دولت‌ها در دیپلماسی فرهنگی، به منظور تأمین منافع ملی و با استفاده از ابزارهای فرهنگی و با بهره‌مندی از ظرفیت بخش غیردولتی، به‌معرفی و انتقال فرهنگ و تمدن سرزمین خود به مردم سایر کشورها می‌پردازند. این امر موجب گسترش ارتباطات میان مردم کشورهای مختلف می‌شود و زمینه برقراری روابط مستحکم و دوستانه میان آنها را فراهم می‌آورد.

دیپلماسی فرهنگی، برخلاف دیپلماسی سیاسی، الزاماً متکی و وابسته به دولت‌ها نیست و توسط دولت‌ها

انجام نمی‌شود، بلکه بیشتر، ملت‌ها با استفاده از ابزارها و روش‌هایی مانند مؤسسات و تشکل‌های غیردولتی و نهادهای مدنی، میراث فرهنگی، جشنواره‌های بین‌المللی ورزشی، فرهنگی، هنری و... به ارتباطات فرهنگی باهم می‌پردازند. در تحقق دیپلماسی فرهنگی، دولت‌ها بیشتر نقش هدایت‌کننده و حامی را ایفا می‌کنند و از مزایای آن برای تأمین منافع ملی بهره می‌برند.

نظام سلطه، با طراحی و اجرای «پروژه جهانی سازی»، درصدد است تا فرهنگ و اندیشه خود را بر جهان حاکم کند، بنابراین، اساس دیپلماسی فرهنگی و گسترش آن در عصر جدید، بر نفی جهانی‌سازی و حاکمیت فرهنگ نظام سلطه برجهان استوار است و با به‌رسمیت شناختن و احترام به فرهنگ‌های دیگر، زمینه تعاملات و تبادلات فرهنگی را بین کشورها و ملت‌ها فراهم می‌آورد.

بخوانید و پاسخ دهید

پروژه جهانی‌سازی[1] که هم‌اکنون دولت آمریکا داعیه‌دار آن است با تسلط بر فرهنگ و همچنین دیپلماسی فرهنگی کشورها تحقق می‌یابد و سال‌هاست که آمریکا این رویه را نه برای پیشرفت کشورها بلکه برای تأمین منافع خود پیش گرفته و اجرا می‌کند. اسناد سفارت آمریکا در دوران پهلوی ضمن اشاره به قرابت با ایران و مدرنیزه کردن آن برای تأمین منافع خود بیان می‌کنند:

«منافع آمریکا در این است که روابط نزدیکی با ایران داشته باشد و عناصر علاقه‌مند به مدرنیزه کردن را تشویق کند. مادامی که شاه بر ایران تسلط کامل دارد ما باید روابطمان را با دیگر گروه‌های جامعه ایران حفظ کنیم، تا کسانی را که بعد از شاه ممکن است به قدرت برسند شناسایی کنیم. درجه نفوذ آمریکا در زمینه تحصیلات در دولت جدید ایران به این وسیله مشخص می‌شود، که ۶۰ درصد کابینه در حال حاضر قسمتی یا تمام تحصیلاتشان را در آمریکا گذرانده‌اند».

(اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۱، ص ۲۶۷، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی)

سؤال:

۱ـ بر اساس سند بالا روشن کنید چرا آمریکایی‌ها در دیپلماسی فرهنگی‌شان، تمایل دارند با گروه‌های علاقه‌مند به مدرنیزه کردن (غربی کردن) ایران، ارتباط برقرار کنند؟

بیندیشید

کدام‌یک از محصولات و مؤلفه‌های فرهنگی استان شما، قابلیت انتشار در سایر کشورها را دارد و چگونه می‌توان از ظرفیت آنها برای حفظ و ارتقای منافع ملی استفاده کرد؟

۱ـ جهانی‌سازی طرحی است که غرب به رهبری آمریکا آن را دنبال می‌کند. آمریکایی‌ها می‌کوشند با استفاده از وسایل مختلف، خصوصاً وسایل ارتباط جمعی، از تلویزیون و ماهواره گرفته تا شبکه‌های اجتماعی، فرهنگ و سبک زندگی خود را در سایر کشورها نفوذ دهند.

دیپلماسی فرهنگی فطرت خواه

در پی حوادث فرانسه و انتشار تصاویر توهین آمیز به مقدسات اسلامی در یک نشریه فرانسوی و تشدید جریان ضد اسلامی و اسلام هراسی از سوی مقامات و رسانه‌های غربی، حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، پیام مهمی خطاب به جوانان در اروپا و آمریکای شمالی ارسال نمودند. این پیام به زبان انگلیسی و سپس زبان‌های دیگر، منتشر شد. متن آن، به شرح زیر است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم

به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی

من شما جوانان را مخاطب خود قرار می‌دهم؛ نه به این علّت که پدران و مادران شما را ندیده می‌انگارم، بلکه به این سبب که آیندهٔ ملّت و سرزمینتان را در دستان شما می‌بینم و نیز حسّ حقیقت‌جویی را در قلب‌های شما زنده‌تر و هوشیارتر می‌یابم. همچنین در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمی کنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند.

سخن من با شما دربارهٔ اسلام است و به‌طور خاص، دربارهٔ تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما ارائه می‌شود. از دو دهه پیش به این سو ـ یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتّحاد جماهیر شوروی ـ تلاش‌های زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسّفانه سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمی‌خواهم به «هراس‌های» گوناگونی که تاکنون به ملّت‌های غربی القا شده است، بپردازم. شما خود با مروری کوتاه بر مطالعات انتقادی اخیر پیرامون تاریخ، می‌بینید که در تاریخ‌نگاری‌های جدید، رفتارهای غیرصادقانه و مزوّرانهٔ دولت‌های غربی با دیگر ملّت‌ها و فرهنگ‌های جهان نکوهش شده است.

تاریخ اروپا و آمریکا از برده‌داری شرمسار است؛ از دورهٔ استعمار سرافکنده است؛ از ستم بر رنگین‌پوستان و غیرمسیحیان خجل است. محقّقین و مورّخین شما از خونریزی‌هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملیت و قومیت در جنگ‌های اوّل و دوم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکندگی می کنند.

این به خودی خود جای تحسین دارد و هدف من نیز بازگو کردن بخشی از این فهرست بلند،

سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما می‌خواهم از روشنفکران خود بپرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده‌ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود؟ چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف به گذشته‌های دور باشد نه مسائل روز؟ چرا در موضوع مهمّی همچون شیوهٔ برخورد با فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی، از شکل‌گیری آگاهی عمومی جلوگیری می‌شود؟

شما به‌خوبی می‌دانید که تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از «دیگری»، زمینهٔ مشترک تمام آن سودجویی‌های ستمگرانه بوده است. اکنون من می‌خواهم از خود بپرسید که چرا سیاست قدیمیِ هراس‌افکنی و نفرت‌پراکنی، این‌بار با شدّتی بی‌سابقه، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته است؟ چرا ساختار قدرت در جهان امروز مایل است تفکر اسلامی در حاشیه و انفعال قرار گیرد؟ مگر چه معانی و ارزش‌هایی در اسلام، مزاحم برنامهٔ قدرت‌های بزرگ است و چه منافعی در سایهٔ تصویرسازی غلط از اسلام، تأمین می‌گردد؟ پس خواستهٔ اوّل من این است که دربارهٔ انگیزه‌های این سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام پرسش و کاوش کنید.

خواستهٔ دوم من این است که در واکنش به سیل پیش‌داوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضا می‌کند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گریزانند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد. اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به‌عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مآخذ دست اوّل آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آشنا شوید.

من در اینجا مایلم بپرسم آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزش‌هایی طیّ قرون متمادی، بزرگ‌ترین تمدّن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکّران را تربیت کرد؟

من از شما می‌خواهم اجازه ندهید با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین شما و واقعیّت، سدّ عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بی‌طرفانه را از شما سلب کنند. امروز که ابزارهای ارتباطی، مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند. اگرچه هیچ‌کس به‌صورت فردی نمی‌تواند شکاف‌های ایجاد شده را پر کند، امّا هریک از شما می‌تواند به قصد روشنگریِ خود و محیط پیرامونش، پلی از اندیشه و انصاف بر روی آن شکاف‌ها بسازد. این چالش از پیش طراحی شده بین اسلام و شما جوانان، اگرچه ناگوار است امّا می‌تواند پرسش‌های جدیدی را در ذهن کنجکاو و جستجوگر شما ایجاد کند. تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نو پیش روی

شما قرار می‌دهد. بنابراین، این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پیش‌داوری از اسلام از دست ندهید تا شاید به یمن مسئولیت‌پذیری شما در قبال حقیقت، آیندگان این برهه از تاریخ تعامل غرب با اسلام را با آزردگی کمتر و وجدانی آسوده‌تر به‌نگارش درآورند.

سیّدعلی خامنه‌ای

۱/بهمن/۱۳۹۳

▲ برگزاری نماز جماعت مسلمانان در لندن

درس سوم

نقش رسانه‌ها در تحولات فرهنگی

کارکرد فرهنگی رسانه‌ها

رسانه‌ها چگونه در تولید و انتقال فرهنگ، ایفای نقش می‌کنند؟

نقش رسانه‌ها در تحولات فرهنگی چیست؟ آیا تاکنون درباره واژگان، «جامعه اطلاعاتی»، «شبکه‌های اجتماعی» و «عصر رسانه‌ها» اندیشیده‌اید؟ این مفاهیم چه معنایی دارند و کارکرد فرهنگی و اجتماعی‌شان چیست؟ چه تأثیری بر دگرگونی‌های فرهنگی دارند؟

دردروس گذشته، با دگرگونی‌های فرهنگی و عوامل مؤثر بر آنها آشنا شده‌اید. در عصر حاضر، انسان دردنیای رسانه‌ها زندگی می‌کند و دنیا را از دریچه رسانه‌ها ادراک می‌کند. ایجاد و گسترش رسانه‌ها و افزایش روزافزون دسترسی آسان به آنها، زمینه شکل‌گیری «جامعه جهانی» را فراهم آورده است. ابزار «رسانه»، بیش ازسایر عوامل، در دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی نقش‌آفرینی می‌کند و عملکرد سایر عناصر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در این دوره، میزان و چگونگی ارتباط انسان‌ها با هم و نیز ارتباط جهان‌های فرهنگی با یکدیگر نسبت به گذشته، کاملاً متفاوت شده است و در بستر «رسانه‌ها» شکل می‌گیرد.

درابتدا، اختراع ماشین چاپ و گسترش کمی وکیفی انتشار کتاب و روزنامه‌ها و نیز اختراع رادیو و تلویزیون، مناسبات انسانی و فرهنگ حاصل از آن را دگرگون ساخته است. اما با انقلاب صنعتی و پیدایش رسانه‌های جدید، به‌ویژه با گسترش سریع شبکه‌های بین‌المللی اطلاعاتی ـ ارتباطی و فراهم آمدن قابلیت ذخیره، انتقال و انتشار حجم وسیعی از داده‌ها، وارد «عصر اطلاعات» شده‌ایم؛ به‌گونه‌ای که در آن امکان هرنوع ارتباط، به‌ویژه گسترش فرهنگ‌ها و پیام‌های فرهنگی، بسیار بیش‌ازپیش فراهم آمده است.

بررسی وگفتگو کنید

- به‌نظر شما، دانش‌آموزان دوره دبیرستان، چه میزان از وقت خود را درفضای مجازی (تلفن همراه، اینترنت و...) سپری می‌کنند؟ این حضور، چه تأثیری بر فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی کاربران دارد؟ چه تأثیری بر مناسبات فرد با خانواده و دوستانش برجای می‌گذارد؟
- با رویکرد فرهنگی، حضور در فضای مجازی را تجزیه و تحلیل کرده و فرصت‌ها و تهدیدهای آن را مشخص کنید.

رسانه‌ها، در فرایند ارتباطات و جابه‌جایی اطلاعات در درون و برون جامعه سهم اساسی دارند، علاوه‌بر این می‌توانند در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، کارساز باشند و به عنوان یک دانشگاه گسترده، در راستای تعالی و یا تخریب فرهنگ جامعه به فعالیت بپردازند.

برخی از کارکردهای رسانه‌ها عبارت‌اند از:

۱ـ امکان دسترسی گسترده به اطلاعات را برای عموم مردم به وجود آورده‌اند.

۲ـ جمع‌آوری، انباشت و توزیع اطلاعات را سرعت بخشیده و محدودیت‌های زمانی و مکانی را از بین برده‌اند.

۳ـ امکان بازتولید، پالایش و گسترش اطلاعات برای همگان را فراهم آورده و آنها را در تولید اطلاعات سهیم کرده‌اند.

۴ـ دانش عمومی را در حوزه‌های مختلف معرفتی و علمی افزایش داده و آگاهی و توانایی مردم را برای دستیابی به زندگی مناسب و دانش‌بنیان فزونی بخشیده‌اند.

این تحولات فرهنگی، زمینه پیدایش «جامعه اطلاعاتی» را تسهیل کرده است؛ جامعه‌ای که اساس آن بر تولید، توزیع و گردش اطلاعات بنا نهاده شده است و «اطلاعات» به مثابه یک سرمایه ارزشمند محسوب می‌شود.

بررسی و تحقیق کنید

درباره واکنش رسانه‌های خارجی درخصوص «فتح خرمشهر» دردوران دفاع‌مقدس، گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید. به نظر شما گزارش‌ها و روایت‌های رسانه‌های خارجی از این واقعه، چه تأثیری بر اذهان عمومی داشته است؟

رسانه‌ها و خلق جهان‌های فرهنگی

رسانه‌ها رکن اساسی جامعه پیشرفته و عامل جهانی شدن فرهنگ هستند. رسانه‌ها با ارائه اطلاعات، در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی و خلق و گسترش جهان اجتماعی و جهان فرهنگی تأثیر فراوان دارند و قادر به ایجاد ارزش‌ها، آگاهی‌ها و هنجارهای جدید می‌باشند. به همین دلیل، فعالیت رسانه‌ای، خود یک کنش فرهنگی محسوب می‌شود که زمینه تعامل و تبادل افکار و اندیشه‌ها را فراهم می‌آورد.

رسانه‌ها، می‌توانند شرایط و زیرساخت‌های فکری ـ فرهنگی مناسب برای پیشرفت و توسعه، از قبیل ایجاد روحیه و مهارت کار گروهی، فرهنگ کارآفرینی، قانون‌محوری، فرهنگ نظم و حسابگری و ... را در جوامع رواج دهند و هرروز با اخذ و خلق ایده و تفکری جدید و ترویج آن، به روند توسعه جامعه کمک کنند.

آشنایی با کارکرد رسانه‌ها و فهم پیام‌های آشکار و پنهان آنها، نیازمند برخورداری از «سواد رسانه‌ای» است. این سواد، به معنای توانایی و مهارت استفاده درست از رسانه‌هاست و آنان که از این سواد، بی‌بهره هستند، مقهور جاذبه‌های ظاهری و فریبنده رسانه‌ها شده و تسلیم پیام‌ها و فرهنگ حاکم بر آنها می‌شوند.

تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که رشد اقتصادی، افزایش سوادآموزی، مشارکت سیاسی و پذیرش مسئولیت اجتماعی، با میزان دسترسی به رسانه‌ها، ارتباط مستقیم دارد و هرچه مبادله اطلاعات صحیح و معتبر، سریع‌تر انجام شود، دستیابی به توسعه و پیشرفت، امکان‌پذیرتر است.

تحقیق کنید

زندگی در «اتاق شیشه‌ای» در عصر رسانه‌ها به چه معناست؟ «حریم‌خصوصی» در فضای مجازی، چه معنا و مفهومی دارد؟ و چگونه می‌توان از حریم‌خصوصی خود مراقبت کرد و وارد حریم‌خصوصی دیگران نشد؟

سواد رسانه‌ای[1] و تحولات فرهنگی

«سواد رسانه‌ای» به چه معناست؟ ضرورت کسب سواد رسانه‌ای، در دنیای امروز چیست؟ این دانش، شامل چه مهارت‌ها و کارکردهایی است؟ آیا می‌توان با استفاده از این مهارت، به تحلیل فرهنگی و حل مسائل فرهنگی پرداخت؟

در پایه دهم در کتاب سواد رسانه‌ای، با مفهوم «سواد رسانه‌ای» و کارکردهای آن آشنا شدید. همچنان که آموختید، سواد رسانه‌ای، مجموعه‌ای از مهارت‌های قابل یادگیری است که به توانایی دسترسی، تجزیه و تحلیل و ایجاد انواع پیام‌های رسانه‌ای اشاره دارد و یک مهارت ضروری در دنیای امروزی به شمار می‌رود. برای حضور فعال و مؤثر در محیط پیچیده رسانه‌ها، باید قادر به درک بهتر پیام‌های رسانه‌ای، تجزیه و تحلیل، ارزشیابی و پردازش اطلاعات باشیم. افراد، با کسب سواد رسانه‌ای، قادر به رمزگشایی از اهداف رسانه‌ها و کشف پیام‌های پیچیده موجود در محتوای آنها می‌باشند و می‌توانند در شکل‌گیری فرهنگ رسانه‌ای مشارکت فعال داشته باشند، این امر سبب می‌شود از حالت مصرف‌کننده منفعل خارج شده، و از رسانه‌ها به صورت هوشمندانه بهره‌مند شوند.

سواد رسانه‌ای می‌تواند به ما کمک کند تا:

۱ـ مهارت استفاده از فناوری‌های ارتباطی را به دست آوریم.

۲ـ آنچه را که رسانه‌ها می‌خواهند ما را به باور آن برسانند، تشخیص دهیم.

۳ـ اطلاعات غلط و دروغ‌های رسانه‌ای را تشخیص دهیم.

۴ـ مسائل فرهنگی را تشخیص داده و مهارت لازم برای حل آنها را به دست آوریم.

۵ـ پیام‌های رسانه‌ای را براساس تجربیات خود، باورها و ارزش‌های خویش ارزیابی و تجزیه و تحلیل کنیم.

۶ـ پیام‌های رسانه‌ای خود را طراحی، ایجاد و پخش کنیم و در تحولات فرهنگی مشارکت نماییم.

سواد رسانه‌ای یکی از مهارت‌های مهم زندگی در عصر حاضر است. کسب این سواد، ما را در مقابله با امپریالیسم رسانه‌ای و برنامه‌های تهاجم فرهنگی نظام سلطه یاری می‌کند.

۱ـ Media Literacy

بررسی و گفتگو کنید

آیا می‌توانید نمونه‌هایی از بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها، انیمیشن‌ها و کارتون‌هایی که توسط جهان غرب و صهیونیست‌ها علیه جوامع اسلامی ساخته می‌شود را نام ببرید و ابعاد ضداسلامی و ضدایرانی و روش به کار رفته در آنها را بررسی کنید؟ در صورت تمایل، با چند نفر از کاربران این بازی‌ها مصاحبه کنید و تأثیرات بازی‌ها را بر روحیه و اخلاق آنها بررسی کنید.

امپریالیسم رسانه‌ای

سرمایه‌داری غربی با استفاده از ابزار تأثیرگذار رسانه و عنصر کلیدی آن، یعنی تبلیغات، سعی در یکسان‌سازی فرهنگی در همه ابعاد مادی و معنوی فرهنگ سایر ملل دارد که به این پدیده، «امپریالیسم رسانه‌ای» می‌گویند. رسانه‌ها در رویارویی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، بی‌طرف نیستند و برای گسترش و اشاعه فرهنگ و پیام خاص، ایجاد شده و فعالیت می‌کنند. به همین دلیل، غرب، برای نیل به اهداف و مقاصدخویش،تسلط بر شبکه ارتباطی را به‌عنوان برترین و مؤثرترین گزینه راهبردی خود برگزیده است.

مارشال مک لوهان: «جنگ‌هایی که درآینده رخ می‌دهد به وسیله تسلیحات جنگی و در میدان‌های نبرد نخواهد بود، بلکه این جنگ‌ها به دلیل تصوراتی رخ خواهد داد که رسانه‌های جمعی به مردم القا می‌کنند».

نظام سلطه تلاش می‌کند با بهره‌گیری از آخرین یافته‌های علمی و پژوهشی، و با برخورداری از آخرین دستاوردهای تکنولوژیک و شگردهای تبلیغاتی، باورها، اندیشه‌ها، گرایش‌ها و فرهنگ «دیگران» را تغییر داده و با ارزش‌ها و فرهنگ خویش همراه و هماهنگ کند و با «مهندسی ذهن» دیگران، ایشان را به راهی بخواند که خود می‌خواهد. امروزه تراست‌های بزرگ اطلاعاتی و کارتل‌های عظیم رسانه‌ای شکل گرفته است که با اتکا به قدرت تکنولوژیکی، به ارائه تصویری مخدوش از حکومت‌ها، فرهنگ‌ها، اقوام و ادیان رقیب می‌پردازند و به‌صورت نظام‌مند و هماهنگ، در جهت‌دهی افکار عمومی جهانی و شکل‌گیری عقاید و گرایش‌ها و واکنش‌های موردنظر خود، تلاش می‌کنند.

تحقیق کنید

- درباره «مرداک» غول رسانه‌ای جهان چه می‌دانید؟
- نقش مخرب وی در تهاجم به فرهنگ‌های مستقل و آزادی‌خواه و گسترش امپریالیسم فرهنگی چیست؟

امپریالیسم رسانه‌ای، با تشکیل امپراتوری فرهنگی ـ رسانه‌ای، هویت‌های فرهنگی، ملی و دینی سایر ملت‌ها را تغییر داده و بخش‌هایی از فرهنگ خود را جایگزین آنها نموده است. به همین دلیل، «جنگ رسانه‌ای» تنها جنگی است که حتی در زمان صلح نیز بین کشورها به صورت غیر رسمی ادامه دارد و هر کشوری با استفاده از ظرفیت رسانه‌ای خویش، برای پیشبرد اهداف سیاسی و فرهنگی خود از آن بهره می‌گیرد. سربازان جنگ رسانه‌ای، متخصصان تبلیغات، کارشناسان جنگ روانی و کارگزاران رسانه‌ها هستند. راهبرد طراحی شده توسط آمریکا، پیش از حمله نظامی به عراق، نمونه برجسته‌ای از جنگ رسانه‌ای به موازات جنگ نظامی به‌شمار می‌رود. خبرنگارانی که در اردوگاه نیروهای آمریکایی و انگلیسی حضور داشتند و اخبار جنگ را از دریچه دوربین خود، و البته از منظر منافع مهاجمان، به جهان مخابره می‌کردند، سربازان «جنگ رسانه‌ای» جدید بودند. مردمی که زیر بمباران جنگ رسانه‌ای قرار می‌گیرند، ممکن است خود، از وجود جنگ سنگینی که در فضای فرهنگی آنان جریان دارد بی‌اطلاع باشند، اما کارگزاران این جنگ، فرهنگ و باورها، گرایش‌ها و رفتارهای ایشان را نشانه گرفته‌اند. هدف جنگ رسانه‌ای، اگر چه در نهایت تغییر کارکرد و عملکرد دولت‌هاست،

اما به طرز ملموسی به جای هدف قراردادن مستقیم دولت‌ها،ملت‌ها و فرهنگ عمومی را هدف بمباران خود قرار می‌دهد و به تغییر و تحولات فرهنگی درجوامع می‌اندیشد تا بتواند حکومت‌های دست‌نشاندهٔ خود را به قدرت برساند.

بخوانید و پاسخ دهید

رفتار غرب و به‌خصوص آمریکا با مردم ایران از کودتای ۱۳۳۲ تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، سبب شد که مردم ایران نگرشی منفی به آمریکا داشته باشند. آنان می‌دانستند که آمریکا برای حفظ منافع و سلطهٔ خود در ایران به هر اقدامی دست می‌زند. این نگرش منفی، در رفتار و شعار ایرانیان، به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی، نشان داده می‌شد. آمریکایی‌ها از شیوه‌های مختلف تبلیغاتی و به‌ویژه رسانه‌ها استفاده می‌کردند تا بر نگرش ایرانیان تأثیر بگذارند. در یکی از اسناد محرمانهٔ سفارت آمریکا در ایران که مربوط به شهریور ۱۳۵۸ می‌باشد، پیشنهادهایی به رسانه‌های آمریکا برای تأثیرگذاری بر نگرش ایرانیان و تغییر فرهنگ آنها و متمایل کردن ایرانی‌ها به آمریکا ارائه شده است:

الف) آژانس ارتباطات بین‌المللی آمریکا بیشترین سعی خود را برای هرچه بهتر شدن پیوند ایران و آمریکا گسترش دهد. به‌کار بردن صدای آمریکا VOA که پیام‌های سیاسی را بدهند و اینکه زبان انگلیسی بیشتر یاد داده شود و مجله منتشر کنند.

ب) گاه بیانات عمومی توسط مقامات و بزرگ رسمی برای اهمیت ایران و روابط خوب ایران و آمریکا بیان شود.

ج) در همان زمینه‌های قبلی تأکید بیشتری شود.

د) اعمال آرامی با ایرانیان صورت گیرد که اعمالشان با خبرنگاران خارجی مهربانانه باشد.

هـ) در یک تاریخ نزدیک یک میتینگ خصوصی ترتیب داده تا در آن با استفاده از ایرانی‌های باتجربه، شکاف بین روابط ایران و آمریکا علاج گردد.

در ادامه این سند نگارنده به پیشنهادات خود می‌افزاید:

«**من به‌خصوص با طرح گسترش برنامه‌های فارسی صدای آمریکا VOA و نمایش فیلم‌های آمریکایی از تلویزیون (مقصود تلویزیون ملی ایران است) که از طرفداران بیشماری برخوردار است خرسندم.**» (از هارولد اچ. ساندرز به آقای نیوسام) (تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۷۹ـ۱۴ شهریور ۱۳۵۸)

(اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۱، ص ۱۱۴، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی)

سؤال:

۱ـ با توجه به سند بالا بررسی کنید که آمریکایی‌ها جهت تأثیرگذاری بر نگرش مردم ایران از چه روش‌هایی استفاده می‌کردند؟

۲ـ به طور خاص روشن کنید که هدف آمریکایی‌ها از سیاست گسترش برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی، سینمایی و ... فارسی زبان، چه بوده است؟

گفتگو کنید

دو فیلم زیر را مشاهده و بررسی کنید و با مراجعه به نقدهایی که درباره آنها در شبکه‌های مجازی و مجلات تخصصی وجود دارد، میزگرد فرهنگی تشکیل داده و درباره آنها گفتگو کنید:

- فیلم «تولد یک پروانه» به کارگردانی مجتبی راعی. ساخت سال ۱۳۷۶. ایران
- فیلم «رهایی از شاوشنگ» به کارگردانی فرانک دارابونت. ساخت ۱۹۹۴ میلادی

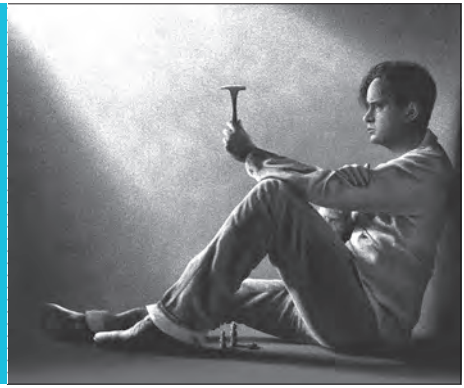

بیشتر بدانیم

یکی از جلوه‌های امپریالیسم رسانه‌ای در جهان، امپریالیسم خبری است که از شکل‌های سلطه دنیای غرب بر جهان است. امپریالیسم خبری به معنی سلطه‌جویی انحصاری در نظام خبررسانی جهان است. امپریالیسم به‌طور تخصصی بر روی حجم، نوع، محتوا، کیفیت، کمیت، زمان و مکان یک خبر کار می‌کند. برای نخستین مرتبه واژه «امپریالیسم خبری» را رئیس جمهور فنلاند در گردهمایی کارشناسان ارتباطی یونسکو در دانشگاه تامپر فنلاند در سال ۱۹۷۱ به زبان آورد.

امپریالیسم خبری کارکردهایی دارد؛ از جمله اینکه وابستگی فرهنگی ایجاد می‌کند و خبرها را متناسب با منافع خود نشر می‌دهد و با به کارگیری شگردهای هنری و روان‌شناسانه گاه سیاه را سفید و سفید را سیاه جلوه می‌دهد تا نظام سلطه به حیات خود ادامه دهد. پیامد بمباران خبری امپریالیسم خبری، از خودبیگانگی فرهنگی، تمدن وارداتی و بی هویتی است که با آخرین دستاوردهای تکنولوژی عرضه می‌شود.

امپریالیسم خبری همچنین به ارزش‌های خبری مطابق میل دست‌اندرکاران می‌پردازد و عمدتاً با طرح مسائل نمایشی و در حقیقت کم اهمیت، اذهان مخاطبان بین‌المللی خود را از پرداختن به حقایق موجود در جوامع تحت سلطه باز می‌دارد.

پنج غول مطبوعاتی و خبری جهان یعنی خبرگزاری‌های آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، رویتر،

فرانسوپرس و ایتارتاس همگی زاییده رقابت‌های دوران استعماری دو قرن گذشته‌اند. امپریالیسم خبری، در عصر استعماری قرن گذشته، به کمک قدرت‌های بزرگ در تلاش بوده است تا در مناطق تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی خویش، شبکه‌های خبری خود را بسط و گسترش دهند. هم‌اکنون در جهان بیش از ۱۲۰ خبرگزاری بزرگ و بین‌المللی، فعالیت دارند و هیچ یک از آنها به عنوان رقیبی برای این ۵ خبرگزاری و غول خبری نیستند.

ساختمان مرکزی خبررسانی بی‌بی‌سی در لندن

بررسی و گفتگو کنید

- دو مورد از شایعاتی را که در سال‌های اخیر توسط امپریالیسم خبری در جامعه منتشر شده‌است نام ببرید و چگونگی القای آن را تجزیه و تحلیل نمایید.
- چگونه می‌توان جامعه را در برابر تهاجم امپریالیسم رسانه‌ای مصون ساخت؟

امام موسی صدر :

– مطبوعات از مهم‌ترین میدان‌های جهادی و از برجسته‌ترین عوامل تکوین انسان مدنی است. این جایگاه والا وظایفی در قبال جامعه به‌عهدهٔ اصحاب مطبوعات می‌گذارد. همان‌طور که وظایفی در قبال اینان در عهدهٔ جامعه می‌نهد. وظیفهٔ اینان در قبال جامعه جهت‌دهی و روشنگری و خیرخواهی مخلصانه و بی‌شایبه است. حق آنان به جامعه نیز همان برخورداری از آزادی و پشتیبانی و تأمین امکاناتی است که او را از فساد و انحراف مصون بدارد.

– مطبوعات محرابی است برای پرستش خدا و خدمت به انسان‌ها و اگر از عهده وظایف خود برنیاید، دامگهِ شیطان و مایه تخریبِ انسانیّت خواهد بود، این عرصه از مهم‌ترین و حساس‌ترین میدان‌های جهاد است، زیرا افکار عمومی را شکل می‌دهد؛ فرهنگ‌آفرین است؛ خوراک روح را فراهم می‌آورد؛ مراحل جدید تکامل معنوی را پی می‌نهد؛ عواطف مردم را پیراسته می‌کند و آنان را به نیکی و راستی رهنمون می‌کند.

مطبوعات با نظارت بر جامعه و ارکانِ آن و با جهت‌دهی به دولت و حاکمیت و نهادها و با مشارکت در ساماندهیِ اقتصاد و سیاست و کوشش در تصحیح امور جامعه، در حقیقت، به جامعه بشری و محیط انسانی نظم می‌بخشد و به این ترتیب، خدمتگزار جامعه و فرد و انسانیت و، نتیجتاً، از ارکان کرامت بخشیدن به انسان و حفظ این کرامت است.

فرهنگ ما ایرانیان

فصل سوم

شهر سوخته با قدمت ۵۰۰۰ سال در سیستان

عمارت فاضلی ساری

مراسم گلاب گیری در قمصر کاشان

اهداف فصل سوم

در پایان این فصل، انتظار می‌رود دانش‌آموز:

۱ـ آشنایی لازم با سابقه فرهنگی ما ایرانیان را به‌دست آورد.

۲ـ مناسبات فرهنگ اسلام و ایران را تبیین کند.

۳ـ پیوستگی فرهنگی ایرانیان را درک کند و در تداوم آن بکوشد.

۴ـ با اهمیت و ضرورت انسجام فرهنگی آشنا باشد و برای تقویت وحدت ملی تلاش کند.

۵ـ روحیه «خودباوری فرهنگی» را در خود تقویت کرده باشد.

۶ـ به ویژگی‌های مثبت فرهنگ ایرانیان باور داشته باشد و توانایی اصلاح خلقیات منفی را به‌دست آورده باشد.

درس اوّل

تداوم و پیوستگی فرهنگی ما ایرانیان

فرهنگ ایران از گذشته‌های دور تاکنون

«تداوم فرهنگی» یا «پیوستگی فرهنگی» در یک کشور، به چه معناست؟ وجود تداوم فرهنگی، چه دستاوردها و پیامدهایی دارد؟

سرزمین ما ایران، یکی از تمدن‌های کهن و از جوامع دیرپا و کهن جهان است که سابقه تمدنی آن به بیش ازهفت هزار سال قبل می‌رسد و سکونتگاه نخستین انسان‌های ابزارساز بوده است. اجداد ما، در قالب اقوام مختلف، از هزاران سال قبل، در این سرزمین زیسته‌اند و فرهنگ و آداب و رسوم خاص خود را داشته‌اند. یکی از ویژگی‌های مهم فرهنگی ما ایرانیان، که در بین ملل دیگر به ندرت همتا و مشابه دارد، استمرار فرهنگی یا «تداوم و پیوستگی فرهنگی» آن در طول تاریخ است.

«تداوم و پیوستگی» فرهنگ ایرانی به این معناست که برخی از ویژگی‌ها و عناصر فرهنگ ایرانی در طول زمان حفظ شده و استمرار یافته و کمتر دچار تحولات بنیادی شده است.

فرهنگ ایرانی، در طول چند هزار سال گذشته، پایدار و منسجم باقی‌مانده و عناصر کلیدی و اصلی خود را در فراز و نشیب‌های فراوان، حفظ کرده است. این فرهنگ از نسلی به نسل بعد منتقل شده و تا امروز، تداوم یافته است. بسیاری از آداب و رسوم امروز ما، ریشه در تاریخ چند هزار ساله ایران دارد و نیاکان ما هم، همانند آن عمل می‌کردند. براین اساس، میان قدیمی‌ترین نشانه‌ها و آثار فرهنگی که در کاوش‌های باستان‌شناسانه و مطالعات تاریخی به‌دست آمده، و نیز میان آیین‌ها و مراسم باقی‌مانده از گذشته‌های دور، با عناصر فرهنگ کنونی ایرانیان، یک «پیوستگی» بارز و قابل اثبات، مشاهده می‌شود. این پیوستگی، نشان می‌دهد که به‌رغم گسست‌های سیاسی و تحولات عمیق در تاریخ این سرزمین، «فرهنگ ایرانی» دچار گسست نشده و سیر پیوسته و تکاملی خود را ادامه داده است.

تداوم و پیوستگی فرهنگی، به معنای عدم تغییر و تحول در فضای سیاسی و اجتماعی جامعه ایران نیست. جامعه ایران، مانند همهٔ جوامع دیگر، تحت تأثیر شرایط محیطی، تهاجمات خارجی، تغییرات آب‌وهوایی، مهاجرت‌ها و جابه‌جایی جمعیت، پدید آمدن و از بین رفتن شهرها و زیستگاه‌های انسانی و ... همواره دچار تغییراتی بوده است. آمد و رفت دولت‌ها و حکومت‌ها با گرایش‌ها و باورهای متفاوت و منافع خاص خود، باعث تحولات مهم در جامعه ایران شده است، اما آنچه در این میان ثابت مانده، عناصر اصلی فرهنگی و «روح جمعی» حاکم بر ایران است که «تداوم فرهنگی» را به اثبات می‌رساند. به بیان دیگر ما، در تاریخ طولانی خود، گسست سیاسی داشته‌ایم، اما گسست فرهنگی نداشته‌ایم.

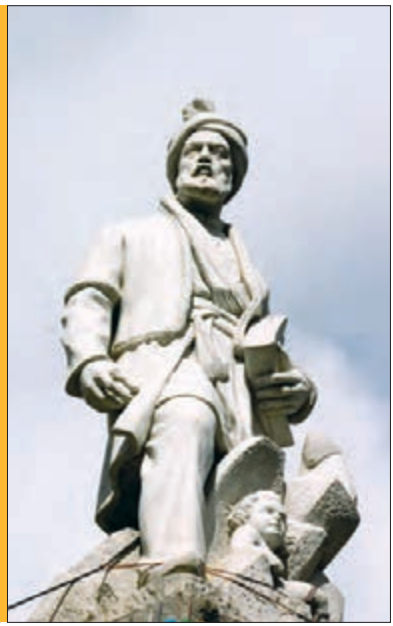

یکی از عناصر مهم فرهنگ، زبان و ادبیات است که آرمان‌ها، اهداف، باورها و رفتار مردم را متجلی و پایدار می‌سازد. پیوستگی فرهنگی سبب شده است تا زبان و ادبیات فارسی طی صدها سال، حفظ شده و اندک تغییراتی داشته است. به همین دلیل ما اشعار و ادبیات شاعران قرن‌های قبل مانند رودکی یا فردوسی را به خوبی و راحتی درک کرده و با آن ارتباط برقرار می‌کنیم.

ابعاد تداوم و پیوستگی فرهنگی ما ایرانیان، محدود به مرزهای داخل کشور نیست بلکه حوزه‌های دیگر، مانند آسیای مرکزی، منطقه قفقاز، افغانستان و شبه جزیره هند را هم در بر گرفته است. از دیگر ویژگی‌های نسبتاً ثابت فرهنگ ایرانی، باورها، اعتقادات، سبک زندگی و نحـــوه پوشش آنها است که در آثار مکتوب، سنگ‌نبشته‌ها، تصاویر و نقاشی‌های باقی‌مانده از گذشته، قابل مشاهده است وتداوم فرهنگی را به خوبی نشان می‌دهد.

پیوستگی فرهنگی، باعث ثبات هویت ملی، تقویت خودباوری، انباشت و نگهداشت تجربیات فرهنگی و افزایش توانایی برای بهره‌بردن از سرمایه‌های ملی و انسانی شده است.

تحقیق و گفتگو کنید

ابیات زیر از رودکی را کامل کنید و شباهت و تفاوت زبانی و معنایی آنها را با اشعار رایج امروز مشخص کنید:

ـ بوی جوی مولیان آید همی .....

ـ زمانه، چون نگری سر به سر همه پند است .....

بیشتر بدانیم

جشن نوروز

شواهدی از هزاره سوم پیش از میلاد به بعد، از برپایی دو جشن مهم ملی حکایت می‌کند: یکی در آغاز فصل گرما (جشن نوروز) و دیگری در آغاز فصل سرما (جشن مهرگان). این دو جشن در سراسر منطقه وسیع فلات ایران تا بین‌النهرین گسترده بوده و مراسم آن برگزار می‌شده است. ایرانیان در دوران هخامنشی به خوبی با «جشن نوروز» آشنا بوده‌اند. هر سال، مردمان و حاکمان ملل تابع هخامنشیان، با پوشاک قومی خود در تخت جمشید (پارسه) که کاخ و نیایشگاه هخامنشیان بوده، گرد می‌آمدند و «نوروز»را در حضور شاه و بزرگان کشور جشن می‌گرفتند.

در دوران تشرف ایرانیان به دین اسلام، جشن نوروز همچنان حفظ و گرامی داشته می‌شد و مورد تأیید رهبران مذهبی قرار می‌گرفت. در زمان سلطان ملک‌شاه سلجوقی (۴۹۵ـ۴۸۵ ق)، اوّل فروردین‌ماه به عنوان آغاز سال خورشیدی تثبیت شد و مراسم جشن، به مناسبت حلول سال جدید برگزار می‌شده است. از آیین‌ها و مراسم مرتبط با نوروز، می‌توان از «حاجی فیروز»، «خوان نوروز» (هفت سین)، «نوروزانه» (عیدی دادن) و «عید دیدنی» یاد کرد.

در قدیم، در صبح عید نوروز، ظرف خوراکی کودکانه‌ای که با کنجد، گندم، شاهدانه، نخودچی و کشمش پر شده بود و با یک بشقاب نان شیرینی به همراه تخم مرغ رنگی، به کوچک‌ترها عیدی داده می‌شد.

زنده کردن دوباره آیین میر نوروزی

آیین نوروز در دوره قاجار

بررسی و گفتگو کنید

به نظرشما، آداب و رسوم عید نوروز، چه نقشی در پیوستگی فرهنگی اقوام ایرانی دارد؟ از این مراسم،چگونه می‌توان برای تقویت پیوستگی با مردم سایر کشورهای حوزه تمدنی ایران، استفاده کرد؟

مراحل مهم تاریخ فرهنگی ایران

در درس تاریخ، با سیر تحولات تاریخی و «تاریخ سیاسی» ایران آشنا شده‌اید. «تاریخ فرهنگی» ایران نیز دارای سیر تحول و ویژگی‌های خاص خود است. با وجود یکپارچگی و پیوستگی فرهنگی ایران در طول تاریخ، چند دوران خاص در مسیر تحولات فرهنگی در این سرزمین، جایگاه برجسته و تعیین‌کننده دارند که شامل موارد زیر می‌باشند:

۱ـ دوران پیش از اسلام

ویژگی‌های فرهنگی ایران باستان، کدام است؟ همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام و گروه‌ها و مذاهب، در سرزمین پهناور ایران، چگونه بوده است؟ آیا پوشش و پوشیدگی زنان و مردان ایرانی، از آن زمان تاکنون استمرار یافته است؟

سنگ نگاره‌های تیمره (منطقه‌ای مابین سه استان اصفهان، مرکزی و لرستان)

سرزمین کنونی ما بخش بزرگی از یک واحد جغرافیایی به نام فلات ایران است. این سرزمین، با تنوع اقلیمی و زیستی خود، دارای وحدت و پیوستگی فرهنگی بوده است. مردمان ساکن در این منطقه، در دوران باستان، با بهره‌مندی از نبوغ و خلاقیت خود، توانستند تمدن بزرگی را بیافرینند و خدمات فراوانی به بشریت عرضه کنند.

طبق اسناد تاریخی و به گواهی بسیاری از مورخان، نویسندگان و حتی مستشرقان منصف، فرهنگ ایرانی در این دوران از برجستگی‌های ویژه‌ای برخوردار بوده است و مردم ایران به لحاظ فرهنگی، علاقه‌مند به دانش، صلح‌دوست، اهل مدارا ، هنردوست و راستگو بوده‌اند؛ به گونه‌ای که حتی مهاجمان و مهاجران به این سرزمین، پس از مدتی، تحت تأثیر فرهنگ ایرانی قرار گرفته و از پیروان آن شده‌اند.

طراحی و احداث بنای عظیم تخت جمشید، برپایی تمدن شهر سوخته در سیستان، تمدن جیرفت در کرمان، بنای ارگ بم و... نشان از هوش، ذکاوت، دانش فنی و رشد فرهنگی ایرانیان دارد.

تحقیق کنید

درباره «جندی‌شاپور» به عنوان یکی از مراکز علمی و پزشکی ایران قدیم، تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.

محوطه باستانی جندی شاپور

۲ـ دوران اسلامی

اسلام چگونه وارد ایران شد؟ دلیل پذیرش اسلام، توسط اکثریت ایرانیان چه بود؟

پس از بعثت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ابلاغ آخرین پیام الهی به جهانیان، ایرانیان نیز، مانند بسیاری از اقوام و گروه‌ها، مشتاقانه و آزادانه اسلام را پذیرفتند. معارف اسلام و جاذبه‌های فرهنگی و اجتماعی آن، از جمله توحیدمحوری، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، صلح‌دوستی، رأفت و اخوت و تکریم شخصیت انسانی، با هویت ملی ایرانیان نزدیکی و همخوانی داشت. تعالیم انسان‌دوستانه و مترقّی اسلام از یک سو، و تبعیض طبقاتی و ظلم و بی‌عدالتی حاکم بر کشور از سوی دیگر، سبب شد تا ایرانیان با اشتیاق کامل، اسلام را بپذیرند. آنان به تدریج و گام به گام، به اسلام ایمان آوردند و در طول تاریخ از آن حفاظت و صیانت کردند.

استقبال از اسلام و پذیرش آیین جدید براساس روحیه حقیقت‌جویی، پیوندی عمیق و همیشگی بین عناصر فرهنگی اسلام با عناصر فرهنگی ایرانیان، برقرار کرده و باعث تداوم فرهنگی ایرانیان شده است. توحیدگرایی ایرانیان و تجارب کشورداری وتمدن‌سازی ایشان، پیوند این دو فرهنگ را تقویت کرد، به‌گونه‌ای که دراین تعامل و ارتباط دوسویه، هم آموزه‌های متعالی اسلامی، فرهنگ و تمدن ایران را غنی ساخت و ارتقا بخشید و هم مسلمانان، با بهره‌گیری از تجربیات و دستاوردهای عظیم فرهنگی و تمدنی ایران پیش از اسلام، تمدن اسلامی را شکوفا نمودند.

بیشتر بدانیم

بعد فرهنگی اسلام مهم‌ترین و اساسی‌ترین بعد اسلام است. تصادفی نیست که وحی الهی بر پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله با این آیات شروع شده است: «إقرأ و ربک الأکرم ألذی علم بالقلم علم الإنسان ما لم یعلم.» مسلّم است که آغاز وحی الهی با این آیات، اهمیت و اساسی‌بودن بعد فرهنگی اسلام را نشان می‌دهد.

مسجد نصیر الملک در شیراز نمادی از معماری اسلامی

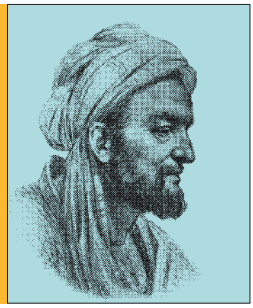

ایران در قرون طلایی تمدن اسلامی، کانون شکوفایی و رشد تمدن اسلام بوده است و دانشمندان و اندیشمندان بزرگی در رشته‌ها و حوزه‌های علمی مختلف، در این سرزمین ظهور کردند که از جمله آنان، ابونصر فارابی، محمدبن زکریای رازی، ابوریحان بیرونی، ابن‌سینا، مولوی، حافظ، سعدی و بسیاری دیگر، شهرت جهانی دارند. آنان تلاش بسیاری در حفظ زبان فارسی به‌عنوان عامل هویت‌بخش ایرانی داشته‌اند و با استفاده از ظرفیت زبان عربی، برای غنی‌سازی و ارتقای آن کوشیدند و آن را به زبان دوم جهان اسلام تبدیل کردند.

افزون بر این، مسلمانان برای اداره و حفظ قلمرو خود، آیین مملکت‌داری و سازمان‌های دیوانی را از ممالک متمدن، و بیش از همه از ایرانیان، فراگرفتند و برای کسب مهارت و فنون، به انتقال میراث تمدن کهن ایران پرداختند. این رویکرد، باعث تقویت بنیان‌های تمدن نوپای اسلامی و احیای تمدن کهن ایران شد.

انتقال فرهنگ ایران از دوران ساسانی به دوران اسلامی، به یک باره روی نداد، بلکه طی مدتی طولانی و آرام‌آرام صورت گرفت. همین انتقال تدریجی، باعث شد شناخت ایرانیان از اسلام، براساس رفتار خشونت‌آمیز و عملکرد غیردینی برخی از مدعیان دین و یا تحت تأثیر تعصبات ناروای حاکمان اموی و عباسی، صورت نگیرد، بلکه ایرانیان، تعالیم اسلام را با تفکر و تحقیق و بررسی، از سرچشمه زلال آن، یعنی آیات قرآنی و معارف نبوی و اهل بیت علیهم‌السلام به دست آوردند. به همین سبب، فرهیختگان ایرانی، افق دید و باورشان از اسلام، بسیار ژرف‌تر از دایرهٔ تنگ نظری‌های خلفای اموی و عباسی بوده و از این‌رو توانستند خدمات بسیار ارزنده‌ای به جامعه اسلامی و جامعه جهانی عرضه کنند.

با پذیرش اسلام، پیوستگی فرهنگی ایرانیان، نه تنها تضعیف نشد، بلکه فرهنگ ایرانی بالنده و متعالی شد. این پیوستگی فرهنگی و نقش تأثیرگذار و تعیین کننده آن، به حدی است که امروزه سخن گفتن از تمدن اسلامی بدون نام ایران، امکان‌پذیر نیست، همچنان که فرهنگ ایرانی از تعالیم اسلامی و آموزه‌های وحیانی، جدایی‌ناپذیر است. در نتیجه، باید از خدمات متقابل ایران و اسلام سخن گفت. عناصر این دو فرهنگ،چنان در هم تنیده و آمیخته شده‌اند که تفکیک آنها از هم و دوپاره کردن آنها، امکان‌پذیرنیست. ترکیب آنها با هم، یک کلّ واحد و منسجم را ساخته است، به‌طوری که امروزه ما با یک فرهنگ و هویت در هم تنیده و یکپارچه روبه‌رو هستیم.

سقف آرامگاه حافظ در شیراز نمونه‌ای زیبا از ترکیب معماری ایرانی ــ اسلامی

بررسی و تحقیق کرده و درباره نتیجه آن در کلاس گفت‌وگو کنید

مرکز آموزشی «ربع رشیدی»، در چه زمانی و توسط چه کسی و در کجا ساخته شد؟ ویژگی‌های علمی و فرهنگی آن چیست؟ تأکید اسلام بر علم‌آموزی و عمومی کردن دانش، چه تأثیری بر گسترش مراکز آموزشی داشته است؟

بیشتر بدانیم

مسجد امام اصفهان؛ نمونه‌ای از ترکیب فرهنگ اسلام و ایران با هنر و صنعت روز

سنت‌های ملی و آرمان‌ها و شعائر و مفاهیم دینی، در «مسجد امام اصفهان»، با عظمت و شکوهی تحسین‌برانگیز، تجلی یافته و آن را در شمار یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای معماری جهان قرار داده است. جلوخان مسجد، حالتی دعوت‌کننده دارد و جمعیت بیرون را به پناه، امنیت، آرامش و معنویت در مسجد فرا می‌خواند. نمای حیاط، به دالان‌ها و طاقچه‌ها و توده‌های مُقَرنَس‌های روشن و نوارهای بلندی از کتیبه‌های سفید درخشان آراسته است و سراسر آن را کاشی‌های معرّق الوان پوشانده که مایه‌های آبی بر بالای پوشش زیرین مرمر آن با مایه‌های طلایی آمیخته است.

دو قاب که در دو طرف مدخل قرار گرفته، طرح سجاده دارد که نمازگزار بر روی آن نماز می‌خواند. جلوخان رو به شمال است؛ همچنان که ضرورت میدان بوده، ولی از آنجا که محراب می‌باید رو به قبله باشد، یعنی شمال شرق به جنوب غرب، برای جلوگیری از قِناس‌شدن بنا، سلیقه و دقت بسیار به کار رفته است. شخص از جلوخان وارد دهلیزی عالی می‌شود که از ویژگی‌های فرهنگی بناهای تاریخی ایران از زمان‌های قدیم بوده و هدف از آن، دور داشتن محارم منزل، از نگاه نامحرم بوده است. این دهلیز، مدوّر است و از این رو هیچ وجهی ندارد و می‌توان آن را پاشنه‌ای در نظر گرفت که محور بنا به روی آن می‌چرخد. دهلیز، رو به طاق بلند ایوان شمالی باز می‌شود و از عمق تاریک آن، انسان ناگهان حیاط روشن از آفتاب را می‌بیند. اگر در بناهای دیگر، شکوه رنگ و عظمت سردر و گنبد خیره‌کننده است، در این بنا، تکرار خوش‌آهنگ عناصر ساختمانی و طاق‌نماهای متقارن و ایوان‌های متعادل و آرامش حوض بزرگ وضو و اثر یک‌دست‌کنندهٔ رنگی فراگیر، که در همه‌جا گسترده، چشم بیننده را خیره می‌کند.

نقشهٔ پِی و ساختمان بنا، هر دو نشان‌دهندهٔ اعتقاد به سادگیِ اسلامی است و مفهومی بنیادی را نمایان و بیان می‌کند که همانا برادری و برابری مؤمنانی است که همگی از دسترسیِ بی‌واسطه به رحمت خداوندی برخوردار شده‌اند.

تزیینات، همگی سنتی است و تکرار نقش‌های نمادی ایران باستان در زمینهٔ نعمت و برکت. تقریباً سراسر سطح بنا، با کاشی‌های لعاب‌دار پوشیده شده که پر از نقش و نگارِ گل و بوته به‌صورت مجرد و تخیلی است.

از آفتاب بزرگ زرینِ نوک گنبد، که زندگی‌بخشی‌اش از طریق تودهٔ عظیم گل و بوته‌ها منتشر می‌شود، تا طاق‌های بلند و قاب‌های آراسته به هزاران شکوفه و گل ستاره مانند تا پیچک‌های سیّال شبکه‌های پنجره‌ها و در کل همهٔ این آرایش‌ها، تأکیدی است بر علاقهٔ ایرانی‌ها به رویش و عشق شاعرانه‌شان به گل.

این مسجد، با نقشه و ساختارش، شیوهٔ زندگی اسلامی را آشکار و با هزاران کتیبه‌اش، آیات قرآنی را باز می‌گوید.

۳ـ دوران جدید

ارتباطات و تعاملات فرهنگی ایرانیان با تمدن جدید غرب، از چه زمانی و چگونه آغاز شده است؟ این ارتباطات، چه پیامدهای فرهنگی، به همراه داشته است؟ اعزام دانشجو به غرب، در چه دوره‌ای انجام شد؟

عکس یادگاری در مقابل سالن مک کورمیک کالج آمریکایی تهران

فرهنگ مدرن، پس از رنسانس در اروپا، با نفی فرهنگ سنتی رایج و براساس اندیشه «انسان محوری»، به وجود آمد و دوران «مدرنیته» و «مدرنیسم» شکل گرفت. در گذر زمان، این فرهنگ و مبانی فلسفی و نظری آن، به همراه دستاوردهای عینی و مادی مدرن، به سایر کشورها از جمله ایران، منتقل شد و مبادلات فرهنگی غرب با دیگران، براساس اندیشه و فرهنگ جدید، آغاز شد.

پیشینه تعامل ایرانیان با «غرب جدید»، به دوره صفویه، در سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی می‌رسد، اما اوج ورود مدرنیته به ایران، در دوره قاجار و پهلوی بوده است که در خلال آن، حکومت و برخی از روشنفکران، با خودباختگی کامل، و برتر دانستن فرهنگ غرب، سعی در پذیرش و الگوپذیری بی‌چون و چرا از آنان را داشته‌اند. آنها با وارد کردن صنایع و کالاهای غربی، در تلاش بوده‌اند تا ظواهری از فرهنگ غرب را نیز به کشور وارد کرده و حاکم نمایند. ضعف و انحطاط حکومت‌های سیاسی در این دوره، ضعف فکری و فرهنگی را به همراه داشت و با تضعیف «خودباوری ملی»، فرهنگ «غرب‌گرایی» در کشور ترویج می‌شد.

تمدن جدید غرب، برای گسترش حوزه فرهنگی و تأمین منابع اقتصادی خویش، در تلاش بوده است با هجوم به سایر فرهنگ‌ها، فرهنگ «دیگران» را تضعیف و تخریب نماید و از این طریق فرهنگ «خود» را حاکم سازد. ایرانیان نیز مانند سایر کشورها، در معرض هجمه‌های فرهنگی غرب قرارگرفتند و نشانه‌ها و نمودهایی از «خودبیگانگی فرهنگی» در کشور، آشکار شد. این خودباختگی در برابر فرهنگ مهاجم، زمینه گسست فرهنگی و از بین رفتن سرمایه‌ها و میراث ارزشمند فرهنگی را به همراه آورد. اما متفکران انقلابی

و مسلمان مانند «حضرت امام خمینی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، استاد شهید مرتضی مطهری، جلال آل‌احمد و دکتر علی شریعتی» بر این خودباختگی شوریدند و موجبات بیداری و هوشیاری جامعه را فراهم آوردند.

در این رویارویی فرهنگی، ایرانیان توانستند برخلاف بسیاری دیگر از ملت‌ها و فرهنگ‌ها، جوهره و اصالت فرهنگی خویش را حفظ کنند و واکنش سازنده‌ای نسبت به فرهنگ غرب داشته باشند.آنان با تکیه بر پیشینه تمدنی و فرهنگی خود، سعی کردند هوشمندانه و آگاهانه با تمدن جدید روبه‌رو شوند، به نحوی که مقهور و مرعوب آنان نشده، و برخی از عناصر فرهنگ غرب را که با فرهنگ بومی همخوانی و همسویی داشت به تدریج پذیرفتند و برخی دیگر را رد کردند. در نتیجه تداوم و پیوستگی فرهنگی خود را حفظ نمودند.

بررسی و تحقیق کرده و درباره نتیجه آن در کلاس گفت‌وگو کنید

خودباوری فرهنگی به چه معناست؟ آثار و نشانه‌های آن کدام است؟ برای تقویت «خودباوری فرهنگی» چه باید کرد؟

پیشتر بدانیم

تحریف تاریخ:

میرزا فتحعلی آخوندزاده

برخی از نویسندگان ایرانی، مانند جلال‌الدین میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۸۹ـ۱۲۳۴ ق)، میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۲۹۵ـ۱۲۲۸ ق)، میرزا ملکم خان (۱۳۲۶ـ۱۲۴۹ق)، آقاخان کرمانی (۱۳۱۴ـ ۱۲۷۰ق)، که مروج آرای نویسندگان قرن هجدهم فرانسه، از جمله منتسکیو، ولتر و روسو در ایران بودند، سخنان بی‌اساس و کینه‌توزانه‌ای در مورد ورود اسلام به ایران بیان کرده‌اند که فاقد ژرف‌اندیشی علمی و سند تاریخی است.

این گروه با ترویج غرب‌گرایی و گسترش ارزش‌های غربی، بزرگداشت افراطی اساطیر ایران باستان، تلاش برای تغییر خط ایران به خط پهلوی، برتری دادن ملیت ایرانی بر سایر ملل، بیزاری از ورود اسلام به ایران و حمله مغولان به ایران، درصدد بودند تصویری منفی و سیاه، از اسلام ارائه کنند و دین آسمانی و وحیانی اسلام را، دین اعراب جاهلی معرفی نمایند.

این رویکرد نادرست در دوران پهلوی، مورد حمایت قرار گرفت و به تعارض میان پیشینه هویتی ایرانیان منجر شد. در این دوره، وابستگان به رژیم شاهنشاهی و دلدادگان فرهنگ غرب، با برگزاری جشن‌های دو هزار و پانصد ساله کوشیدند تا میان مؤلفه‌های فرهنگی ایران و اسلام اختلاف و فاصله ایجاد کنند.

۴ـ دوران انقلاب اسلامی

عناصر اصلی شکل‌گیری انقلاب اسلامی کدام است؟ اعتقادات و باورهای فرهنگی مردم، چه نقشی در پیدایش و پیروزی انقلاب داشته است؟ ارزش‌های انقلاب اسلامی چگونه می‌تواند پیوستگی فرهنگی و پویایی آن را تداوم بخشد؟

انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یکی از انقلاب‌های برجسته قرن بیستم، یک انقلاب فرهنگی است که ریشه در اعتقادات، باورها و ارزش‌های مردم ایران دارد و از تعالیم آسمانی اسلام، سرچشمه گرفته است. پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی رحمه‌الله، و حضور گسترده و ایثارگرانه مردم، سرآغاز دوران جدیدی برای تقویت «خودباوری»، و بازگشت به ارزش‌ها و باورهای فرهنگ توحیدی و در نهایت «تداوم فرهنگی» به حساب می‌آید.

از آنجا که در دوره پهلوی، اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی مردم، مورد هجوم حکومت و غرب‌گرایان قرار می‌گرفت، در دوره انقلاب اسلامی، با بازگشت به خویش، تلاش می‌شود تا معارف و ارزش‌های اسلامی در جامعه حاکم و هویت اسلامی و ایرانی مردم تقویت شود.

دشمنان انقلاب و مردم، با درک اهداف و پیام‌های خداباورانه آن، از آغازین روزهای پیروزی، درصدد مخالفت با آن برآمدند و از تمام امکانات و ظرفیت‌های خود، برای شکست و نابودی انقلاب اسلامی استفاده کرده‌اند. اوج این تهاجم‌ها، در جنگ تحمیلی هشت ساله قابل مشاهده و مطالعه است که رژیم متجاوز صدام، به نمایندگی از امپریالیسم جهانی و با مشارکت و حمایت بسیاری از کشورها، با ارتشی مجهز و تجهیزات نظامی فراوان، به ایران حمله کرد. حمله صدام و حامیانش، صرفاً حمله به خاک ایران نبود، بلکه علاوه بر آن، به باورها، ارزش‌ها و فرهنگ دینی و انقلابی مردم ایران حمله کردند. حضور آگاهانه و داوطلبانه مردم از تمام اقوام و گروه‌ها در جبهه‌های نبرد و هوشیاری و حسن تدبیر رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مجاهدت‌ها و ازجان گذشتگی به‌یادماندنی رزمندگان، ایثارگران و شهدای گران‌قدر و برخورداری آنان از روحیه خداباوری و دین‌مداری، سلحشوری، ظلم‌ستیزی، وطن‌دوستی، فتوت و غیرتمندی، باعث پیروزی لشکریان اسلام و حفظ هویت و پیوستگی فرهنگی شد. در این جنگ نابرابر، نه تنها یک وجب از خاک ایران عزیز در اشغال آنان باقی نماند، بلکه ارزش‌های فرهنگی، تداوم یافت و «پیوستگی فرهنگی» تقویت شد.

صیانت از میراث فرهنگی

همان‌گونه که خواندیم، فرهنگ امروز ما، از گذشته‌های بسیار دور، نسل به نسل، منتقل شده و به عنوان «میراث فرهنگی» به ما رسیده است. در این مسیر طولانی و پرفراز و نشیب، نیاکان و اجداد ما، تلاش‌ها، مجاهدت‌ها و جان‌فشانی‌های فراوانی کرده‌اند تا بتوانند از هویت ملی و فرهنگ اسلامی ـ ایرانی خویش پاسداری کنند.

بسی رنج بردم در این سال سی — عجم زنده کردم بدین پارسی

پی افکندم از نظم کاخی بلند — که از باد و باران نیابد گزند

«فردوسی»

گاهی مفهوم «میراث فرهنگی» تنها به بناها و آثار مشهود باقی‌مانده از گذشته گفته می‌شود؛ در صورتی که با توجه به تعاریف فرهنگ که قبلاً آموخته‌اید، «میراث فرهنگی» شامل تمام آثار باقی‌مانده از گذشتگان است که دارای ارزش فرهنگی هستند. این آثار می‌تواند در برگیرنده آثار محسوس و ملموس (مانند بناهای باستانی، ظروف، مجسمه‌ها و...) یا آثار نامحسوس و ناملموس (مانند آداب و رسوم، اعتقادات، سبک زندگی و...) باشد که امروزه در زندگی ما جریان دارد. آنچه امروز، از آثار فرهنگ محسوس می‌بینیم، دو برابر کل فرهنگ و مواریث فرهنگی، مانند قطعه یخی در اقیانوس است که تنها بخشی از آن دیده می‌شود، در حالی که ریشه‌های ناپیدای فراوان دارد. میراث فرهنگی، هویت و شخصیت جمعی یک ملت است؛ بنابراین، همگان در پاسداری و نگهداشت آن مسئولیت دارند. امروزه که فرهنگ خدا محور اسلام با فرهنگ انسان محور غرب، رو در روی یکدیگر قرار گرفته‌اند، و نظام سلطه با بهره‌گیری از تمام امکانات و ظرفیت خویش، درصدد گسترش و حاکمیت فرهنگ غرب در جهان بوده و با هجوم فرهنگی به جوامع دیگر، به تضعیف و نابودی سایر فرهنگ‌ها می‌اندیشد، لازم است با هوشیاری، از فرهنگ خودی (اعم از فرهنگ محسوس و غیرمحسوس) صیانت کنیم، و امانت‌دار میراث گران‌بهای فرهنگمان باشیم و آن را به آیندگان تحویل دهیم.

بازسازی و مرمت ارگ بم

«تداوم فرهنگی» و انتقال آن به آیندگان، نیازمند «خودباوری فرهنگی» و مسئولیت‌پذیری اجتماعی فردفرد ماست. حفظ سرزمین ما، در گروی حفظ فرهنگ است، و حفظ میراث فرهنگ غنی ملی ما، نیازمند آگاهی و هوشمندی و خودباوری جوانان این مرز و بوم است.

تعزیه‌خوانی

از زمان تشرف ایرانیان به دین اسلام، مردم ایران به ائمهٔ معصوم علیهم‌السلام، عشق و ارادتی خالصانه می‌ورزیدند. پس از شهادت جانسوز حضرت امام حسین علیه‌السلام و یاران ایشان در صحرای کربلا، رفته‌رفته رسم تعزیت‌داری و سوگواری و گریستن بر شهادت شهیدان دین در ایران رایج شد تا اینکه در قرن‌های اوّل و دوم هجری، وجهی اجتماعی و نمود گسترده در سطح جامعه یافت؛ به‌طوری که در دوران حکومت آل بویه بر بغداد، این خاندان که شیعه و دوستدار اهل‌بیت علیهم‌السلام بودند، مردم را به عزاداری در نخستین دههٔ محرم، فرا می‌خواندند و آیین‌هایی را که تا آن زمان، برای برگزاری باشکوه این مراسم رایج شده بود، پاس می‌داشتند. به موازات برگزاری این مراسم، گونه‌ای از تاریخ‌نگاری حادثهٔ عاشورا رشد کرد که امروزه «مقتل‌نگاری» خوانده می‌شود. نویسنده مقتل، برای تهییج خواننده یا شنوندهٔ رویداد مورد نظر جنبه‌های تصویری ماجرا را بسیار پررنگ و پرشور و حرارت روایت می‌کرد.

در کنار دو سنت عزاداری دسته‌جمعی و روضه‌خوانی، شیوهٔ دیگری نیز برای هرچه بهتر نمایش دادن آنچه بر ائمه و پیشوایان گذشته بود، به کار گرفته شد که به آن، «شبیه‌خوانی» می‌گویند. شبیه‌خوانی در دوره صفویه در ایران رواج یافت و در دوره قاجاریه، به اوج کامل خود رسید و به‌نوعی، به تئاتر بومی و ملی ایران تبدیل شد؛ با این تفاوت که در شبیه‌خوانی، رویدادها چنان واقعی به نظر می‌رسید که گاه، «اشقیاء خوانان»، یعنی کسانی که نقش منفی را برعهده داشتند، در حین نمایش، بر مصائب حضرت امام حسین علیه‌السلام و یاران ایشان می‌گریستند.

با ظهور سلسلهٔ پهلوی و فرمان رضاشاه مبنی بر غدغن کردن برگزاری مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی در سال ۱۳۱۱ش، و همچنین، گسترش جنگ جهانی دوم که مردم ایران را درگیر خود کرد، با وجود کوشش‌هایی که از سوی بازماندهٔ تعزیه‌خوانان انجام گرفت، دیگر تعزیه و شبیه‌خوانی جایگاه پیشین خود را به‌دست نیاورد.

در سال‌های اخیر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، علاقه‌مندان به سنت‌ها و رسوم ریشه‌دار ایرانی، می‌کوشند متون، شیوه‌های قرائت و ایفای نقش و حتی محل‌ها و جایگاه‌های برگزاری تعزیه را احیا کنند.

یادآوری: جشن نوروز و سنت تعزیه‌خوانی، به عنوان میراث فرهنگی و جهان‌شمول، در سازمان فرهنگی یونسکو به ثبت رسیده است.

درس دوم

انسجام فرهنگی ما ایرانیان

اقوام ایرانی، با هم و در کنار هم

در مدرسه شما، دانش‌آموزان از چه گروه‌های قومی هستند و با چه لهجه‌ها و زبان‌هایی سخن می‌گویند؟ این تنوع و تکثر فرهنگی، چه فرصت‌هایی دارد و با چه تهدیدهایی روبه‌روست؟

همان‌گونه که در درس‌های قبل آموختید سرزمین ما ایران، کشوری وسیع و کهن و با تاریخ بیش از هفت هزار ساله است که اقوام مختلف با اعتقادات، آیین‌ها و عادت‌های گوناگون در آن زندگی می‌کنند. «ملت ایران» واقعیتی است یک‌پارچه از همه این تنوع‌ها و تکثرها که تاریخ مشترک، منافع مشترک، رنج‌ها و شادی‌های مشترک و اعتقادات و آرمان‌های مشترک، آنان را به هم پیوند زده و «موزائیک فرهنگی» اقوام را در ایران تشکیل داده است. ایران ما، به دلیل موقعیت جغرافیایی و سیاسی، شرایط آب و هوایی و زیستی، در طول تاریخ، همواره محل عبور و زندگی اقوام و ایلات مختلف با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متفاوت و متنوع بوده است. به همین دلیل، ایران را خاستگاه تنوع و چندگانگی فرهنگی دانسته‌اند و به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب از آن یاد می‌کنند. بدین جهت کشور ما در زمره کشورهای «چند فرهنگی» قلمداد می‌شود.

ما اگر به سایر نقاط و استان‌های کشور سفر کنیم، مشاهده می‌کنیم که با هم‌وطنان ساکن در این مناطق ونواحی، وجه مشترک فراوانی داریم و در بین آنها احساس غربت و تنهایی نمی‌کنیم. زبان رسمی کشور ما، فارسی است، هرچند زبان و گویش قومی ومحلی نیز وجود دارد. دین اکثریت ملت ما، اسلام است، درحالی که مذاهب مختلف دیگری نیز وجود دارد و آنها را به رسمیت شناخته‌ایم، هم‌وطنان ما در استان‌های دیگر، از نظر لباس و پوشش، شباهت‌های زیادی با ما دارند، هرچند امکان دارد مدل و رنگ لباس آنها با ما متفاوت باشد. در برگزاری مراسم دینی و ملی مانند بزرگداشت ماه محرم، و یا برپایی جشن عید نوروز، بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی، وجوه مشترک فراوان داریم. علاوه بر آن، همه ما ایرانیان عشق و علاقه عمیقی به کشورمان داریم و با الهام از حدیث آموزنده «حب‌الوطن من الایمان»، دوست داشتن ایران را عزیز و مهم می‌دانیم.

به بیان دیگر، ما ایرانیان، علی‌رغم تفاوت‌ها، دارای باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای مشترک فراوان و نیز تاریخ و سرنوشت مشترک هستیم و احساس تعلق قوی برای به هم پیوستگی و «انسجام فرهنگی» بین ما وجود دارد. در نتیجه «انسجام فرهنگی» عبارت است از: «مجموعه‌ای از مشترکات فرهنگی محسوس و غیرمحسوس در جامعه که امکان تداوم آنها وجود دارد».

تنوع و گوناگونی فرهنگ در ایران

به کدام یک از استان‌های ایران سفر کرده‌اید؟ مردم آنجا دارای چه ویژگی‌های فرهنگی هستند؟ درباره کدام یک از اقوام ایرانی و آداب و رسوم آنها مطالعه دارید؟

در همه جوامع، گروه‌هایی باویژگی‌های فرهنگی مختص به خود وجود دارند که آنها را از فرهنگ اصلی و مسلط جامعه مجزا و متمایز می‌کند. این گروه‌ها، گرچه دارای ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ محسوس ویژه خود هستند، اما مبانی و وجوه مشترک فراوانی با فرهنگ جامعه دارند. این گروه‌های درون جامعه ملی را «خرده فرهنگ» می‌نامند.

جامعه ایران، علاوه بر دارا بودن «خرده فرهنگ‌های» متعدد، دارای « تنوع فرهنگی» نیز هست و هریک از اقوام ایرانی، باپیشینه تاریخی خود، باورها وآداب و رسوم خاص خود را دارند و روش زندگی آنان باهم متفاوت است. تنوع فرهنگی در تفاوت‌های زبانی و لهجه‌ای، اعتقادات دینی و مذهبی، آداب‌ورسوم و سبک زندگی و... نمود می‌یابد.

بررسی کنید

آیا تاکنون در جشنواره‌های فرهنگی و هنری و یا مسابقات ورزشی دانش‌آموزی شرکت کرده‌اید؟ یکی از برنامه‌های این مراسم، خیرمقدم گفتن نمایندگان استان‌ها، به زبان و گویش محلی و با لباس و پوشش سنتی است که مورد استقبال و تشویق شرکت‌کنندگان قرار می‌گیرد. آیا می‌توانید جمله زیر را با کمک سایر دانش‌آموزان به زبان‌ها و گویش‌های مختلف، در کلاس اجرا کنید؟

«دوستان عزیز سلام، ازدیدن شما و آشنایی با شما خوشحال هستم. موفقیت شما را تبریک می‌گویم. ما «همه با هم» باید کشورمان را بسازیم وآن را توسعه دهیم.»

آیا تفاوت لغات و واژگان در این زبان‌ها و گویش‌ها، تفاوت معنا و مفهوم را به همراه دارد؟ آیا این تفاوت‌ها می‌تواند باعث برتری یک زبان یا یک فرد بر دیگری باشد؟

دلایل تنوع فرهنگی

چرا مردمان سرزمین ما ایران، دارای آداب، رسوم و هنجارهای متفاوت هستند؟ علل تنوع فرهنگی کشور ما چیست؟ آیا تنوع و تکثر فرهنگی در سایر کشورها هم وجود دارد؟

بندری‌دوزی

نمد مالی در ایلام

مس‌گری در اصفهان

دلایل تنوع و تکثر فرهنگی موجود در جامعه ایران، عبارت‌اند از:

۱ـ پیشینه تاریخی: گروه‌ها و اقوام مختلف با فرهنگ خاص خود، در طول هزاران سال به سرزمین ایران وارد شده و در این سرزمین سکنی گزیده‌اند. این اقوام پایه‌های جامعه ایرانی را شکل داده و جزئی از فرهنگ ایرانی شده‌اند.

۲ـ عوامل جغرافیایی: سرزمین پهناور و گسترده ایران ما، دارای اقلیم‌های متنوع است. شرایط متفاوت آب و هوایی، زندگی در مناطق کوهستانی، دشت‌ها، مناطق خشک، سواحل دریا و... باعث تفاوت در سبک زندگی و تنوع فرهنگی شده است و مردمان ساکن در این مناطق، برای انطباق با شرایط محیطی، نوع خاصی از لباس، غذا، ساخت خانه و معماری، مشاغل، مراسم و آیین‌ها و... را برای خود برگزیده‌اند.

۳ـ شرایط اقتصادی و اجتماعی: شکل‌های مختلف زندگی شهری، روستایی، عشایری و تفاوت درشرایط اقتصادی و اجتماعی را به‌وجود آورده است. براساس تفاوت سطح درآمدها و شرایط مادی، به‌طور طبیعی، طبقات اقتصادی و اجتماعی متفاوت شکل گرفت و نمادها، الگوها و ارزش‌های گوناگون و سبک‌های زندگی و فرهنگ‌های متنوع، پدیدار شده است.

بررسی کنید

مشاغل و حرفه‌هایی مانند شالی کاری در گیلان و مازندران، ماهیگیری در سواحل خلیج فارس، زعفران کاری در خراسان، کشت پنبه در گلستان، دامپروری در مناطق عشایری و نظایر آنها چه ویژگی‌های فرهنگی را در مناطق خود به‌وجود آورده است؟

تحقیق کنید

به چند گروه دانش‌آموزی تقسیم شوید و درباره یکی از موضوعات زیر تحقیق کنید و نتیجه را به کلاس گزارش دهید:

ویژگی‌های فرهنگی هریک از اقوام یا گروه‌های ایرانی، مانند: ترکمن‌ها، آذری‌ها و ترک زبان‌ها، بلوچ‌ها، کردها، تات‌ها، تالش‌ها، لرها، فارس‌ها، عرب‌ها، قشقایی‌ها، شاهسون‌ها و... کدام است؟ هر یک دارای چه آداب و رسومی هستند؟ وجه مشترک فرهنگی آنها که هویت ملی ما ایرانیان را می‌سازد کدام‌اند؟

تنوع فرهنگی، فرصت یا تهدید؟

هویت ملی ما ایرانیان، ترکیبی از مجموع هویت‌های دینی، ملی وقومی است که اندیشه‌ها، آداب و رسوم و محصولات فرهنگی متفاوتی را دربرمی‌گیرد و به عنوان یک هویت واحد و منسجم زمینه غنا و بقای فرهنگ اسلامی ـ ایرانی را فراهم می‌آورد. این تنوع فرهنگی، ظرفیت‌های بالای انسانی و سرمایه‌های فراوان فکری ومعنوی را برای کشور به‌وجود می‌آورد که درصورت هوشیاری و مدیریت صحیح، می‌تواند زمینه‌ساز رشد و تعالی کشور شود.

اقوام، زنان و پیروان مذاهب مختلف در صحنه دفاع مقدس

نگاه فرصتی به تنوع فرهنگی در کشور، و تأکید بر وجوه مشترک ملی، درعین توجه به تفاوت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی (الگوی وحدت در کثرت)، راهبردی است که درقانون اساسی و سایر قوانین ومقررات و سیاست‌های کلی مورد توجه بوده است. این رویکرد، باعث تقویت انسجام فرهنگی و استمرار پیوستگی فرهنگی است.

«یکسان‌سازی» فرهنگی و نادیده گرفتن تفاوت‌ها، باعث نارضایتی فرهنگ‌های محلی و قومی می‌شود و انسجام ملی را آسیب‌پذیر می‌سازد و می‌تواند تنوع فرهنگی را به تهدید تبدیل کند، چنان که برخی از دولت‌های ملی در سایر کشورهای چند فرهنگی، در دو قرن گذشته، باچالش‌های قومی، مذهبی، منطقه‌ای روبه‌رو بوده‌اند و سرمایه‌ها و امکانات مادی و معنوی آنها، در اثر جنگ‌ها و اختلافات درونی، از بین رفته است.

بیشتر بدانید

هندوستان، بزرگ‌ترین کشور فدرال دنیاست که با تنوع نژادی، فرهنگی، زبانی و مذهبی، چشم‌انداز شگرفی از مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز را میان اقوام و باورهای گوناگون محقق کرده است. اکنون بیش از ۸۰ درصد هندو مذهب، در کنار بیش از میلیون‌ها مسلمان (حدود ۱۳/۵ درصد) و اقوام دیگر با ۱۸ زبان و ۱۶۵۲ گویش گوناگون، در سراسر هند وجود دارند.

ویژگی‌های فرهنگی مردم این کشور بزرگ، مانند: تواضع و فروتنی، خودباوری و باور عملی به توان بومی، تلاش برای گسترش شادی و نشاط و آرامش عمومی، بها دادن به نقاط مشترک و حفظ وحدت ملی، سبب شده است تاحاکمان بتوانند از تنش‌های قومی، مذهبی و زبانی موجود بکاهند و این کشور وسیع را، با تنوع بسیار حفظ کنند و در زمره چند کشور پیشرفته و توسعه‌یافته جهان قرار دهند. آنان با سیاست‌گذاری صحیح، موفق شدند «واگرایی فرهنگی» را به «هم‌گرایی فرهنگی» تبدیل کنند.

ضرورت تقویت انسجام فرهنگی

خلیج فارس نماد جاودانگی ایرانیان

قرار گرفتن کشور ما در منطقه استراتژیک خاورمیانه، وجود منابع عظیم انرژی در آن، مرزهای آبی وسیع در خلیج فارس و دریای عمان و دسترسی آسان به آب‌های بین‌المللی، معادن و ذخایر گران‌بهای طبیعی، وجود سرمایه انسانی خلاق و با استعداد، پیروزی انقلاب اسلامی با آرمان‌های بلند ملی و جهانی و قدرت، همه و همه از ایران، کشوری با جایگاه ویژه و مقتدر ساخته است. این موقعیت، مورد طمع نظام سلطه جهانی قرار گرفته است. آنها سعی می‌کنند به منظور کسب منافع خود، با ایجاد اختلافات قومی، دینی، مذهبی و دامن زدن به نارضایتی‌های عمومی، زمینه تضعیف انسجام ملی و تخریب جایگاه ایران را فراهم آورند.

بنابراین، دستیابی به رشد و توسعه و بالندگی ملی، تأمین رفاه و آسایش عمومی برای مردم، حضور فعال در صحنه ملی و بین‌المللی و دفاع از منافع ملی، نیازمند وحدت ملی و انسجام فرهنگی است. هم‌گرایی و انسجام، زمینه‌ساز تقویت «هویت ملی» است تا درپرتو آن، مردم ایران به مثابه «ید واحده»، به ارزش‌های اسلامی ـ ایرانی وفادار بمانند و در حفظ انسجام آن بکوشند.

بررسی و گفتگو کنید

از میدان‌ها، خیابان‌ها، مدارس، مراکز علمی، پژوهشی و آموزشی که در محل سکونت شما، به نام شخصیت‌ها و مشاهیر ملی یا استانی، نام‌گذاری شده‌اند، گزارش تصویری و مکتوب تهیه کرده و درباره آنها در کلاس، گفتگو کنید.

عوامل انسجام‌بخش فرهنگی ما کدام‌اند؟

چه عواملی انسجام فرهنگی بین اقوام و گروه‌ها را تقویت می‌کنند؟ موانع گسترش وحدت و همدلی در بین اقوام مختلف ایران کدام‌اند؟

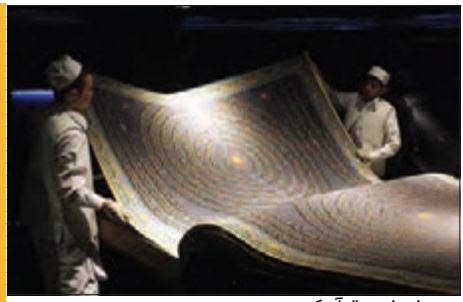

نسخه نفیس قرآن کریم

گنبد سلطانیه بزرگ‌ترین گنبد خشتی جهان در زنجان

عناصر و عواملی که باعث تقویت انسجام فرهنگی و احساس یگانگی ملی می‌شوند و تمام اقوام و گروه‌ها، با وحدت و یکپارچگی، به آنها اعتقاد داشته و به آنها اهتمام می‌ورزند، عبارت‌اند از:

۱ـ زبان مشترک، زبان و ادبیات فارسی

۲ـ دین اسلام و ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی مشترک

۳ـ تاریخ مشترک (حافظه جمعی)

۴ـ سرزمین مشترک (وطن)

۵ـ هنرهای ایرانی (معماری، نقاشی، خط، موسیقی، صنایع دستی و...)

۶ـ نوع پوشش و الگوی حجاب

۷ـ دانشمندان، اسطوره‌ها و مفاخر دینی و ملی مشترک

۸ـ احساس وابستگی به نظام سیاسی واحد (حکومت)

۹ـ ارزش و نمادهای ملی، آداب و رسوم مشترک

۱۰ـ دشمن مشترک و تهدیدات خارجی

این عناصر و وجوه مشترک، باعث شکل‌گیری انسجام ملی و فرهنگی در میان مردم ایران شده است و پیوستگی فرهنگی را استمرار بخشیده است. نمود انسجام و یکپارچگی جامعه ایران را در برخی از حوادث تاریخ معاصر مانند: انقلاب مشروطه، ملی کردن صنعت نفت، انقلاب اسلامی، دفاع‌مقدس و حمایت از هم‌وطنان آسیب‌دیده در حوادث طبیعی می‌توان مشاهده کرد.

بررسی و گفتگو کنید

با تشکیل میزگرد فرهنگی، درباره پاسخ سؤالات زیر، بررسی و گفت‌وگو کنید:
به نظر شما، چگونه باید وحدت ملی و انسجام فرهنگی را حفظ و تقویت کرده و با عوامل تفرقه‌انگیز داخلی و خارجی مبارزه کنیم؟

تحقیق کنید

بررسی کنید و نتیجه را در کلاس گزارش دهید:

۱ـ به اعتقاد کارشناسان، یکی از روش‌های تقویت وحدت ملی و انسجام فرهنگی و رفع اختلاف بین افراد، گروه‌ها و اقوام، مهارت «گفتگو» کردن است که در آن، احساسات، افکار و اعمال به هم نزدیک شده و همدلی و هم‌گرایی ایجاد می‌شود.
به نظر شما، «مهارت‌های گفتگو» کدام‌اند؟ گفتگوهای موفق از چه اصول و ضوابطی تبعیت می‌کنند؟

۲ـ آیه شریفه «**فَبَشِّر عِبادِ الَّذینَ یَستَمِعُونَ القَولَ فَیَتَّبِعُونَ اَحسَنَه**» سورهٔ زمر، آیهٔ ۱۷ حاوی چه پیام‌ها و اصولی برای تقویت انسجام و پیوستگی فرهنگی است؟

درس سوم

فرهنگ ما ایرانیان

هویت فرهنگی

ویژگی‌های فرهنگ ایرانی کدام‌اند؟ چه ویژگی‌هایی، فرهنگ ایرانی را از فرهنگ سایر کشورها و ملت‌ها جدا می‌سازد؟

هر فرهنگ، ویژگی‌ها و خصوصیاتی دارد که آن را از دیگر فرهنگ‌ها متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها در تمام بخش‌های زندگی مردم یک جامعه حضور دارد و سبک زندگی آنان و «شخصیت» فردی و اجتماعی ایشان را شکل می‌دهد. از این ویژگی‌ها تحت عنوان «هویت فرهنگی» یاد می‌شود.

«هویت فرهنگی» یک جامعه، مجموعه‌ای از ویژگی‌های اساسی و بنیادی است که در طول تاریخ شکل گرفته و به واسطه آنها، مردم یک جامعه، «خود» را شناخته و به آن «تعلق» دارند و خود را با آنها معرفی کرده و از «دیگران» متمایز می کنند. «هویت فرهنگی» تمام سطوح و لایه‌های فرهنگ را در برمی گیرد و شامل فرهنگ محسوس و فرهنگ غیرمحسوس می‌شود.

ویژگی‌های فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی، همانند فرهنگ سایر ملت‌ها، در طول زمان، تغییرات و تحولاتی را تجربه کرده است و ارزش‌ها و هنجارهای آن، فرازها و فرودهایی داشته است، اما توانسته است «هویت فرهنگی» خویش را حفظ کند و با تکیه بر این هویت و ویژگی‌ها، از «تداوم و پیوستگی فرهنگی» و «انسجام فرهنگی» برخوردار باشد. همین ویژگی‌ها، «فرهنگ ایرانی» را از فرهنگ اروپایی، آفریقایی، یونانی و... متمایز ساخته و بیانگر هویت و شخصیت ملت ایران در طول تاریخ است. برخی از ویژگی‌ها و عناصر محوری هویت فرهنگی ما ایرانیان عبارت‌اند از:

۱ـ توحید و معنویت گرایی:

فرهنگ ایرانی از دیرباز (قبل و بعد از ورود اسلام به ایران)، گرایش قوی به امور معنوی، الهی و دینی داشته است. ایرانیان از گذشته‌های بسیار دور، بر اساس فطرت و سرشت الهی خویش، به خداوند یکتا اعتقاد داشته و آن را می‌پرستیدند. آنها با وجود داشتن برخی باورهای خرافی و اساطیری در پاره‌ای محدود از تاریخ فرهنگی، (مانند پرستش الهه‌های آب، آتش، باران و...) نوعی وحدانیت در اندیشه و آیینشان وجود داشته است. در ایران همواره دین، نقش اساسی در جامعه داشته و ایرانیان زندگی و امورجاری خود را با اصول دینی و معنوی هماهنگ کرده‌اند. با پذیرش آزادانه و داوطلبانه اسلام توسط نیاکان ما، این ویژگی فطری و الهی در آنان تقویت شد و اعتقاد به خدای واحد در تمام زوایای فرهنگ ایران جریان پیدا کرده است.

۲ـ محبت واحترام به پیامبر و اهل بیت ایشان علیهم‌السلام:

نیاکان ما پس از پذیرش اسلام وآشنایی با اولیای الهی این دین، با توجه به ویژگی‌های فرهنگی خویش و روحیاتی مانند عدالت خواهی، عقلانیت و ظلم ستیزی، به پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله وخاندان بزرگوار ایشان ارادت خاص داشته و خود را از دوستداران و پیروان معصومین علیهم‌السلام می‌دانستند و تا کنون این ویژگی فرهنگی را حفظ کرده‌اند.

ما ایرانیان به روش و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام علاقه‌مند بوده و روح فرهنگ خود را در پیوندی ناگسستنی با ایشان می‌بینیم. تمام اقوام و مذاهب ایرانی، احترام ویژه‌ای برای امام علی علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام قائل هستند و همه ساله در ایام محرم به سوگ می‌نشینند. گویی فرهنگ ایرانی با فرهنگ نبوی و علوی و فرهنگ عاشورا گره خورده است. مفهوم شهادت و جهاد در راه عقیده با الهام از حادثه کربلا، به یکی از عناصراصیل فرهنگ ما تبدیل شده ودر طول تاریخ، باعث پایداری و ماندگاری ایران بوده است.

بررسی کنید

مسابقات بین‌المللی قرآن کریم در کشور با شرکت نمایندگان کشورهای مختلف برگزار می‌شود. این حرکت فرهنگی، چه تأثیری در همگرایی و وحدت مسلمانان و جهان اسلام دارد؟

۳ـ نوع‌دوستی و زندگی مسالمت‌آمیز با دیگران:

نیاکان ما، همواره ملتی نوع دوست بوده‌اند و زندگی مهربانانه و مسالمت‌آمیز با دیگر اقوام و جوامع داشته‌اند. حکومت‌ها در ایران، به جز موارد اندک، کمتر به فکر خشونت و تعدی به همسایگان بوده‌اند و در جنگ با دیگران نیز ارزش‌های انسانی را رعایت می‌کرده‌اند.

نمونه‌های بارز این نوع‌دوستی را در جنگ‌های کوروش و داریوش، از پادشاهان هخامنشی، و روش برخورد آنان با اسیران کشورهای مغلوب و نیز با همسایگان می‌توان مشاهده کرد.

منشور کوروش

۴ـ سازگاری و وحدت گرایی:

جامعه و فرهنگ ایران، جامعه‌ای متنوع و متکثر است و علی‌رغم این تفاوت‌ها و تمایزها، اقوام ایرانی، در طول سالیان دراز، زندگی مسالمت‌آمیز و وحدت‌گرا با هم داشته‌اند.

هریک از این اقوام، در طول تاریخ، به دفعات اداره حکومت و دولت را به دست گرفته‌اند و برای حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی و اعتلای کشور جان‌فشانی کرده‌اند.آنان، تلاش برخی ازگروه‌ها را که سعی در واگرایی و از بین بردن وحدت ملی و انسجام فرهنگی داشته‌اند، خنثی نموده‌اند. این وحدت و هم‌گرایی در دهه‌های اخیر، باحضور رزمندگان افتخارآمیز از اقوام و مذاهب مختلف در کنار هم و در دوران دفاع مقدس، باعث سربلندی و پایداری کشور شده است.

کارگروهی

زندگی چند نفر از سرداران نام‌آور دفاع مقدس از اقوام و مذاهب مختلف را مطالعه و نقش آنان را در وحدت‌ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور بررسی کنید و نتیجه یافته‌های خود را در کلاس درس ارائه کنید.

۵ ـ برخورداری از ذوق بالای ادبی و هنری:

وجه باطنی فرهنگ، در هنر و ادبیات متجلی می‌شود و ایرانیان، همانند برخی از ملت‌ها، ملتی ادب‌پرور و هنردوست هستند و فرصت بروز استعدادهای هنری و ادبی خویش را داشته‌اند. زبان شیرین فارسی، یکی از ویژگی‌ها و عناصر هویتی فرهنگ ایرانی به شمار می‌آید. این زبان، وسیله اتصال و ارتباط همه خرده فرهنگ‌ها و اقوام ایرانی و عنصر وحدت آفرین و انسجام‌بخش ملی بوده است.

مقبره سعدی – شیراز

بخشی از تابلوی نیایش – اثر استاد محمود فرشچیان

هنر ایرانی، همچون هنر برخی از اقوام و ملت‌های هنردوست و هنرپرور دیگر، در رشته‌های مختلف (نظیر معماری، هنرهای دستی، شعر، هنرهای تجسمی و...) چون ستاره‌ای درخشان در آسمان فرهنگ بشری می‌درخشد و علاقه‌مندان بسیاری را در طول تاریخ و از سرزمین‌های مختلف، به خود جلب کرده و به تحسین واداشته است.

اعجاب معماری ایرانی در طراحی و ساخت تخت جمشید، بادگیرهای یزد، مسجد امام اصفهان، بازار وکیل شیراز، مسجد ارگ تبریز، چغازنبیل خوزستان، گنبد سلطانیه زنجان، حرم امام‌رضا علیه‌السلام و... زبانزد عام و خاص است.

نمونه بیاورید

آیا در شهر و استان شما، موزه، ابنیهٔ تاریخی، صنایع دستی و... وجود دارد؟ در صورت وجود داشتن، ضمن بازدید از آنها، با تهیه عکس و فیلم و گزارش، اهمیت و ارزش آن را در کلاس بررسی و تجزیه و تحلیل کنید.

بیشتر بدانیم

ایران ازنظرصنایع دستی،کشوری ریشه‌دار و کهن است.کاوش‌های باستان شناسی، حکایت از به‌هم‌پیوستگی صنایع دستی در ایران دارد. سفالینه‌های لعاب‌دار و ساخت چرخ سفالگری، در هزاره‌های ششم تا چهارم پیش از میلاد، ثبت شده است. روح هنرمندی و پیوستگی تاریخی در این صنایع، به‌گونه‌ای است که هر ناظر داخلی و گردشگر خارجی را در نقوش و ظرافت خود غرق می‌کند. «رومن گیرشمن» ساخت ارابه‌های چهار چرخ، پرورش اسب، معماری طاق‌های هلالی گنبدی شکل را از اختراعات ایرانیان می‌داند که توسط ایلامی‌ها به سومر و از آنجا به دیگر نقاط جهان رفته و رواج یافته است.کشف فلز و ذوب آن و مراحل فلزکاری به هزاره چهارم پیش از میلاد در تپه چایونو در فلات مرکزی و تپه قبرستان در قزوین و همچنین درتل ابلیس استان کرمان و سیلک کاشان و اختراع مفرغ توسط ایرانیان در مناطقی از زاگرس می‌رسد. صنعتگران، با ذوب مس و ریختن آن در قالب‌ها، ابزارها و ادوات متعدد، مانندتبر، چکش، تیغ خنجر، سوزن، سنجاق و قلم تولید می‌کردند و آنها را جایگزین انواع مشابه سنگی یا استخوانی می‌کردند.[1]

۶ـ خانواده‌گرایی:

در فرهنگ ایرانی، خانواده‌دوستی، یک ارزش و فضیلت محسوب می‌شده است. نیاکان ما، همواره به خانواده و اصول اخلاقی حاکم بر آن، توجه داشته و به مسئله تعلیم و تربیت فرزندان اهتمام داشته‌اند. در طول تاریخ، در پی تهاجم دشمنان، اگرچه گاهی حکومت و دولت سیاسی در ایران، از بین رفته است ، اما هیچ‌گاه ارزش و جایگاه خانواده تضعیف نشده‌است و یکی از رموز ماندگاری فرهنگ و هویت ایرانی، ماندگاری خانواده، به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی بوده است.

زن ایرانی، همواره مظهر عفت و پاکدامنی و شایسته نقش مادری بوده و محور و اساس خانواده ایرانی به شمار می‌آمده است. آنان از هزاران سال پیش، مقید به پوشش مناسب بوده و مردان ایرانی غیرتمندانه از نهاد خانواده حمایت کرده‌اند. مراسم خواستگاری، نامزدی، ازدواج، از آداب و سنت‌های ایرانی بوده و دختران و پسران ایرانی، زندگی خود را با ازدواج تکمیل شده می‌دانند.

۱ـ کتاب «ایران مینیاتور جهان» تألیف: دکتر سیداحمد طباطبایی

امروزه نیز، ما با الهام از تعالیم دینی و اسلام، به خانواده، پاکدامنی و عفت و رعایت آداب و رسوم ازدواج، علاقه‌مند و وفاداریم و در برابر امواج سهمگین مدرنیته و فرهنگ غربی، مقاومت می کنیم. احترام به والدین، بزرگسالان و بزرگان فامیل و جامعه، مهمان‌نوازی و سفره‌آرایی در میان ما ایرانیان رایج بوده و مورد توجه است.

۷ـ سازگاری با محیط زیست:

نیاکان ما، به خوبی قدر طبیعت و مواهب آن را می‌دانسته‌اند. به آب، خاک، خورشید، هوا، درخت و حیوانات احترام می‌گذاشتند. در فرهنگ اسلامی، طبیعت به عنوان آیت و نشانه الهی و نعمت خداوندی می‌باشد و نمی‌توان به هر شکل و به هر میزان از آن استفاده کرده و یا آن را تخریب نمود. ایرانیان، چون همواره با مشکل کم‌آبی روبه‌رو بوده‌اند، به شیوه‌های خلاقانه تأمین آب دست یافته‌اند. قنات، سدسازی، بندهای انحرافی و نهرها از مهم‌ترین روش‌های استفاده بهینه از نعمت آب بوده است.

ایرانیان به درستی، راه و روش زندگی در مناطق کویری، کوهستانی، جنگلی و ساحلی را فرا گرفته و طی صدها سال، خود را در مقابل حوادث طبیعی ایمن کرده بودند. این هوشمندی در ساخت و ساز ساختمان‌ها، نوع پوشش و سبک زندگی آنان و متناسب بودن آنها با شرایط محیطی، به‌خوبی در جای جای کشور مشهود است.

«مسئله» زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کنید:

چرا علی‌رغم پیشینه فرهنگی مثبت در حوزه محیط زیست، امروزه، اخلاق زیست‌محیطی و فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست و تمیز نگهداشتن محیط زندگی (مانند کوچه‌ها، خیابان‌ها، مسیر کوه‌پیمایی، ساحل دریا و...)، در جامعه ما ضعیف شده است؟ برای حل این «مسئله فرهنگی و اجتماعی» چه راه‌حلی را پیشنهاد می کنید؟

۸ـ فتوّت:

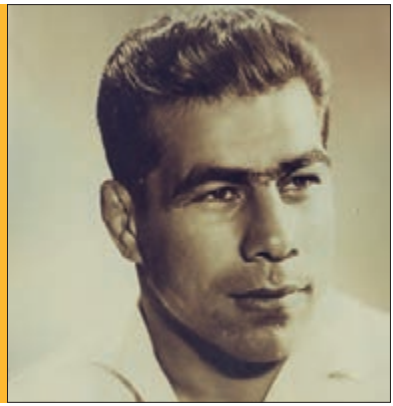

فتوّت، به معنای جوانمردی، میراث گران‌بهایی از فرهنگ اسلامی ـ ایرانی ماست که در روزگار بحرانی جامعه، به قوام و انسجام ملت ما کمک رسانده و آن را تداوم بخشیده است. روحیه فتوت و جوانمردی، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های فرهنگی ایران باستان، در دوران اسلامی، با الهام از معارف قرآنی و تأسی به روش زندگانی امام علی علیه‌السلام، تقویت و نهادینه شد و تا قرن‌ها، جوانان و پهلوانان ایرانی در اصناف و پیشه‌های مختلف، روحیه جوانمردی و مردانگی را در دفاع از مظلومان و محرومان بروز می‌داده‌اند.

تجلی فتوت و جوانمردی را در آداب و رسوم پهلوانی و ورزش باستانی می‌توان مشاهده کرد. صفاتی مانند: دلاوری، بخشش، زیان کسی را به سود خود نخواستن، امانت‌داری، مهمان نوازی، از ویژگی‌های «فتیان»، «عیاران»، «پهلوانان» و «جوانمردان» است که این صفات را در خود پرورش می‌دادند. داستان زندگانی قهرمانانی مانند «آرش کمانگیر»، « سیاوش درشاهنامه»، پوریای ولی، شهید همت، شهید حججی، از گذشته‌های دور تاکنون، بیانگر روحیات جوانمردی در بین ما ایرانیان است که سرگذشت آنان در« فتوت نامه‌ها» و کتاب‌های تاریخی ثبت شده است.

بررسی کنید

روحیه جوانمردی در زندگی جهان پهلوان تختی به‌ویژه در مسابقه او با الکساندر مدودی در فینال مسابقات کشتی ۱۹۶۲ تولیدو را بررسی و تجزیه و تحلیل کنید.

۹ـ آرمان‌خواهی واقع‌بینانه:

ایرانیان طی قرن‌ها زندگی و تشکیل انواع حکومت، به دنبال آرمان‌های والایی همچون برقراری عدالت، آزادی، ظلم‌ستیزی و حرکت به سوی تشکیل جامعه به دور از ظلم، فساد و تبعیض بوده‌اند. اندیشه تأسیس حکومت عادلانه، سالم و انسانی که تحت تأثیر اندیشه مهدویت و تشکیل حکومت جهانی امام زمان علیه‌السلام بوده، همواره در روح و روان ایرانیان حضور داشته و دارد. البته این آرمان گرایی، هیچ‌گاه با روش‌های خشونت‌آمیز غیرعاقلانه و تجاوز به دیگران دنبال نشده، بلکه با میانه‌روی و صلح دوستی توأم و آمیخته بوده است.

بیشتر بدانیم

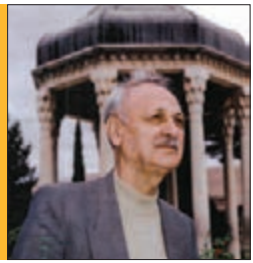

من وقتی در باب گذشتهٔ ایران تأمل می کنم، از اینکه ایرانی‌ها دنیا را به‌نام دین یا به‌نام آزادی به آتش و خون نکشیده‌اند، از اینکه مردم سرزمین‌های فتح شده را قتل عام نکرده‌اند و دشمنان خود را گروه گروه به اسارت نبرده‌اند، از اینکه در روزگار قدیم یونانی‌های مطرود را پناه داده‌اند؛ ارامنه را در داخل خانهٔ خویش پذیرفته‌اند؛ جهودان و پیغمبرانشان را از اسارت بابل نجات داده‌اند؛ از اینکه در قرن‌های گذشته جنگ صلیبی بر ضد دنیا راه نینداخته‌اند و محکمهٔ تفتیش عقاید درست نکرده‌اند؛ از اینکه ماجرای سن بارتلمی نداشته‌اند و با گیوتین

سر مخالفان را درو نکرده‌اند؛ از اینکه جنگ گلادیاتورها و بازی‌های خونین با گاو خشم‌آگین را وسیلهٔ تفریح نشمرده‌اند؛ از اینکه سرخ‌پوست‌ها را ریشه‌کن نکرده‌اند و بوئرها را به مرز نابودی نکشانیده‌اند؛ از اینکه برای آزار مخالفان ماشین‌های شیطانی شکنجه اختراع نکرده‌اند و اگر هم بعضی عقوبت‌های هولناک در بین مجازات‌ها و... بوده، آن را همواره به چشم یک پدیدهٔ اهریمنی نگریسته‌اند، و از اینکه روی هم رفته ایرانی‌ها به اندازهٔ سایر اقوام کهنسال دنیا، نقطه ضعف اخلاقی نشان نداده‌اند، احساس آرامش و غرور می‌کنم.

دکتر عبدالحسین زرین کوب، ایران‌شناس و تاریخ‌شناس برجسته معاصر

«مسئله» زیر را تجزیه و تحلیل کرده و درباره نتیجه آن در کلاس گفتگو کنید:

چرا برخی از مستشرقان غربی و نویسندگان داخلی، اکثر ویژگی‌های فرهنگی ما ایرانیان را «سیاه» و «منفی» معرفی می‌کنند؟ آثار و پیامدهای این «سیاه نمایی» چیست؟ آیا ملتی که سابقه فرهنگی چندهزار ساله دارد، می‌تواند فاقد ویژگی‌های مثبت و ارزشمند فرهنگی باشد؟

برخی از محققان، جهانگردان و ایران شناسان، در کنار ویژگی‌ها و صفات مثبت فرهنگ ایرانیان، به بعضی از صفات منفی و ناپسند ما هم اشاره کرده و سعی در بزرگ‌نمایی آنها داشته‌اند؛ صفاتی مانند: ضعف فرهنگ کارگروهی، عدم انتقادپذیری، احساساتی بودن، بیگانه هراسی، تملق و دورویی، دروغ‌گویی، مصرف‌گرایی، خودخواهی و خودمداری و فردگرایی. هرچند شاید سطوحی از این خلق و خوها، عادات و روحیات، در برخی از ما ایرانیان وجود داشته باشد، اما هویت فرهنگ ایرانی، نباید به این صفات فرو کاسته شود و به روحیه منفی‌گرایی دامن زده شود، بلکه باید به‌عنوان یک فرد ایرانی، برای پالایش و اصلاح خلق و خوهای منفی مذکور اقدام کنیم. اگر آن چنان که تعدادی از مستشرقان ادعا کرده‌اند، ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان، اکثراً منفی و غیراخلاقی است، این قوم و ملت نمی‌توانست چند هزار سال در تاریخ این سرزمین، دوام آورده و تمدن‌ساز و فرهنگ آفرین باشد. استمرار فرهنگی ما ایرانیان در طول هزاران سال، علی‌رغم حملات شدید سایر اقوام و تندبادهای فراوان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، نشانگر صفات و ویژگی‌های مثبت، امیدبخش و افتخارآفرین است که این ملت را دربرابر حوادث مقاوم وپایدار کرده است. این ویژگی‌ها را باید شناخت و از آنها صیانت کرد. رمز « تداوم و پیوستگی فرهنگی»، اصالت ارزش‌های فرهنگی و «خودباوری فرهنگی» است.

فعالیت گروهی

شعر«سفربه خاطر وطن» راحفظ کرده و به‌صورت سرود دسته جمعی اجرا کنید:

ما برای آنکه ایران، خانه خوبان شود، رنج دوران برده‌ایم

فصل چهارم

مسائل فرهنگی ایران

▲ تخریب اموال عمومی و ملی (وندالیسم)

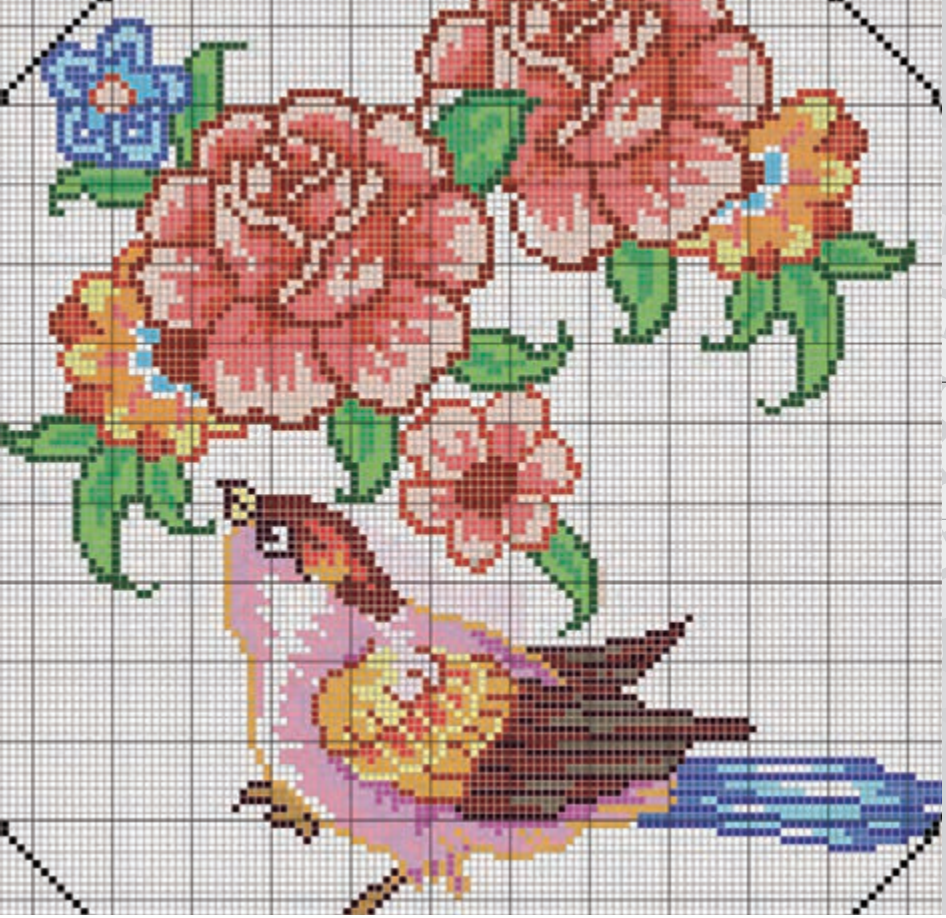

اهداف فصل چهارم

در پایان فصل، انتظار می‌رود دانش‌آموز:

۱ـ نقش فرهنگ را در دستیابی به پیشرفت اقتصادی تشریح نماید.

۲ـ با مشکلات فرهنگی در مسیر پیشرفت اقتصادی آشنا بوده و برای آنها راه‌حل ارائه دهد.

۳ـ ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی و فرهنگ مناسب آن را تبیین نماید.

۴ـ توانایی تشخیص مسائل اخلاقی جامعه را داشته باشد و در ارائه راه‌حل‌های فرهنگی برای حل آنها تلاش کند.

۵ـ نسبت به تحولات جمعیتی کشور دغدغه داشته باشد و سازوکارهای فرهنگی مؤثر بر افزایش یا کاهش جمعیت را بشناسد.

۶ـ تحلیل کند که فرهنگ با چه شیوه‌هایی می‌تواند تمایل به فرزندآوری را تقویت کند.

۷ـ مهارت تجزیه و تحلیل مسائل فرهنگی جامعه را کسب کند.

۸ـ خود را نسبت به فرهنگ جامعه مسئول دانسته و واکنش مناسب نسبت به تغییر و تحولات فرهنگی بروز دهد.

درس اوّل

فرهنگ و اقتصاد

فرهنگ جامعه ما، به‌رغم ویژگی‌های مثبت و ظرفیت‌های فراوانی که دارد، با برخی کاستی‌ها و چالش‌ها روبه‌روست و از آنها رنج می‌برد. این ضعف‌ها وآسیب‌ها، در تمام حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بروز و ظهور دارند و توسط پژوهشگران و کارشناسان، مطالعه و بررسی می‌شوند. امروزه، این موضوعات، به صورت «مسئله» خودنمایی می کنند که در صورت حل نشدن، به «آسیب»، «معضل» و «بحران» تبدیل خواهندشد.

در این درس، برخی از مسائل اقتصادی، از منظر فرهنگی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

وابستگی فرهنگ و اقتصاد به یکدیگر

از نظر شما فرهنگ و اقتصاد چه رابطه‌ای با هم دارند؟ آیا در هر شرایط فرهنگی، پیشرفت اقتصادی اتفاق می‌افتد؟ تحولات اقتصادی چه تأثیری بر فرهنگ و سبک زندگی دارد؟

فرهنگ و اقتصاد در هر جامعه، تعامل مستمر و جدایی‌ناپذیر با یکدیگر دارند. همان‌گونه که اعتقادات، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری افراد بر پویایی، کیفیت و سرعت پیشرفت اقتصادی جامعه تأثیر دارند، تحولات اقتصادی نیز نقش مؤثری در تغییرات فرهنگی، باورها و رفتارهای مردم دارند.

«**خوب زیستن**» انسان‌ها، از یک‌سو به باورها، شایستگی‌ها، مهارت‌ها، سبک زندگی و فرهنگ آنان وابسته است و از سوی دیگر در گرو میزان و نحوه برخورداری از منابع اقتصادی و مادی مناسب می‌باشد. فرد یا جامعه‌ای که دارای امکانات و شرایط اقتصادی مناسب است و نیازهای زیستی او تأمین شده است، فرصت بهتر و بیشتری برای تأمین نیازهای روحی و تحقق اهداف و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی خود دارد و بالعکس، فرد یا جامعه‌ای که فاقد حداقل‌های لازم برای تأمین نیازهای مادی و زیستی خود است، در تأمین نیازهای فکری و فرهنگی خود با مشکل روبه‌رو می‌شود.

مردم براساس فرهنگ خود، رفتار اقتصادی نشان می‌دهند به همین دلیل اقتصاددانان، در بررسی علل و عوامل پیشرفت کشورها، فرهنگ اقتصادی جامعه را در کنار سایر عوامل، مانند منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، ترکیب جمعیتی و پیشرفت علمی، مؤثر می‌دانند. خودباوری، نظم‌پذیری، سخت‌کوشی و پشتکار، علاقه به کارگروهی، روحیه ریسک‌پذیری، خلاقیت و کارآفرینی، از جمله ویژگی‌های فرهنگی است که می‌تواند زمینه رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد.

در دهه‌های اخیر، برخی از کشورها، پیشرفت اقتصادی چشمگیری داشته‌اند و سرمایه‌ها و درآمدهای کشور خود را به میزان زیادی افزایش داده‌اند، لیکن به دلیل عدم توجه به اقتضائات و شرایط فرهنگی توسعه، آسیب‌ها و مشکلات زیادی را در سطح ملی و جهانی به‌وجود آورده‌اند که تخریب محیط زیست و گسترش شکاف طبقاتی بین کشورهای توسعه یافته با کشورهای توسعه نیافته، نمونه‌هایی از این بی‌توجهی است.

در مکتب اسلام، که هدف نهایی، فراهم آوردن زمینه رشد معنویت و تعالی انسان و امت اسلامی است، اقتصاد به منزله ابزاری مهم باید در خدمت «خوب زیستن» افراد، آبادانی دنیا و ایجاد رفاه عادلانه قرار گیرد. در این مکتب، فقر زمینه‌ساز دوری مردم از دین معرفی شده و به مبارزه با آن دعوت شده‌اند. پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «**کادَالفَقرُ اَنْ یَکونَ کُفرا**» فقر مادی می‌تواند زمینه کفر و بی‌دینی را فراهم آورد.

ضرورت اصلاح فرهنگ اقتصادی کشور

بررسی ویژگی‌های فرهنگی ما ایرانیان نشان می‌دهد، برخی از باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای ما، مناسب رشد و پیشرفت اقتصادی نیست. برای اینکه طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی، صحیح و درست اجرا شوند، لازم است باورها و رفتارهای ما اصلاح شوند و فرهنگ مناسب پیشرفت در کشور شکل بگیرد. برخی از این اصلاحات، عبارت‌اند از:

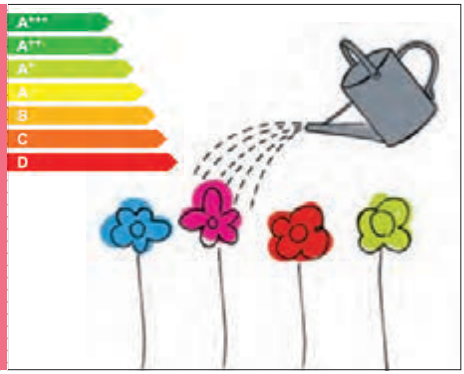

۱ـ اصلاح الگوی مصرف

چرا میزان مصرف بسیاری از اقلام و کالاها در ایران بالاست؟ ریشه فرهنگی این «مسئله» چیست و برای درمان آن چه می‌توان کرد؟

جدول زیر نشان دهنده سرانه مصرف برخی از اقلام و کالاها در ایران و مقایسه آن با میانگین مصرف جهانی است.

سرانه مصرف در ایران و جهان (واحد مصرف برای هر نفر)

	ایران	جهان	نسبت
برق مصرف سالیانه (کیلووات)	۲۵۰۰	۸۰۰	ایران ۳ برابر جهان
آب مصرف روزانه (لیتر)	۳۰۰	۱۵۰	ایران ۲ برابر میانگین جهان
بنزین مصرف ماهانه (لیتر)	۹۰	۱۵	ایران ۶ برابر میانگین جهان
گاز مصرف سالیانه (مترمکعب)	۱۷۰۰	۶۰۰	ایران ۳ برابر میانگین جهان
نان مصرف سالیانه (کیلوگرم)	۱۶۰	۲۵	ایران ۶ برابر میانگین جهان
شیر مصرف سالیانه (کیلوگرم)	۹۰	۳۰۰	ایران یک سوم اروپا
نوشابه مصرف سالیانه (لیتر)	۴۲	۱۰	ایران ۴ برابر میانگین جهان
ماهی مصرف سالیانه (کیلوگرم)	۷	۱۸	ایران حدود یک سوم جهان
زمان مکالمه با تلفن و تلفن همراه زمان مکالمه روزانه (دقیقه)	۴۰	۱۰	ایران ۴ برابر میانگین جهان

	ایران	جهان	نسبت
تخم‌مرغ مصرف سالیانه (کیلوگرم)	۸	۲۴	ایران یک سوم جهان
سویا مصرف سالیانه (کیلوگرم)	۰/۵	۱۰	ایران یک بیستم جهان
شکر مصرف سالیانه (کیلوگرم)	۳۰	۵	ایران شش برابر جهان
میوه و سبزی مصرف سالیانه (کیلوگرم)	۳۰	۱۲۰	ایران یک چهارم جهان
نمک مصرف روزانه (گرم)	۶	۳	ایران دو برابر جهان
دارو مصرف (قلم در نسخه)	۶	۲	ایران سه برابر جهان

منبع: مدیریت پژوهش خبری صدا و سیما ـ ۱۳۹۵/۴/۱۴

مصرف کردن، به معنای استفاده درست از کالاها و خدمات برای رفع نیازها و امیال انسانی است. در کنار پدیده مصرف، که یک امر طبیعی و عادی بوده و ادامه حیات انسانی به آن وابسته است، پدیده دیگری در برخی از افراد و جوامع وجود دارد که از آن، به «مصرف گرایی» تعبیر می‌شود. «مصرف گرایی» عبارت از میل و گرایشی است، که براساس آن، افراد به دلایل مختلف، بیش از نیازهای واقعی خود، مصرف می‌کنند.

جامعه‌شناسان، اقتصاددانان، روان‌شناسان و صاحب‌نظران فرهنگی، پدیده «مصرف گرایی» را به عنوان یک «مسئله» و آسیب فرهنگی و بیماری اجتماعی در عصر حاضر، مورد نقد و بررسی قرار داده و تجزیه و تحلیل کرده‌اند و در تلاش‌اند برای درمان آن چاره‌اندیشی کنند.

یکی از مشکلات فرهنگی جامعه ما، تأثیرپذیری از نظام اقتصادی سرمایه‌داری است که چرخه اقتصاد آن بر تولید انبوه و مصرف فراوان استوار است. شرکت‌های اقتصادی آنان، در رقابت با یکدیگر و برای جلب مشتری بیشتر، از ظرفیت دستگاه‌های فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ها، برای تبلیغ مصرف کالای خود استفاده می‌کنند. با توجه به محدود بودن جمعیت و بازار کشورهای سرمایه‌داری، آنها تبلیغات خود را متمرکز بر کشورهای دیگر کرده‌اند و ذائقه مردم کشورهای دیگر را به سوی مصرف بیشتر سوق داده‌اند. ترویج «مدگرایی» و تقویت روحیه «تنوع‌طلبی» که منجر به افزایش مصرف غیرواقعی می‌شود، در سرلوحه فعالیت دستگاه‌های تبلیغی قرار دارد.

با گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغی، و نیز توسعه مراکز تولید و توزیع کالاها و خدمات تا دور افتاده‌ترین نقاط، و نیز توسعه شهرنشینی و تأسیس فروشگاه‌های بزرگ برای دسترسی آسان به کالاها و خدمات، مفاهیمی چون مدگرایی و مصرف‌گرایی، به عنوان «سبک زندگی نوین» مطرح شده و «هویت» افراد با میزان و نوع مصرف آنان، گره خورده است. علاوه بر این در بعضی از موارد، مصرف اجناس خارجی، یک ارزش و امتیاز اجتماعی قلمداد می‌شود.

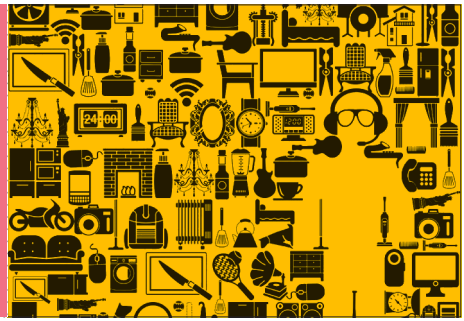

تجزیه و تحلیل کنید

شعر زیر را بررسی کرده و تأثیر پیام‌های اقتصادی و فرهنگی آن را تجزیه و تحلیل نمایید.

نعمت ما به چشم همسایه — صد برابر فزون کند پایه

چون به چشم نیاز می‌بیند — مرغ همسایه غاز می‌بیند[1]

۱ـ رشید یاسمی به نقل از کتاب امثال و حکم دهخدا

بیشتر بدانیم

- پس از جنگ جهانی دوم، دولت انگلستان، مالیات بر واردات محصولات کشاورزی را افزایش داد، به طوری که محصولات وارداتی، توان رقابت با تولیدات داخلی را نداشتند. در چنین شرایطی، مردم انگلستان تعصب خاصی در مصرف کالاهای تولید داخلی داشتند.
- پس از آنکه گاندی در هند، پارچه دستباف خود را بر تن کرد، چرخ ریسندگی نماد انقلاب مردم هند شد. بازرگانان هندی تمام پارچه‌های خارجی را به آتش کشیدند و در نتیجه، صنایع نساجی انگلستان که هند را مستعمره خود کرده بود ورشکسته شدند.

میز گرد فرهنگی

با بررسی و مقایسهٔ جدول سرانه مصرف فست‌فود و لوازم آرایشی ایران و جهان، دربارهٔ دلایل فرهنگی، میزان مصرف آنها در ایران و نیز علل و روش‌های کاهش آن بحث و گفتگو کنید.

۲ـ اصلاح فرهنگ کار

کار، بخشی مهم از زندگی انسان است که در پاسخ به نیازهای فردی و اجتماعی انجام می‌شود. کار، موتورحرکت نظام‌های اقتصادی است و نقش تعیین‌کننده در حیات اقتصادی و اجتماعی جامعه دارد و صاحب‌نظران و اندیشمندان درباره آن دیدگاه‌ها و سخنان فراوانی بیان کرده‌اند.

ویل دورانت (۱۹۹۰):

«کار، اولین رکن تمدن‌های بزرگی است که ما در تاریخ می‌شناسیم.»

فرهنگ کار در ایران، دارای چه نقاط قوتی است و با چه کاستی‌هایی روبه‌روست؟

ورزش کردن کارمندان ژاپنی برای افزایش بهره‌وری

«کار» به مجموعه تلاش‌های فکری، روحی و جسمانی انسان گفته می‌شود که هدف آن، تولید کالا و خدمات و تعالی‌بخشی به‌وجود آدمی است.

«فرهنگ کار»، مجموعه باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهایی است که مورد توافق افراد یک گروه یا جامعه بوده، مبنای تلاش و رفتار شغلی آنان قرار می‌گیرد. فرهنگ کار، نقش بنیادی در ارتقای سطح پیشرفت و توسعه جامعه دارد و همانند هر موضوع فرهنگی دیگر، در فرایند اجتماعی شدن، توسط اعضای گروه پذیرفته و درونی می‌شود. یکی از عوامل مؤثر در پیشرفت اقتصادی جوامع، فرهنگ کار و شایستگی‌های نیروی انسانی است. نیروی انسانی با انگیزه ومسئولیت‌پذیر، خلاق، دارای روحیه کار جمعی زمینه افزایش بازدهی منابع و رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد.

در فرهنگ دینی ما، کار و تلاش، همانند مجاهدت در راه خدا، ارزشمند و مقدس است و علاوه بر کارکرد اقتصادی آن، به عنوان یک روش تربیتی و عبادی، موجب کمال انسان، تقویت عزت نفس و فضائل اخلاقی می‌شود. در مقابل، بیکاری و کم‌کاری، تنبلی و تن پروری، سوءاستفاده از مال مردم و اموال عمومی، و سربار جامعه بودن ناپسند شمرده شده است.

علی‌رغم اینکه سابقه چندهزارساله تلاش نیاکان ما برای عمران و آبادانی کشور، و نیز تأکید تعالیم آسمانی اسلام، حکایت از پویایی فرهنگ کار در ایران دارد. لیکن امروزه، فرهنگ کار در جامعه ما با برخی کاستی‌ها روبه‌روست. گسترش روحیه مادی گرایی، اتکا به درآمدهای نفتی، دولتی شدن اقتصادی، ترجیح منافع فردی بر منافع و مصالح ملی و . . . از جمله اموری است که فرهنگ کار را آسیب‌پذیر کرده است و باعث کاهش تولید، افزایش مصرف، پایین بودن بهره‌وری و بالا بودن نرخ بیکاری شده است.

برای اصلاح فرهنگ کار در جامعه، نهاد خانواده و نهادهای آموزشی و فرهنگی، نقش اساسی برعهده دارند. آنها با ارزشمند شمردن کار و کارگر، تقویت کار گروهی، مقابله با تنبلی و کم‌کاری، باور به کسب روزی حلال، تقویت روحیه خطرپذیری و کارآفرینی، تقبیح قاچاق، رشوه و رانت‌خواری و... می‌توانند این فرهنگ را در جامعه، نهادینه سازند و زمینه رشد و تعالی کشور را فراهم آورند.

بررسی کنید

حدیث پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را از منظر فرهنگ اقتصادی و با رویکرد فرهنگی، تجزیه و تحلیل نمایید.

قال الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

المؤمِنُ قَلیلُ المَؤُنَه و کَثیرُالمَعُونَه

مؤمن، هزینه و زحمتش اندک و کمک و یاریش بسیار است.

بحارالانوار، ۶۷/۳۱۱

۳ـ گسترش فرهنگ کارآفرینی

به نظر شما در آینده چه مشاغلی از رونق خواهند افتاد و چه مشاغلی رونق بیشتری پیدا خواهند کرد؟ ویژگی‌های فرهنگ کار در آینده را چگونه ارزیابی می کنید؟

در دنیای پر رقابت امروز، پیشرفت و استقلال کشورها، تنها به سرمایه، امکانات مادی و فناوری وابسته نیست، بلکه به انسان‌های خلاق، توانمند و کارآفرین، وابسته است.

«کارآفرینی»، فرایند خلق چیزی نو، از طریق برنامه‌ریزی و عقلانیت و با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش خطرات احتمالی، برای کسب منافع مادی و معنوی، رضایت شخصی و استقلال مالی می‌باشد.

«کارآفرین»، کسی است که فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع می کند. او دارای ایده نو و جدید است، با تلاش فراوان و قبول مخاطره، محصول یا خدمات جدیدی را به جامعه ارائه می‌دهد. از ویژگی‌های کارآفرینان، خلق فرصت‌های جدید شغلی، عدم اتکای صرف به دولت و مشاغل دولتی و ریسک‌پذیری می‌باشد.

کشورهایی که فاقد روحیه و مهارت کارآفرینی هستند، به مصرف کنندگان کالاها و خدمات سایر کشورها تبدیل خواهند شد و از کاروان توسعه بازخواهند ماند. آسیب‌دیدگی فرهنگ کار و کارآفرینی در جامعه ما، دستیابی به توسعه و پیشرفت را با مشکل روبه‌رو کرده و استفاده از امکانات و ظرفیت‌های مادی و معنوی کشور، به‌ویژه توانمندی‌های نیروی انسانی جوان و خلاق را، آسیب‌پذیر نموده است.

از جمله اموری که به گسترش و تقویت «فرهنگ کارآفرینی» کمک خواهد کرد، عبارت‌اند از: گسترش روحیه پرسشگری و خلاقیت، تقویت اعتماد به نفس و شهامت تصمیم‌گیری، حمایت مادی و معنوی از افراد نوآور و خلاق، کاهش هزینه‌های ریسک و مخاطره، اصلاح نظام‌های مالی و اداری حاکم در جامعه، رفع نابرابری‌ها و تبعیض‌ها، گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان.

بیشتر بدانیم

داگلاس نورث، برنده جایزه نوبل اقتصاد می گوید:

«اگر می‌خواهید بدانید کشوری توسعه می‌یابد یا نه، اصلاً سراغ فناوری، کارخانه و ابزاری که استفاده می کنند نروید، اینها را به راحتی می‌توان خرید و یا کپی کرد! برای دیدن توسعه، بروید دبستان‌ها و مراکز پیش‌دبستانی را ببینید که آنجا چگونه بچه‌ها را آموزش می‌دهند! مهم نیست چه چیزی آموزش می‌دهند، ببینید چگونه آموزش می‌دهند. اگر کودکان شما را پرسشگر، خلاق، صبور، نظم‌پذیر، خطرپذیر، دارای روحیه گفت‌وگو و تعامل، دارای

روحیه مشارکت جمعی و همکاری، بار می‌آورند، بدانید که این انسان‌ها، در آینده شخصیت‌هایی خواهند شد که جامعه را پیشرفت خواهند داد».

اقتصاد مقاومتی، برنامه راهبردی برای اصلاح فرهنگ اقتصادی

دانش‌آموزان عزیز، حتماً عنوان «اقتصاد مقاومتی» را شنیده‌اید، به نظر شما اجرای این برنامه اقتصادی، به چه ویژگی‌های فرهنگی نیاز دارد؟

کشور ایران در مسیر تحقق اهداف خود، با موانع درونی و بیرونی روبه‌رو است. از جمله موانعی که کشورهای سلطه‌گر برای بازدارندگی جامعه اسلامی به کار گرفته‌اند، برنامه‌ها و تحریم‌های اقتصادی است. نظام سلطه، با هدف جلوگیری از پیشرفت و توسعه کشور و فراهم آوردن زمینه وابستگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، محدودیت‌ها و تحریم‌های چندجانبه علیه ما تدارک دیده است. ایجاد محدودیت در مبادلات ارزی و بانکی، فروش نفت، واردات و صادرات، دستیابی به فناوری‌های پیشرفته، جلوگیری از سرمایه‌گذاری خارجی . . . از جمله تحریم‌های امپریالیسم اقتصادی است.

متقابلاً برای دستیابی به پیشرفت و توسعه پایدار و همه‌جانبه و خنثی نمودن تحریم‌های اقتصادی، طرح‌ها و برنامه‌هایی از سوی مسئولان کشور تدوین شده است که یکی از آنها، سیاست «اقتصاد مقاومتی» می‌باشد. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، با توجه به استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخایر و منابع غنی و متنوع کشور، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ، تدوین و توسط مقام معظم رهبری برای اجرا ابلاغ شده است. این مجموعه در ۲۴ بند، شامل راهبردها و تدابیر اقتصادی است.

طراحی برنامه برای دستیابی به پیشرفت اقتصادی، بدون اتکا به قدرت‌های سلطه‌گر و متناسب با آرمان‌های ملی، اقدامی شجاعانه و در عین حال دشوار بوده و نیازمند تدبیر و برنامه‌ریزی دقیق و فرهنگ مناسب است و مشارکت و همراهی تمام آحاد جامعه را می‌طلبد حفظ وحدت و انسجام ملی، باور به توانمندی‌ها، منابع و امکانات خود، پایداری و مقاومت در برابر فشارها، کار و تلاش مضاعف، مصرف کالاهای ایرانی، می‌تواند تحریم‌های نظام سلطه را خنثی سازد.

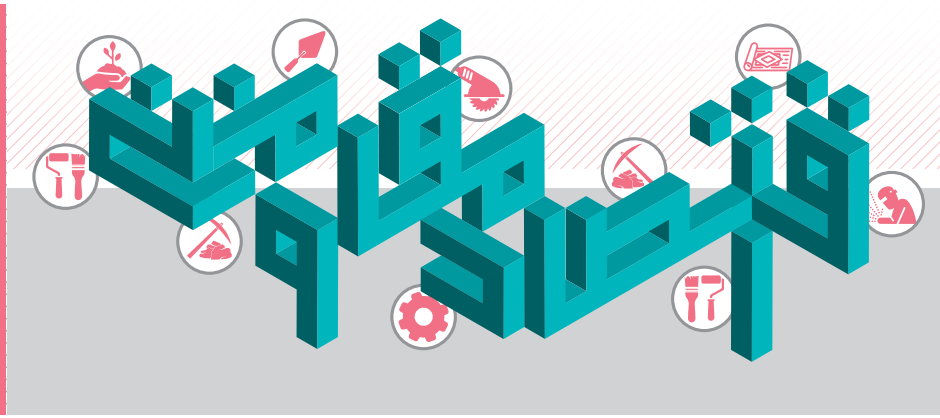

برخی از سیاست‌های ملی اقتصاد مقاومتی عبارت‌اند از:

با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ می‌گردد:

۱ـ تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقای درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.

۲ـ پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به‌منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه.

۳ـ محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویتِ رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

۴ـ مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید.

۵ ـ توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.

۶ـ افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق:

- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان.
- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی.
- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.

۷ـ صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید.

۸ ـ اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

۹ـ افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.

۱۰ـ شفاف سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و....

۱۱ـ تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

۱۲ـ تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.

۱۳ـ افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن.

بررسی کنید

از مفاهیم اصلی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، می‌توان به «اقتصاد دانش بنیان»، «کارآفرینی و مهارت‌آموزی»، «مردمی کردن اقتصاد»، «مصرف تولیدات و کالاهای داخلی توسط مردم و دولت»، اشاره کرد.

مفاهیم فوق را بررسی کنید و ضمن بیان معنای هر کدام، توضیح دهید که این مفاهیم، چگونه می‌توانند اقتصاد ایران را مقاوم کنند و به چه ویژگی‌های فرهنگی نیاز دارند؟

درس دوم

فرهنگ و اخلاق

به‌نظر شما، بین فرهنگ و اخلاق چه رابطه‌ای وجود دارد؟ مسائل اخلاقی جامعه ما کدام‌اند؟ ریشه‌های فرهنگی مسائل اخلاقی جامعه چیست و برای درمان آنها چه می‌توان کرد؟

رابطه فرهنگ و اخلاق

اخلاق به معنای خلق و خوی انسان است که در وجود او به‌صورت پایدار و ملکه نفسانی درآمده و موجب بروز رفتارها و کنش‌های خوب یا بد می‌شود.

اخلاق، قدمتی به درازی تاریخ بشر دارد و با مفهوم ارزش‌های فردی و اجتماعی درآمیخته است. فرهنگ هر جامعه، بر پایه باورها و ارزش‌های آن استوار است، بنابراین هیچ جامعه‌ای نیست که فاقد ارزش‌های اخلاقی باشد.

اخلاق را می‌توان یکی از مؤلفه های مهم فرهنگ دانست که دارای امور ثابت و متغیر است. برخی اصول و ارزش‌های اخلاقی، که ریشه در فطرت انسانی و عقلانیت دارند، در تمام فرهنگ‌ها، مشترک و ثابت هستند، مانند راستگویی، آزادی، عدالت‌خواهی، و برخی از ارزش‌ها و الگوهای اخلاقی در جوامع گوناگون، متفاوت است، مانند روش احترام گذاشتن به بزرگ‌ترها و نحوه میهمان‌نوازی.

رعایت اخلاق و مناسبات اخلاقی، یکی از پایه‌های بنیادین زندگی، ایجاد آرامش و نظم اجتماعی است. پیمودن راه دشوار زندگی و دستیابی به پیشرفت و توسعه، بدون رعایت اخلاق و ارزش‌های آن امکان‌پذیر نیست و متزلزل شدن پایه‌های اخلاق، جامعه را با خطر فروپاشی روبه‌رو می‌سازد. انحطاط اخلاقی، به آرامی و به تدریج مانند موریانه، ستون‌های فرهنگ جامعه را از درون تهی می‌سازد و جامعه را ازبین می‌برد.

پشتوانه و ضمانت اجرای اخلاق در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است. در فرهنگ‌های غیردینی، قراردادهای اجتماعی، ضمانت اجرایی اخلاق است که بین انسان‌ها توافق شده و اعتبار آن را از انسان می‌گیرد. لیکن در مکاتب الهی، اخلاق، ریشه در باورهای دینی و فطری داشته و از پشتوانه درونی و ارتباط انسان با خداوند برخوردار است. اخلاق مبتنی بر دین، از ضمانت درونی، برای پذیرش و اجرا، برخوردار است و سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد. یکی از کارکردهای اصلی دین اسلام، کارکرد اخلاقی آن است، و رعایت اصول و موازین اخلاقی در این مکتب، دارای جایگاهی رفیع و والا می‌باشد، به‌گونه‌ای که اخلاق جزء لاینفک و جدایی‌ناپذیر دین محسوب می‌شود.

در این مکتب، اخلاق تکلیف محور بوده و مناسبات انسان با مجموعه هستی، با هدف قرب الهی صورت می‌گیرد و رعایت اخلاق، در هر شرایطی، لازم است.

این مناسبات به چهار گروه به شرح زیر تقسیم می‌شود:

۱ـ تکالیف و تعهد انسان نسبت به خودش (خود)

۲ـ تکالیف و تعهد انسان نسبت به خداوند (خالق)

۳ـ تکالیف و تعهد انسان نسبت به دیگران (خلق)

۴ـ تکالیف و تعهد انسان نسبت به طبیعت (خلقت)

کمک کردن به نابینایان

در این ارتباطات چهارگانه، رابطه با خدا، محوریت دارد و سه رابطه دیگر، ذیل آن و متناسب با آن شکل می‌گیرد درنتیجه رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی، پایدار، درونی و همه‌جانبه است.

بیشتر بدانیم

اخلاق از منظر سقراط و ارسطو و فارابی

به نظر سقراط، تیره‌بختی انسان، حاصل نادانی اوست. بزرگ‌ترین فضیلت «دانایی» است و اشتباهات آدمی از نادانی او سرچشمه می‌گیرد. اگر کسی واقعاً بداند که امری بد است هرگز به سوی آن نمی‌رود. فضیلت چیزی جز دانش، حکمت و خردمندی نیست و فضایل عبارت‌اند از: شجاعت، عفت، عدالت و خداپرستی.

سقراط باور دارد، برای آراستگی به این فضیلت‌ها و رسیدن به سعادت بایستی گوش به‌فرمان خرد داشت و از دستورهای عقل پیروی نمود.

از منظر ارسطو نیز، رمز موفقیت و راز نیک‌بختی در «میانه‌روی» یعنی رعایت حد وسط است. وی بر این باور بود که افراط و تفریط پسندیده نیست، فضیلت در رعایت حد وسط است و عدالت در معنای گستردهٔ آن چیزی نیست جز میانه‌روی. بنابراین، از نظر ارسطو برای اینکه انسان‌ها به سعادت نائل شوند باید معتدلانه عمل کنند.

اندیشمندان مسلمان نیز تعاریف و معیارهایی را برای اخلاق مطرح کرده‌اند. فارابی از جمله این عالمان است که اخلاق را رکن زندگی فردی و اجتماعی و یکی از ارکان اصلی مدینه فاضله می‌داند. در دیدگاه او، علاوه بر خرد و عقلانیت، که اساس اندیشه ارسطو در تحقق اخلاق است، وحی و فطرت نیز عامل تعیین‌کننده در تشخیص خوبی‌ها و بدی‌ها و گرایش به عمل اخلاقی محسوب می‌شود.

تجزیه و تحلیل کنید

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«إِنّی بُعِثتُ لِاُتَمِّمَ مَکارِمَ الاَخلاق» من برای کامل کردن فضائل اخلاقی مبعوث شده‌ام.

را، از منظر فرهنگی بررسی و تجزیه و تحلیل کنید.

مسائل اخلاقی جامعه ایران

شما گاهی اخبار تأسف‌انگیزی از آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی در ایران و جهان می‌شنوید. گاهی در محل زندگی خود شاهد بی‌اخلاقی های فردی و جمعی هستید، به‌نظر شما ریشهٔ این مسائل چیست؟ و چه باید کرد؟

همچنان که در دروس قبل آموختید، یکی از ویژگی‌های فرهنگی ما ایرانیان، اخلاق‌مداری و رعایت اصول و موازین اخلاقی در طول تاریخ بوده است. نوع‌دوستی، نجابت، سخاوت، عدالت‌خواهی، فداکاری در راه عقیده، تساهل و مدارا، از ویژگی‌های اخلاقی ما ایرانیان است.

مرگ تدریجی یک رودخانه در اثر آلوده کردن محیط زیست

علی‌رغم این ویژگی‌های مثبت و فضائل اخلاقی، امروزه جامعه ما از برخی کاستی‌ها و آسیب‌ها نیز رنج می‌برد. ریشهٔ این کاستی‌ها را می‌توان در ناتوانی برای درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی، فرایند جهانی شدن و سرعت تغییرات اجتماعی و تحولات فرهنگی جستجو کرد که باعث تأخّر فرهنگی و عدم همخوانی فرهنگ جامعه با تغییرات و تحولات شده است.

برخی از آسیب‌ها و مسائل اخلاقی جامعه ما عبارت‌اند از:

۱ـ کاهش صداقت و اعتماد اجتماعی

بنیان اخلاق و جامعه اخلاقی بر صداقت، راستی و راست‌گویی استوار است. در پرتوی این فضیلت اخلاقی، انسان‌ها به هم اعتماد کرده و انسجام و همبستگی اجتماعی فزونی می‌یابد و روابط انسانی سالم شکل می‌گیرد. از همین‌رو در مکتب تربیتی اسلام، صداقت و راست‌گویی عامل رستگاری در دنیا و آخرت شمرده شده است.[1] متقابلاً یکی از صفات ناپسندی که برخی از انسان‌ها به آن مبتلا هستند، دروغ گفتن و عدم صداقت در رفتار و گفتار است. این رفتار زشت، ریشه در ضعف نفس، ترس و زبونی انسان دارد و اعتبار و حیثیت فرد دروغ‌گو را در بین مردم و جامعه از بین می‌برد.

پژوهش‌ها و مشاهدات، نشان از شیوع این بیماری اخلاقی در بین برخی از افراد جامعه ما دارد. آنها، برای دستیابی آسان به منافع شخصی یا رسیدن به موقعیت و پایگاه اجتماعی و تصاحب قدرت و ثروت، به دروغ و دروغ‌گویی متوسل می‌شوند و با زیر پا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی، سعی در فریب خود و دیگران دارند. ممکن است در کوتاه مدت، این افراد به منافعی دست یابند، لیکن در درازمدت آنها و جامعه، زیان جبران‌ناپذیری خواهند کرد. زیرا فریب، دروغ و دروغگویی، ریشه بسیاری از مفاسد اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی است. امام حسن عسگری علیه‌السلام می‌فرمایند:

«جَعَلت الخَبائِث کُلَها فِی بَیتَ واحد وَ جَعَلَ مِفتاحَها، الکِذب»[2]

تمام ناپاکی‌ها و پلیدی‌ها در یک خانه است که کلید آن، دروغ است.

۱ـ غررالحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، ص ۲۹۸

۲ـ بحارالانوار، ج ۲ ، ص ۳۴۱

بررسی و گفتگو کنید

۱ـ اعتماد متقابل مردم به یکدیگر و اعتماد متقابل دولت و مردم چگونه تقویت می‌شود؟ چه عواملی به اعتماد ملی آسیب می‌زند؟

۲ـ مسئله «اعتماد ملی» را از منظر فرهنگی بررسی کرده و نقش صداقت و راستگویی در آن را تبیین نمایید.

۲ـ آسیب‌های اخلاق شهروندی

کلمهٔ «شهروند» مفهوم جدیدی است که بیانگر هویت اجتماعی انسان‌ها بوده و به تمام افرادی که تابعیت یک کشور را دارند، اطلاق می‌شود. شهروندی به معنای استقرار فیزیکی افراد در یک شهر نیست و شامل حال تمام آحاد جامعه فارغ از رنگ، نژاد، قومیت، طبقه و مذهب می‌شود.

«اخلاق شهروندی» مجموعه‌ای از مبانی، معیارها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که بررفتار، روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان حاکم است. اخلاق شهروندی، باعث رعایت حقوق فردی و اجتماعی، پیروی از قوانین و مقررات اجتماعی، احساس مسئولیت نسبت به همنوعان، ادای تکلیف نسبت به دیگران و ترجیح منافع جمعی و ملی بر منافع فردی می‌شود.

در عصر حاضر، تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، تغییرات گسترده و عمیقی را در سبک زندگی مردم، به‌خصوص ساکنان شهرهای بزرگ، به‌وجود آورده است و هویت فرهنگی شهروندان را دستخوش تغییر و تحول کرده است. گسترش شهرنشینی، مهاجرت‌های بی‌رویه، گسترش حاشیه‌نشینی و شهرک‌های اقماری، افزایش بیکاری، توسعه آپارتمان‌نشینی، عدم آموزش افراد برای زندگی در شهرها و محیط‌های بزرگ و پرجمعیت، باعث بیگانگی افراد نسبت به خود، دیگران و محیط شده و در نتیجه آسیب‌دیدگی اخلاق شهروندی را به بار آورده است.

آسیب های اخلاق شهروندی می‌تواند بر شکوفایی استعدادهای انسانی و روند توسعه عمومی کشور تأثیر منفی بگذارد و سلامت و آرامش فرد و جامعه را به‌خطر بیندازد.

زیستن در محیط غریبه و با غریبه‌ها، نیازمند پذیرش تنوع فرهنگی و برخورداری از روحیهٔ مدارای اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است تا افراد بتوانند ضمن بهره‌مندی از حق خود، حقوق دیگران را نیز به رسمیت بشناسند و تکلیف خویش را دربرابر دیگران و محیط، براساس ارزش‌های اخلاقی انجام دهند.

متناسب با شرایط جامعه ایران برخی از راهکارهای اصلاح اخلاق شهروندی عبارت‌اند از:

۱ـ گسترش آموزش‌های اخلاقی در خانواده و نظام‌های آموزشی برای تربیت شهروندان متخلق به اخلاق اسلامی

۲ـ حاکم ساختن ارزش‌های اخلاقی در جامعه و در تمام مناسبات فردی و گروهی

۳ـ نقش‌آفرینی نهادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای ترویج و نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی

۴ـ رعایت اصول ارزشی و اخلاقی در طراحی و اجرای برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۵ـ استفاده بهینه از ظرفیت رسانه‌ها و ابزارهای آموزشی، فرهنگی و هنری برای آشنایی بیشتر شهروندان با حقوق و تکالیف خود و التزام عملی به رعایت آنها

۶ـ توانمندسازی اخلاقی شهروندان با ویژگی‌هایی مانند روحیه صبر، تحمل و مدارا، شناخت خود، نوع‌دوستی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، برای مواجهه با محیط پرتلاطم و پرشتاب جامعه

تحقیق کنید

بررسی و تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس گزارش دهید:

یک مدرسه یا بنای خیّرساز یا موقوفه را در منطقه یا شهرستان محل سکونت خود شناسایی کنید. در مورد انگیزه و اهداف فرد سازنده تحقیق کنید. اقدام و الگوی اخلاقی وی، چه تأثیری بر روی دانش‌آموزان یا سایر افراد و فرهنگ جامعه برجای گذاشته است؟

۳ـ اخلاق در فضای مجازی

فضای مجازی، نوع و شکل جدیدی از روابط اجتماعی و فضای فرهنگی است. گسترش سریع فناوری‌های نوین و حضور افراد در فضای مجازی و شبکه‌ای، فرصت‌های فراوانی، مانند: گسترش و سرعت مبادله اطلاعات، تقویت مناسبات اجتماعی، رشد اقتصادی و... به‌وجود آورده است.

لیکن علی‌رغم این فرصت‌ها، فضای مجازی با تهدیدها و پیامدهای منفی فرهنگی و اخلاقی نیز روبه‌روست. پیدایش اصطلاحاتی نظیر اخلاق رایانه‌ای، اخلاق اینترنتی و اخلاق شبکه‌ای، دلالت برگستردگی و اهمیت این موضوع دارد و بیانگر مسائل اخلاقی و آسیب‌های فرهنگی است که جامعه بشری با آن روبه‌رو شده است. فناوری‌های نوین اطلاعاتی ـ ارتباطی، دنیای جدیدی را فراروی انسان قرار داده است و سبب شده تا برخی از افراد با پنهان کردن هویت واقعی خویش، «هویت مجازی» برای خود خلق کنند و به دلیل ناشناس و غریبه

بودن و بدون رعایت آداب و اصول اخلاقی، کنش‌های غیراخلاقی بروز دهند. رفتارهای غیراخلاقی نظیر ورود به حریم خصوصی افراد، هرزه‌نگاری سایبری، عدم رعایت مالکیت معنوی، نشر مطالب دروغ و تهمت و جرائم سایبری، نشانگر عدم رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی در فضای مجازی می‌باشد.

به دلیل وسعت و گسترش آسیب‌های اخلاقی در فضای مجازی، جوامع و سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای مدنی، قوانین و مقررات بازدارنده تدوین کرده‌اند و با ایجاد زیرساخت‌ها و شبکه‌های امن، درصدد مقابله با مفاسد اخلاقی و سوداگران منفعت‌طلب در فضای مجازی می‌باشند.

در اخلاق اسلامی، بر رعایت تقوی و «خویشتن بانی» و تقویت «مصونیت» در برابر هجمه‌های فرهنگی و اخلاقی تأکید شده و با ناظر دانستن خداوند در همه حال و در زندگی واقعی و فضای مجازی، زمینه زیست سالم و بانشاط فراهم آمده است.

یکی از راهبردهای مؤثر برای حضور فعال و مؤثر در فضای مجازی پایبندی نظری و عملی به آیه شریفه ۱۴ سوره علق در زندگی واقعی و دنیای مجازی می‌باشد که خداوند می‌فرماید:

اَلَـم یَعـلَم بِاَنَّ اللهَ یَـرىٰ

آیا (انسان) نمی‌داند که خداوند او را می‌بیند؟

تحقیق کنید

آیه ۱۹ از سوره نور را از منظر فرهنگی تجزیه و تحلیل کرده و پیام‌های اخلاقی آن در زندگی واقعی و دنیای مجازی را تبیین نمایید:

اِنَّ الَّذینَ یُحِبّونَ اَن تَشیعَ الفاحِشَةُ فِی الَّذینَ امَنوا لَهُم عذابٌ اَلیمٌ فِی الدُّنیا وَ الأخِرَةِ وَاللهُ یَعلَمُ وَ اَنتُم لا تَعلَمونَ

مطالعه و تحقیق کنید

به چند گروه تقسیم شده و هر یک از گروه‌ها به انتخاب خود و راهنمایی دبیر محترم، چند مسئله اخلاقی جامعه را شناسایی کرده و با تجزیه و تحلیل آنها، درباره روش‌های درمان و اصلاح فرهنگ جامعه گفتگو کنید.

درس سوم

فرهنگ و جمعیت

آموختیم که فرهنگ جامعه با عناصر و ویژگی‌های خود بر مسائل مختلف از جمله مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اثر می‌گذارد. این اثرگذاری گاه به‌صورت مثبت و گاه به‌صورت منفی خود را بروز می‌دهد. یکی دیگر از جلوه‌های اثرگذاری فرهنگ، جمعیت است. نقش سبک زندگی، ذهنیت‌ها، باورها و نگرش‌های مردم دربارهٔ تشکیل خانواده و فرزندآوری از جمله موضوعاتی هستند که در تبیین تحولات جمعیتی به آنها توجه می‌شود.

در این درس براساس تعریف ارائه‌شده از فرهنگ، در بررسی رابطه میان فرهنگ و جمعیت، به دنبال کشف چگونگی اثرگذاری (مستقیم و غیرمستقیم) عوامل فرهنگی بر تحولات جمعیتی خواهیم بود.

رابطهٔ فرهنگ با فرزندآوری و تغییرات جمعیتی

از جمله مسائل مهم و مورد توجه هر کشور، مسئلهٔ جمعیت و فرزندآوری است که همواره مورد توجه صاحب‌نظران علوم مختلف نیز بوده است. براساس مطالعات جمعیت‌شناسی در صورت تداوم روند فعلی فرزندآوری، رشد جمعیت کشور در حدود سال‌های ۱۴۲۰ـ۱۴۱۵ به صفر خواهد رسید و ساختار جمعیت در بیست سال آینده به سمت سالخوردگی و کم‌جمعیتی پیش خواهد رفت.

جمعیت یکی از عناصر قدرت هر کشور و عامل مهمی در رشد و اعتلای آن کشور است. طبیعی است که اگر جمعیت کشوری به سمت پیری برود و تدابیری برای افزایش جمعیت اندیشیده نشود، به زودی آن کشور با مشکلات عدیده ای در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه خواهد شد.

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل مؤثر در فرزندآوری و رشد جمعیت کشور، عامل فرهنگی است. همان‌طور که در درس‌های قبل مرور کردیم؛ فرهنگ پدیده‌ای پیچیده، چندلایه و دارای مؤلفه‌های پرشمار است.

تحلیل تحولات فرهنگی و آثار آن نیز نسبتاً پیچیده است. فرهنگ گاه به‌صورت مستقیم و آشکار و گاه با یک یا چند واسطه بر پدیده‌ها و واقعیت‌های محیطی تأثیر می‌گذارد. ارتباط فرهنگ و پدیده‌های جمعیتی را غالباً از نوع دوم می‌دانند؛ یعنی تحول فرهنگی از طریق تأثیرگذاری برعواملی چون توسعهٔ شهرنشینی، تغییر سبک زندگی، طولانی شدن دورهٔ تحصیل افراد، تأخیر در اشتغال و ازدواج، تغییر نگرش‌ها نسبت به خانواده و... موجبات تغییر در میزان موالید و فرزندآوری را فراهم می‌سازد.

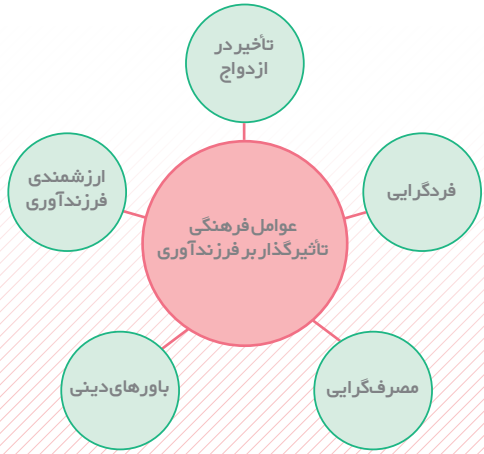

تأخیر در ازدواج

امروزه تلاش و تکاپوی افراد برای ادامهٔ تحصیل و یافتن شغل متناسب با تحصیلات معمولاً فرایندی طولانی و زمان‌بر است. این موضوع به‌طور ناخودآگاه افراد را ترغیب می‌کند که ازدواج را تا رسیدن به سطح مطلوبی از تحصیل و یافتن شغل مناسب به تأخیر اندازند. تأخیر ازدواج به معنای بالا رفتن سن ازدواج از یک‌سو و محدود شدن بازهٔ زمانی برای فرزندآوری از سوی دیگر است.

فردگرایی

تجدد و سبک زندگی غربی در لایه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی ایرانیان تأثیرات گسترده‌ای داشته است. تجدد از طریق تغییراتی در سبک زندگی بر فرزندآوری و رشد جمعیت اثر می‌گذارد. از جمله می‌توان به رواج فردگرایی و مصرف‌گرایی اشاره کرد.

فردگرایی که یکی از مؤلفه‌های فرهنگ تجدد و زندگی در شهرهای بزرگ و جوامع صنعتی است باعث می‌شود افراد از چارچوب‌های جمعی و خانوادگی برای تشکیل سریع‌تر خانواده و فرزندآوری رها شوند و براساس ملاحظات و خواستهٔ خودشان ازدواج و زاد و ولد کنند. منظور از فردگرایی این است که افراد به‌جای اولویت دادن به خواست‌ها و علایق جمعی و خانوادگی به ارزش‌ها و خواست‌های فردی خود اولویت می‌دهند.

در چند دههٔ اخیر، نهاد خانواده با تغییرات مهمی چون بالا رفتن سن ازدواج، کاهش میزان ازدواج، افزایش تجرد قطعی، تغییر در دایرهٔ همسرگزینی، تغییر در معیارهای همسرگزینی و تغییر در نگرش‌های فرزندآوری روبه‌رو بوده است. بسیاری از صاحب‌نظران، تأکید دارند که تغییرات نهاد خانواده تنها نتیجهٔ تغییر در وضعیت اقتصادی و ساختار نهادی جامعه نیست؛ بلکه از دگرگونی در ارزش‌ها و سنت‌ها سرچشمه می‌گیرند. آنها پیشنهاد می‌کنند که عوامل و دگرگونی‌های فرهنگی نیز مانند عوامل اقتصادی برای توضیح و تبیین تغییرات اخیر در الگوهای ازدواج و فرزندآوری مورد توجه قرار گیرد. به نظر آنان مهم‌ترین تغییر فرهنگی در خانواده، گسترش فردگرایی و تضعیف ارزش‌های خانوادگی است.

مصرف‌گرایی

یکی دیگر از ویژگی های مهم فرهنگ تجدد پدیدهٔ «مصرف» است. با شکل گرفتن مصرف انبوه این امکان برای توده مردم فراهم شد که از راه مصرف کالا در فرهنگ مشارکت کنند. مصرف‌گرایی، اصالت دادن به مصرف و هدف قرار دادن رفاه و دارایی‌های مادی است. امروزهٔ مصرف‌گرایی پدیده رایج و رو به

رشدی است که مظاهر آن در اکثر جوامع به‌راحتی قابل مشاهده است. فروشگاه‌های زنجیره‌ای که از اواخر قرن نوزدهم شکل گرفتند، مراکز خرید مدرن، مراکز فروش و تفریحی بزرگ و پاساژهای رنگارنگ که در قرن بیستم جهان‌شمول شدند، در نوع مصرف و اوقات فراغت افراد و خانواده‌ها تغییر ایجاد کردند و به مرور زمان پیامدهای خاص فرهنگی خود را به‌دنبال آوردند.

خانواده در فضای مصرف‌گرایی به کارخانهٔ تأمین نیازهای غیرضروری فرزندان تبدیل می‌شود. با بالا رفتن انتظارات فرزندان و افزایش هزینه‌هایی که والدین در سبک زندگی مصرف‌گرا صرف می‌کنند، فرزند در نگاه زوجین در فرهنگ غالب، تبدیل به موجود پرهزینه‌ای می‌شود. در نتیجه طبعاً در چنین نگرشی، میزان گرایش به فرزندآوری کاهش پیدا می‌کند؛ زیرا توانایی برآوردن انتظارات خود و فرزندان در این شرایط کاهش می‌یابد و همین امر مانعی برای داشتن فرزند خواهد بود. در مقابل، سبک زندگی غیرمصرف‌گرا و مبتنی بر قناعت قراردارد. ایجاد روحیهٔ قناعت و مصرفِ نیازمحور، باعث ایجاد آرامش خاطر اعضای خانواده خواهد شد. در چنین فضایی که فرزندپروری براساس روحیهٔ قناعت و غیرمصرف‌گرا شکل گرفته، انسان از خود و فرزندان انتظارات واقع‌بینانه دارد و فرزندان نیز از والدین انتظارات واقع‌بینانه خواهند داشت و این امر فرزندآوری و فرزندپروری را تسهیل می‌کند.

میز گرد فرهنگی در خانواده

یک میزگرد فرهنگی در خانواده تشکیل دهید و از اعضای خانوادهٔ خود دعوت کنید تا در آن شرکت کنند. از آنها بخواهید به این پرسش‌ها پاسخ دهند و دربارهٔ آنها بایکدیگر به بحث و تبادل‌نظر بپردازید:

در گذشته بیشتر احساس آرامش می‌کردید یا امروز؟

خانواده‌های دیروز پایدارتر بودند یا خانواده‌های امروز؟

چرا با وجود شرایط اقتصادی سخت به‌ویژه در زمان جنگ تحمیلی؛ خانواده‌ها گرایش بیشتری به فرزندآوری داشتند؟ و چه عواملی باعث تغییر این نگرش شده است؟

نتیجه تبادل‌نظر در خانواده را با همکلاسی‌های خود به اشتراک بگذارید.

باورهای دینی

دین از محوری‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ به شمار می‌رود. از این رو در تبیین فرزندآوری، یکی از متغیرهای اصلی تأثیرگذار، دین و باورهای دینی است. با نگاهی گذرا به اهمیت فرزندآوری در نزد پیروان ادیان بزرگ چون اسلام، مسیحیت و یهودیت، آشکارا می‌توان نگرش مثبت آنها را به این پدیده دریافت. مذهب کاتولیک از خانواده‌های بزرگ و گسترده حمایت می‌کند و از زاد و ولد فراوان جانبداری می‌کند. آیین پروتستان پیشگیری از بارداری را به‌صورت برنامه‌ای عمومی که منجر به تهدید نسل شود، مجاز نمی‌داند. در دین زرتشت نیز فراوانی اولاد مایهٔ برکت و نشانهٔ توجه خداوند شمرده شده است. ازدواج و داشتن فرزندانِ نیک پرورش‌یافته و آموزش‌دیده جزو افتخارات به شمار می‌رفته است. دین یهود نیز پیروان خود را به افزایش جمعیت و پراکنده شدن در سراسر جهان تشویق می‌کند. در میان ادیان توحیدی، اسلام تأکید بسیاری به فرزندآوری و فرزندپروری دارد و بدان تشویق می‌کند و با افزایش جمعیت موافق است و به‌ویژه با فرزندکُشی به جهت بیم از فقر و تنگ‌دستی مبارزه می‌کند و آن را گناهی بزرگ می‌شمارد.

دربارهٔ فرزندآوری در تعالیم دینی با تعابیر زیبایی مانند، عطیه، موهبت الهی، میوه دل، نوردیده، مایهٔ خوش‌بختی، یاری‌کننده، مایهٔ ثواب و پاداش اخروی، رحمت و غفران الهی، باعث خیر و برکت در خانه یاد شده است.

بررسی کنید

باورها و نگرش‌های مذهبی یکی از عوامل فرهنگی مؤثر بر افزایش جمعیت است. بررسی کنید در چند دههٔ اخیر، هر یک از ادیان اسلام، مسیحیت و یهود جهت گسترش جمعیت پیروان خود از چه سازوکارهای فرهنگی بهره گرفته‌اند؟

ارزشمندی فرزندآوری

ارزشمندی فرزندآوری، عنصری فرهنگی است که بالقوه نقشی مهم در تغییرات فرزندآوری و دگرگونی رشد جمعیتی یک جامعه دارد. فرزندآوری مانند هر پدیدهٔ دیگر دارای فرصت‌ها و محدودیت‌های خاص خود است. داشتن فرزند نقش اساسی در هویت‌یابی خانواده دارد. مهر مادری و پدری تجربه‌ای است که تنها با داشتن فرزندان کسب می‌شود و با چیز دیگری قابل مقایسه نیست.

امور فرهنگی با تأثیرپذیری از دگرگونی عرصه‌های مختلف جهان اجتماعی دچار تغییر می‌شوند. ارزش‌های

فرهنگی، اگرچه به‌صورت خودبنیاد و مستقل تغییر نمی‌کنند و اغلب در مقابل عوامل تغییر از خود مقاومت نشان می‌دهند، اما شدت، سرعت و ژرفای دگرگونی در عرصه‌های ساختاری، عناصر فرهنگی را نیز دستخوش تغییر می‌سازد. ارزش فرزندآوری و فرزندپروری نیز به‌تَبَع تغییر در برخی مؤلفه‌ها همچون گسترش شهرنشینی، طولانی شدن دورهٔ تحصیل افراد، تمایل بیشتر زنان به اشتغال بیرون از خانه و بالا رفتن سن ازدواج دستخوش تغییر شده و تمایل به فرزندآوری و تعدد فرزندان را در میان مردم کاهش می‌دهد.

امروزه تشکیل خانواده با ابعاد کمتر از طریق کاهش فرزندآوری برای برخی از خانواده‌های ایرانی به‌صورت یک هنجار درآمده و مطلوب شمرده می‌شود. بی‌شک وقتی سخن از هنجاریابی و هنجاری شدن می‌شود، مقوله فرهنگ و تأثیر آن بر تحولات جمعیتی چهره‌ای روشن‌تر می‌یابد. وجه دیگر اهمیت موضوع آن است که ویژگی فرهنگی یافتن، به معنای دیرپا بودن پدیده و پایداری و مقاومت نسبی آن در برابر دگرگونی است. عناصر فرهنگی برخلاف عناصر دیگر به‌آسانی تغییرپذیر نیستند و با نوعی سازوکار تداوم همراه‌اند.

گفتگو کنید

چرا با وجود اینکه خانوادهٔ ایرانی همچنان فرزند را ارزشمند و مطلوب می‌داند، اما در عمل تمایل به فرزندآوری در بین آنها کاهش یافته است؟

رسانه‌ها و تحولات جمعیت

تولید انبوه فیلم‌ها و مجموعه‌های نمایشی و تبلیغات رسانه‌های غربی و گسترش استفاده از آن در ایران منجر به تغییر سبک زندگی ایرانی به سمت سبک زندگی غربی و فاصله گرفتن از سبک زندگی اسلامی ـ ایرانی شده است. این تغییرات از نوع غذا خوردن و لباس پوشیدن گرفته تا الگوسازی از سلبریتی‌ها و ساخت سریال را شامل می‌شود.

در سال‌های اخیر تعداد مجموعه‌های نمایشی با خانواده‌های تک‌فرزند یا بدون فرزند، زندگی مشترک افراد مجرد با یکدیگر، خانواده‌های تک‌نفره، زندگی فرزندان جدا از خانواده و ... افزایش قابل‌توجهی داشته است و در کاهش گرایش جوانان به ازدواج و فرزندآوری تأثیرگذار بوده‌اند. این در حالی است که خانواده‌های پرجمعیت معمولاً در سریال‌ها، خانواده‌هایی ناموفق با مشکلات عدیدهٔ بسیار و بستری برای معضلات اجتماعی به تصویر کشیده می‌شوند.

افزون براین، امروزه در این رسانه‌ها بیش از آنکه زنان در حال ایفای نقش مادری و تربیت فرزند باشند، در نقش‌های غیرخانوادگی نمایش داده می‌شوند و این موضوع می‌تواند نگرش زنان به فرزندآوری و نقش مادری را تغییر دهد. نقش رسانه‌ها در تغییر فرهنگ دینی و احاطهٔ فرهنگ فردگرایی بسیار چشمگیر بوده است و ضرورت ارتقای سواد رسانه‌ای و لزوم بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌ای را در پیشبرد اهداف فرهنگی و نظام ارزش‌های خانوادگی بیش از پیش نشان می‌دهد. رسانه‌های داخلی با ترویج ارزش‌ها و سبک زندگی اسلامی می‌توانند جوانان را به ازدواج و فرزندآوری تشویق کنند و نگرش نسبت به شعار «فرزند کمتر زندگی بهتر» را اصلاح کنند و کارکردهای خانواده پرجمعیت را ترویج کنند.

گفتگو کنید

فیلم‌های سینمایی زیر را تماشا کنید. رسانه در موضوع فرزندآوری چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ دربارهٔ آن در کلاس بحث کنید.

▲فرشته‌ها باهم می‌آیند (۱۳۹۲)

▲خجالت‌نکش (۱۳۹۶)

آیندهٔ جمعیت ایران

بر پایهٔ مطالعات انجام شده، در دو دهه گذشته در ایران، عمدتاً با اثرپذیری از عوامل فرهنگی شاهد تحولات جمعیتی سریع و غیرمنتظره بوده‌ایم. براساس مطالعات آینده‌پژوهی جمعیتی، اگر کاهش باروری در ایران با همین روند پیش برود، تا سی سال آینده، جمعیت سالمند ایران مانند ژاپن خواهد بود.

اغلب اندیشمندان اجتماعی با خطرناک خواندن وضعیت کنونی و پدیده‌های موجود جمعیتی، خواستار بازنگری جدی در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی و فرهنگ عمومی با هدف مهار روند کاهشی جمعیت و نرخ باروری هستند. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز طی بیاناتی، دغدغه‌ها و نگرانی‌های آینده‌نگرانه خود درباره وضعیت جمعیتی

کشور را مطرح کرده‌اند:

«مسئلهٔ جمعیت که به جد هم موردبحث و اختلاف‌نظر در جامعه است، مسئلهٔ بسیار مهمی است. بلاشک ازنظر سیاست‌های کلی کشور، کشور باید برود به سمت افزایش جمعیت؛ البته به نحو معقول و معتدل»[1]. «امروز اگر ما به فکر تجدید نسل نباشیم، مسئله فرزندآوری را امروز چنانچه برایش فکری نکنیم، پانزده سال دیگر، بیست سال دیگر، دیر خواهد بود؛ کشوری خواهیم شد که عنصر لازم برای حرکت پیشرفت را، یعنی جوان را به قدر کافی در اختیار نخواهد داشت. امروز باید به فکر فردا بود»[2].

تقویت بینش‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و توجیهات کارکردی معطوف به فرزندآوری به همراه زمینه‌سازی اجتماعی و اقتصادی (تسهیل ازدواج، تشکیل و تحکیم خانواده)، بستر مناسبی برای تغییر نگرش به فرزندآوری فراهم خواهد آورد. کارشناسان معتقدند، دگرگونی در سبک زندگی، اصلی‌ترین سازوکار فرهنگی در دگرگونی الگوی فرزندآوری خانواده‌های ایرانی است.

گفتگو کنید

به نظر شما در جهت افزایش جمعیت، بهتر است تمرکز قوای سه‌گانه نظام، روی فرهنگ‌سازی و اقدامات فرهنگی باشد یا وضع قوانین و مقررات؟ چند دلیل بیاورید.

بیشتر بدانیم

«قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» براساس اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی، در یک کمیسیون مشترک بررسی شد و پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت ۷ سال، در دهم آبان ۱۴۰۰ به تأیید شورای نگهبان رسید.

این قانون ۷۳ ماده‌ای به ابعاد مختلفی از جمله اعطای زمین و واحد مسکونی، تسهیلات ویژه به خانواده‌های دارای فرزند، دانشجویان متأهل، اهدای خودروی ایرانی پس از تولد فرزند دوم به مادران، ارائهٔ تسهیلات بانک‌ها به خانواده‌ها و اهدای مرخصی زایمان برای بانوان شاغل پرداخته است. همچنین در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، سرفصل‌های مختلفی با موضوع‌های جوانان در آستانهٔ ازدواج یا زوج‌های جوان، حمایت‌های دوران بارداری و شیردهی، تسهیلات یا حمایت‌های قانونی برای تولد هر فرزند به‌ویژه فرزند دوم به بعد، حمایت از خانواده‌های دارای فرزند، حمایت از مادران شاغل و غیر شاغل، حمایت از مادران دانشجو و طلبه وجود دارد. در این سند، به‌طور تفصیلی به هر کدام از این موارد اشاره شده است: تسهیلات مسکن، مشوق‌های اقتصادی، تسهیلات شغلی، خدمات اجتماعی، حمایت از گروه‌های مردمی، تسهیلات آموزشی و ...

۱ـ در دیدار اعضای همایش ملی تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه در تاریخ ۱۳۹۲/۰۸/۰۸

۲ـ در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

درس چهارم

ما و دگرگونی‌های فرهنگی

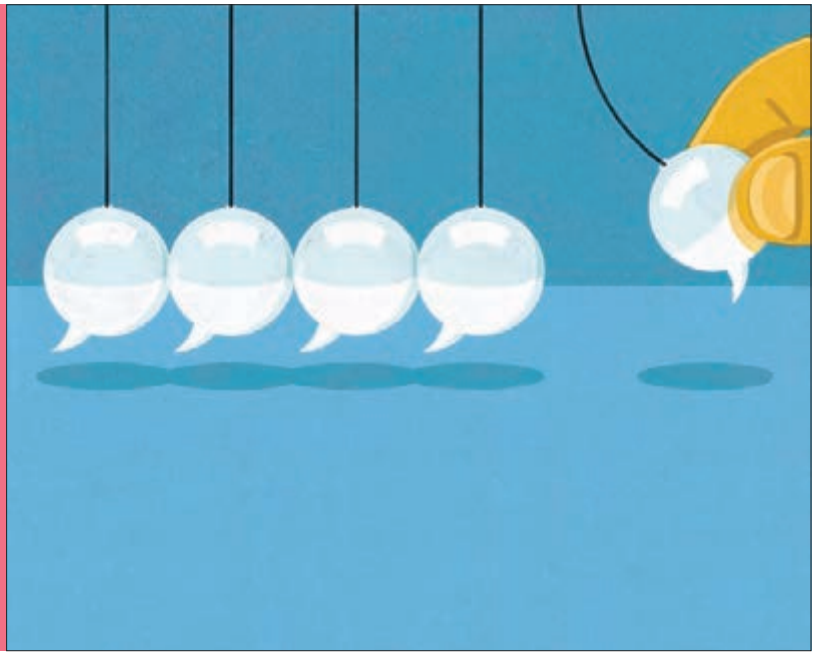

باتوجه به تغییرات و تحولات فرهنگی که در زندگی انسان‌ها رخ می‌دهد، واکنش ما به آنها، چگونه باید باشد؟ با کدام شاخص‌های فرهنگی، می‌توان دگرگونی‌های فرهنگی را پذیرفت یا رد کرد؟

عوامل دگرگونی‌های فرهنگی

همان‌گونه که آموختید، سرنوشت جوامع، با دگرگونی‌های فرهنگی همراه است و همهٔ ما در طول زندگی خود، تغییرات فراوانی را تجربه کرده‌ایم. می‌توان گفت تغییرات و تحولات فرهنگی، یک امر طبیعی و یک واقعیت اجتماعی است و همهٔ جوامع، آن را تجربه می‌کنند. فرهنگ در عین‌حال که از جهاتی دارای ثبات، تداوم و پیوستگی است، از جهاتی دیگر، همواره در معرض برخی تغییرات و تحولات قرار دارد.

در زمان‌های گذشته دگرگونی‌های فرهنگی، به‌صورت آرام و کند، انجام می‌شده است، لیکن در عصر حاضر، به‌دلیل پیدایش و گسترش سریع رسانه‌ها و فناوری، به‌ویژه فناوری‌های ارتباطی، اطلاعاتی و شبکه‌های مجازی، سرعت دگرگونی‌های فرهنگی بسیار بالاست و تغییرات و تحولات، در زمانی کوتاه، تمام عرصه‌های درونی و بیرونی جامعه را در بر می‌گیرد. پدیدهٔ جهانی شدن، بر سرعت و عمق این دگرگونی‌ها افزوده و شرایط را برای پذیرش تغییرات و تحولات فرهنگی، آسان و فراگیر کرده است.

پدیده‌های جدید و نوظهور، هریک به طریقی در زندگی ما خودنمایی می‌کنند . بازی‌های جدید رایانه‌ای، فناوری‌های نوین ارتباطی، سبک جدید زندگی، تحولات هویتی و قومی، روش‌های نوین برگزاری مراسم جشن‌ها یا عزاداری‌ها، برنامه‌های جدید تلویزیونی و ماهواره‌ای، مکاتب فکری و معنوی و ده‌ها پدیده نوظهور دیگر، در زندگی روزانهٔ ما وجود دارند. تغییر در سطح عمیق فرهنگ می‌تواند به تحول در لایه‌های بیرونی فرهنگ منتهی شود و تحول در لایه‌های بیرونی، زمینهٔ تغییر در لایهٔ درونی را فراهم می‌آورد.

با این پدیده‌های جدید و دگرگونی‌های فرهنگی، چه باید کرد؟ نسبت به آنها چه واکنشی باید نشان داد؟

تجزیه و تحلیل کنید

با مطالعه تفاسیر قرآن کریم، آیه ۱۱ سوره رعد را از منظر فرهنگی، بررسی کرده و پیام‌های مرتبط با موضوع «ما و دگرگونی‌های فرهنگی» را استخراج نمایید.

«اِنَّ اللهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقومٍ حتّی یُغَیِّروا ما بِاَنفُسِهِم»

واکنش انسان‌ها به دگرگونی‌های فرهنگی

واکنش انسان‌ها به دگرگونی‌های فرهنگی یکسان نیست. معمولاً افراد در برابر تغییرات در لایه‌های سطحی و مشهود فرهنگ، کمتر مقاومت کرده و راحت‌تر و سریع‌تر آنها را می‌پذیرند، اما در برابر تحولات در لایه‌های زیرین مقاومت کرده و آن‌را سخت‌تر می‌پذیرند.

واکنش انسان‌ها در برابر دگرگونی‌های فرهنگی سه‌گونه است:

۱ـ عدم پذیرش: در این حالت، برخی از افراد با نادیده گرفتن نیازها و شرایط جدید محیطی و تغییر و تحولات متناسب با آنها، ضمن پافشاری بر فرهنگ و آداب و رسوم ناکارآمد گذشتهٔ خود، دگرگونی‌های فرهنگی را انکار و طرد می‌کنند و در برابر آنها ایستادگی و مقاومت می‌نمایند. این گروه، بسیار بیش از آنچه که خود به آن آگاهی داشته باشند، در «گذشته» زندگی می‌کنند و واقعیت‌های موجود و جدید را، با تجربه‌های گذشتهٔ خود، تجزیه و تحلیل می‌نمایند. این اشخاص، با دنباله‌روی از آداب و رسوم ناکارآمد، مسیر زندگی امروز و فردای خود را تعیین می‌کنند. آنها، گاهی حتی از فناوری‌های جدید و دستاوردهای نوین علمی و پژوهشی استفاده نکرده و بر بهره‌گیری از وسایل و روش‌های قدیم، علی‌رغم عدم توجیه علمی و عقلانی، اصرار دارند.

علل عدم پذیرش دگرگونی‌های فرهنگی و مقاومت غیرعقلانی در برابر تغییر، متعدد و متنوع است. عدم درک ضرورت تغییر و چگونگی آن، تبعیت از آداب و رسوم غلط و ناکارآمد، «عادت» به وضع موجود و «ترس» از تغییر و از دست دادن شرایط و امکانات فعلی، از جمله این دلایل است.

۲ـ پذیرش کامل: گروهی از افراد، در برخورد با دگرگونی‌های فرهنگی، آنها را بی‌چون و چرا و به‌صورت کامل می‌پذیرند و با تغییرات و تحولات، همراه می‌شوند. آنها با پیروی و تبعیت افراطی از پدیده‌ها و اندیشه‌های جدید، فرهنگ قبلی خویش را به آسانی به کنار می‌نهند. این حالت بیشتر در تهاجم فرهنگی، اتفاق می‌افتد که نیروهای مهاجم با القائات منفی و با تضعیف و تخریب هویت فرهنگی جوامع و جذاب نشان دادن فرهنگ خویش، سعی در قابل جذب و پذیرش نشان دادن فرهنگ خود نموده‌اند.

علت پذیرش بی‌چون و چرا و تبعیت کامل از فرهنگ دیگران، معمولاً، ضعف هویت، خودباختگی یا از خودبیگانگی فرهنگی است. چنین افرادی، ارزش‌ها و هنجارهای خود را بی‌اعتبار و ناچیز می‌شمارند و الگوها و ارزش‌های دیگران را کامل و آرمانی می‌پندارند، به همین جهت بدون تفکر، از آنها پیروی می‌نمایند.
در قرن نوزدهم و در مواجههٔ تمدن غرب با سایر کشورها، این روش از سوی برخی از منوّرالفکرها و روشنفکران ایرانی، تبلیغ و ترویج می‌شد. آنان معتقد بودند از فرق سر تا نوک پا باید غربی شد تا به پیشرفت و توسعه دست پیدا کرد. آنان با نگاه منفی به میراث فرهنگی خویش و تحقیر آن، شیفته و مرعوب فرهنگ و تمدن غرب شده بودند.

بررسی و تحقیق

«مسئله» زیر را بررسی و در کلاس گفتگو کنید:

گاهی برخی از افراد، در تغییر ظاهر خود و سبک زندگی خویش، حتی از غربیان نیز، غربی‌تر عمل می‌کنند، ولی فقط در تبعیت از سبک زندگی این شیوه را بر می‌گزینند اما در پذیرش و ترویج دستاوردها و ارزش‌های مثبت فرهنگ غرب در جامعه کوتاهی می‌کنند.
آنان وسیلهٔ نقلیهٔ صد سال پیش خود را که درشکه بود، با ماشین آخرین مدل غربی عوض کرده‌اند، و از سونا، جکوزی، تلفن همراه، اینترنت و آخرین نمونه‌ها استفاده می‌کنند، اما از نظم و انضباط و انتقادپذیری تبعیت نمی‌کنند، در کار و زندگی یکدیگر دخالت می‌کنند، عقاید دیگران را تحمل نمی‌کنند و سخت‌کوشی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمتری دارند. تفکر علمی و منطقی را در زندگی فردی و اجتماعی خود حاکم نمی‌کنند، علّت این تناقض در رفتارها چیست؟

۳ـ پذیرش و تعامل آگاهانه: در این حالت، افراد جامعه ضمن پذیرش و اعتقاد به ارزش‌های فرهنگی خویش و ضرورت حفظ آنها، برخورد فعال و هوشمندانه با سایر فرهنگ‌ها دارند و سعی می‌کنند با «پالایش» فرهنگ دیگری، از یافته‌ها و تجربیات آنان، برای ارتقا و پویایی فرهنگ خویش استفاده نمایند و همچنین «داشته‌های» خود را در اختیار دیگران قرار دهند.
این گروه معتقدند، فرهنگ و تمدن، محصول تلاش جمعی آدمیان است و ملت‌ها و اقوام مختلف، هریک به سهم خویش، در پیدایش و پویایی فرهنگ و تمدن ایفای نقش کرده‌اند. لذا می‌توان، با این میراث بشری، تعامل داشته و آگاهانه از آن بهره برد. تعامل آگاهانه بیشتر در تبادل فرهنگی اتفاق می‌افتد.
تعامل آگاهانه از یک سو، از تحجر و واپس‌ماندگی و عقب‌افتادگی فرهنگی جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر، مانع از خودبیگانگی، خودباختگی و التقاط فرهنگی در برابر تغییرات و تحولات می‌شود و زمینهٔ رشد و پویایی فرهنگ خودی را متناسب با شرایط زمان فراهم می‌آورد و به نشر مواریث فرهنگی می‌انجامد.

بسیاری از فرهیختگان و روشنفکران دلسوز و آگاه، در مواجهه با تمدن غرب، این روش را انتخاب کرده‌اند و سعی نموده‌اند در دام «غرب‌زدگی»، «غرب‌ستیزی» و «خودباختگی» قرار نگیرند.

یکی از دلایل اساسی شناخت دگرگونی‌های فرهنگی و تعامل آگاهانه با آنها، ضرورت «شناخت زمان» و اقتضائات آن است. به همین دلیل از توصیه‌های مهم دین جهانی اسلام، «شناخت زمان» و شرایط زمانی، و واکنش مناسب نشان دادن به نیازهای زمان و مکان می‌باشد. هر «زمان» ویژگی‌هایی دارد که باید آنها را شناخت و در «زمان» زندگی کرد. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «العالِمُ بِزَمانِه لاتهجُمُ عَلیهِ اللّوابس؛ کسی که زمان خود را می‌شناسد شبهات و مشکلات به او هجوم نمی‌آورند»[1].

اجتهاد پیوسته و پویا یکی از راه‌های مؤثر دینی برای گزینش آگاهانه و پاسخ صحیح به نیازهای متغیر و اقتضائات زمان است. مجتهد زمان‌شناس می‌تواند پدیده‌ها و تجربه‌های جدید را با معیارهای ثابت ارزیابی کند و آن دسته از تجربه‌ها را که منطبق با خرد و معیارهای ثابت دینی است، گزینش نماید و مانع ایستایی و رکود جوامع دینی شود.

بررسی و گفتگو کنید

۱ـ نقش ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام پس از پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، در تبیین مسائل جدید و سازگار نمودن معارف اسلامی و فرهنگ دینی، با شرایط و اقتضائات زمان، چگونه بوده است؟

۲ـ در دورهٔ طلایی تمدن اسلامی (قرن چهارم و پنجم هجری) واکنش مسلمانان در مواجهه با فرهنگ یونان و روم چگونه بوده است؟

معیارهای «پذیرش و تعامل آگاهانه»

هریک از ما در زندگی روزمرهٔ خود با گزینه‌های مختلفی روبه‌رو هستیم که باید از میان آنها «انتخاب» کنیم. روش و سبک زندگی ما، براساس این «انتخاب‌ها» استوار است. دوستی با یک فرد، انتخاب مدل جدید لباس، شرکت در یک مهمانی، کوه‌پیمایی، وب‌گردی، انتشار و به اشتراک‌گذاری پیام در فضای مجازی، تماشای فیلم سینمایی، خواندن یک کتاب داستان یا رمان، خرید مواد غذایی، شرکت در نماز جماعت و ده‌ها فعالیت مشابه دیگر، اقداماتی است که هر روز با آنها روبه‌رو می‌شویم و باید دربارهٔ انجام دادن یا ندادن، قبول یا رد آنها، تصمیم بگیریم. تفاوت سبک زندگی افراد، در نوع «انتخاب» و «گزینش» آنهاست.

در رویارویی با پدیده‌های جدید و تغییرات و تحولات فرهنگی هم، باید دست به انتخاب بزنیم. مهارت گزینش‌گری و توانایی «درست انتخاب کردن» در عصر حاضر، از آن جهت مهم است که هر روز با پدیده‌های

۱ـ اصول کافی، ج۱، ص۲۶

نوظهور و نیازهای جدید روبه‌رو هستیم. زندگی در دنیای ارتباطات و در شبکه‌های مجازی و نیز سرعت تولید و انتشار اطلاعات، مبادلات و تعاملات فرهنگی را تسهیل و تسریع کرده است. علاوه بر آن، دوران نوجوانی و جوانی، دوران «هویت‌یابی» و انتخاب چشم‌انداز برای آینده است و انتخاب‌های امروز ما، در شکل‌گیری هویت ما تأثیر فراوان دارد. لذا برای خوب انتخاب کردن، نیاز به «معیار» داریم.

معیارهای انتخاب، باید بتوانند کارآمدی و صحیح و مفید بودن پدیده‌های قدیم و جدید را تشخیص دهند. قدمت یک اندیشه یا پدیده، نه دلیل غلط بودن آن است و نه موجب صحت و درستی آن. کهنگی در امور مادی راه دارد، اما حقایق ثابت زندگی (مانند عدالت‌خواهی، پرسشگری و سایر امور فطری انسان)، با گذشت زمان، کهنه و فرسوده نمی‌شوند.

از آنجا که اکثر تعاملات فرهنگی در دنیای جدید، بین فرهنگ و تمدن غرب با سایر فرهنگ‌ها، ازجمله فرهنگ اسلامی ـ ایرانی ما اتفاق می‌افتد، لذا معیارهای انتخاب، باید توانایی تشخیص و تمییز بین این دو فرهنگ را فراهم آورد، تا بتوانیم با دگرگونی‌های فرهنگی، برخورد فعال، آگاهانه و هوشمندانه داشته باشیم.

هویت اسلامی ـ ایرانی و ویژگی‌های فرهنگی ما ایرانیان، برخی معیارها را برای پذیرش و تعامل آگاهانه با دگرگونی‌های فرهنگی در اختیار ما قرار می‌دهد. این معیارها که بیشتر ناظر به باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها می‌باشند، عبارت‌اند از:

۱ـ خدا باوری و آخرت‌گرایی: در سبک زندگی ما ایرانیان، اعتقاد به خداوند، جایگاه مهمی داشته و مردم همواره در فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود به خداوند وکسب رضایت او توجه دارند. بنای جامعهٔ اسلامی ما بر پایهٔ این باور و اعتقاد عمیق درونی افراد استوار است و همین باور، منشأ ارزش‌ها، رفتارها و نمادهای جامعه است. مهم‌ترین پیام این باور آن است که در هنگام بررسی و گزینش پدیده‌های فرهنگی، رابطه آن پدیده با توحید و یکتاپرستی، معاد و آخرت‌گرایی مشخص شود و در صورت مخالفت با توحید طرد شود و در صورت هماهنگی، گزینش شود.

وصیّت شهید محسن حججی به فرزندش:

«سعی کن یه جوری زندگی کنی که خدا عاشقت بشه. اگه خدا عاشقت بشه، خوب تو رو خریداری می‌کنه».

۲ـ وحدت ملی: پیوستگی و تداوم فرهنگی ما ایرانیان، به حفظ وحدت و تداوم حیات اجتماعی وابسته است و تمام پدیده‌های نوظهور با محوریت وحدت ملی، قابل بررسی و قبول و رد می‌باشند. سخنان و رفتـــارهای تفرقه‌انگیز، قـــوم‌گرایی افراطی، تشدید اختـــلافات مذهبی، انحصاری کردن نمـــادها و ارزش‌های ملی و مجـموعه باورها و رفتارهایی که به وحدت ملی آسیب می‌رسانند، پذیرفتنی نیستند.

۳ـ اخلاق‌مداری: اخلاق و اخلاق‌مداری، مرکز ثقل نظام‌های فرهنگی است و ثبات و پایداری فرهنگ عمومی، نیازمند رعایت موازین و فضائل اخلاقی می‌باشد. تقویت ارزش‌ها و رعایت آداب و اصول اخلاقی یک ضرورت برای حفظ سلامت جامعه است. هیچ نماد، الگو، ارزش و رفتار نوپدیدی نباید زیبایی‌های اخلاقی و اصول و پایه‌های آن را متزلزل کند.

۴ـ علم محوری: علم، به معنای عام خود (نه به معنای محدود علوم تجربی و ساینتیسم[۱]) می‌تواند ملاکی برای قبول یا رد پدیده‌های جدید باشد. آن دسته از تغییرات و تحولات فرهنگی که توسط یافته‌های علمی و پژوهشی معتبر تأیید می‌شوند، قابل پذیرش هستند. کلیهٔ نمادها، ارزش‌ها و اعتقاداتی که بر اساس خرافات، سحر، جادو و شیطان‌پرستی در جامعه ترویج می‌شوند، از این دسته می‌باشند و غیرقابل پذیرش هستند.

۵ـ عقلانیت: دگرگونی‌های فرهنگی، باید خردپذیر بوده و توجیه عقلی داشته باشند. خداوند عقل و اندیشه را به انسان عنایت کرده تا با آن مسائل پیش رو را نقد و بررسی کند. در حقیقت، عقل، حجت درونی برای پذیرش و رد پدیده‌ها و موضوعات است همچنان که پیامبران علیهم‌السلام حجت بیرونی برای قبول و رد دیدگاه‌ها و رفتارها هستند. پیامبران و عقل، یعنی حجت ظاهر و باطن، با هم هماهنگی و هم‌افزایی دارند و عقلانیت معیار پذیرش می‌باشد.

۶ـ خانواده‌گرایی: خانواده یک نهاد اصیل، بنیادین و انسجام‌بخش جامعه و عامل تربیت و فرهنگ‌پذیری افراد است، لذا کسب و اقتباس عناصر فرهنگی از جوامع دیگر باید سازگاری لازم با ارزش‌های این نهاد مؤثر فرهنگی را داشته باشد و نباید باعث تضعیف آن شود. سبک‌های زندگی که مناسبات و روابط خانوادگی و ارزش‌ها و هنجارهای اصیل آن را ناکارآمد و آسیب‌پذیر می‌نمایند، قابل پذیرش نیستند.

۱ـ Scientism

تجزیه و تحلیل کنید

«مسئلهٔ» زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و در کلاس گفتگو کنید:

گاهی نمادها، الگوها، ارزش‌ها و باورهایی که با معیارها و شاخص‌های خانواده در فرهنگ اسلامی ـ ایرانی همخوانی ندارند و قابل پذیرش نیستند، در جامعه ما ترویج و تبلیغ می‌شوند. مسئولیت ما در رویارویی با این «مسائل» چیست؟ ما چه واکنشی باید بروز دهیم؟ چگونه می‌توانیم از ظرفیت «امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر» با رعایت شرایط آن، استفاده کنیم؟

خودباوری فرهنگی

یکی از پیام‌های بنیادین حضرت امام خمینی رحمه‌الله و از دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی در حوزه فکر و اندیشه، طرح شعارهایی نظیر «همه با هم» و «ما می‌توانیم» و از بین بردن روحیه «خودباختگی» و ایجاد «خودباوری» فرهنگی در جامعه ایران بوده است.

خودباوری فرهنگی به معنای شناخت فرهنگ خودی و ارزشمند دانستن عناصر و مؤلفه‌های آن، به‌دور از خودبزرگ‌بینی، تعصب و غرور گمراه‌کننده است. این باور، موجب اعتمادبه نفس شده و زمینه بهره‌مندی از شایستگی‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خودی را فراهم می‌آورد.

برخی از مبلغان و مروجان فرهنگ غرب در ایران در سده گذشته، با الگوگیری از تجربه غربیان، درصدد بوده‌اند تا با تخریب و نابودی «میراث فرهنگی» ما ایرانیان و تضعیف روحیه «خودباوری» و گسترش منفی‌گرایی، زمینه مناسب برای پذیرش بی‌چون و چرای فرهنگ غرب را فراهم آورند و در نتیجه، فرهنگ جدید و اندیشه انسان‌مدارانه آن را در جامعه خداباور ایران، حاکم نمایند. ملتی که بی‌هویت شد،گذشته خود و فرهنگ بومی خویش را تحقیر می‌کند و از ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن دوری می‌گزینند؛ فرهنگ بیگانه را بزرگ می‌پندارد و خود را محتاج آن احساس می‌کند و موفقیت خود و جامعه خویش را در پناه بردن به فرهنگ بیگانه و تشبه و تمسک به آن جستجو می‌کند.

ما ایرانیان، از یک سو، دارای پیشینه فرهنگی چند هزار ساله‌ایم و در برپایی و استمرار تمدن بشری و ساختن تمدن اسلامی، نقش‌آفرینی کرده‌ایم و هم‌اکنون، با انقلاب اسلامی، درصدد انتشار پیام عدالت، معنویت،

علم و آگاهی، عبودیت و انسانیت در جهان هستیم، و از سوی دیگر، در مواجهه نابرابر با نظام سلطه و امپریالیسم فرهنگی و رسانه‌ای قرار داریم، به همین دلیل، حفظ وحدت ملی و انسجام فرهنگی، خودباوری فرهنگی و باور به توانمندی‌ها و ویژگی‌های مثبت فرهنگی، در جامعه امروز ما، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر و یک رسالت ملی است.

بخوانید و پاسخ دهید

آمریکایی‌ها هیچ‌گاه به‌طور علنی، به خودباوری ایرانیان و روحیهٔ استقلال‌طلبی آنان اشاره‌ای نمی‌کنند، گرچه محرمانه و در گفتگوهای مخفی میان خود به آن اعتراف دارند. در اسناد لانه جاسوسی در سندی مخفی با عنوان «سفر به کپکان» در اسفند ۱۳۵۷ یعنی کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دو نفر از افسران نیروی هوایی آمریکا به نام‌های شیفر.تی.اکی با اسم رمز DATT و جانسون. راچ.اف با اسم رمز AAIRA برای خارج کردن باقیماندهٔ مأموران آمریکایی در منطقه کپکان استان خراسان رضوی مراحل اداری و اجرایی را طی می‌کنند تا به کپکان برسند، تسلط ساختاری آمریکایی‌ها در ایران با انقلاب اسلامی پایان یافته بود و جانسون که از وضعیت حکمرانی جدید در ایران و خودباوری و استقلال مردم و کمیته‌های انقلاب اسلامی شگفت‌زده شده بود به فرهنگ ایرانی‌ها اشاره و بیان می‌کند:

«از در اصلی تا کمیته پایگاه نظامی راه کوتاهی بود که می‌بایست دوباره به ما اجازه عبور دهند. بعد فعالیت‌های پایگاه... ما یک تأییدیه دیگری از کمیته بزرگ‌تری لازم داشتیم و یک دستور برای پرواز C130 از سرپرست خلبانان. در اینجا خلبانان (ایرانی) نوبتشان بود که تصمیم بگیرند که پرواز کنند یا نه. همان‌طوری که قبلاً نیز توضیح داده شد در انقلاب، مردم آزادند هر طوری که می‌خواهند تصمیم بگیرند. یک افسر نیروی هوایی به DATT گفت که قبل از انقلاب آنان فقط باید دستورات را انجام می‌دادند ولی حالا می‌توانند تصمیم بگیرند که آیا پرواز لازم و خوبی است یا نه. به هر حال فرهنگ ایرانی سرنوشت ما را تغییر داد!!»

و جانسون به صراحت اعتراف می‌کند که فرهنگ خودباوری و استقلال‌خواهی مردم سرنوشت آمریکایی‌ها را در ایران دگرگون ساخته و هژمونی آنان را شکست.

(اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج۲، ص ۵۲۰، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی)

سؤال:

۱ـ در سند «سفر کپکان» به کدام فرق خلبانان ایرانی قبل از انقلاب با خلبانان ایرانی بعد از انقلاب تصریح می‌شود؟

۲ـ چگونه فرهنگ خودباوری و استقلال‌خواهی ایرانیان، باعث شکست هژمونی آمریکا در ایران شد؟

بررسی و گفتگو کنید

با بررسی زندگی یکی از شخصیت‌ها و دانشمندان جوان کشور که عمر خود را صرف فعالیت‌های علمی کردند مانند: سعید کاظمی آشتیانی، شهید مجید شهریاری، شهید حسن تهرانی‌مقدم، مریم میرزاخانی و ... نقش آنان را در تقویت خودباوری فرهنگی و رشد و توسعه کشور تبیین نمایید.

زنده‌یاد سعید کاظمی آشتیانی

کلام آخر

درخت نخل، درخت عجیبی است، وقتی نخلی را می‌خواهند قطع کنند، می‌گویند «آن را بکش»! تو گویی این درخت، چیزی شبیه به آدمیزاد است. بی‌جهت نیست که واحد شمارش آن هم مانند انسان، نفر است. نخل تنها درختی است که اگر سرش را قطع کنی، می‌میرد. بر خلاف همهٔ درخت‌ها که سرشان را که می‌زنی، بار و برگ‌شان بیشتر می‌شود؛ اما نخل نه! سرش را که قطع کنی می‌میرد! مهم نیست ریشه‌اش در خاک سالم باشد، نخل بی‌سر، می‌میرد. این را اولین بار از دکتر کریم مجتهدی، استاد فلسفهٔ دانشگاه تهران آموختم! پیرمرد همیشه می‌گفت: «فرهنگ»، مثل درخت نخل است. کافی نیست هزاران سال در خاک ریشه داشته باشی، مهم این است که سرت هم سالم باشد، یعنی نمود فرهنگی امروز جامعه‌ات هم سالم باشد. اگر فرهنگ جامعه‌ای بیمار شد، آن فرهنگ می‌میرد، ولو هزاران سال ریشه داشته باشد.

پس مواظب فرهنگ امروز جامعه ات باش!

منابع مطالعاتی

۱ـ قرآن کریم.
۲ـ آیت الله خامنه‌ای (۱۳۹۲)، دغدغه‌های فرهنگی، انتشارات صهبا.
۳ـ آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۶)، نظریه تغییرات فرهنگی در ایران، انتشارات اطلاعات.
۴ـ ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی توسعه، نشر کلمه.
۵ـ استوارت هال، آنجلا مک‌رابی (۱۳۹۰)، درباره مطالعات فرهنگی، ترجمه: جمال محمدی، نشر چشمه.
۶ـ امام موسی صدر (۱۳۹۵)، ادیان در خدمت انسان، مؤسسهٔ فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۷ ـ امام موسی صدر (۱۳۹۴)، نای و نی، مؤسسهٔ فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۸ـ اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر، انتشارات کوثر.
۹ـ برمن، ادوارد (۱۳۶۶)، ترجمه: حمید الیاسی، کنترل فرهنگ، نشر نی.
۱۰ـ بهرامی کمیل، نظام (۱۳۹۶)، بررسی نسبت فرهنگ با تغییرات اجتماعی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱ـ بهار، مهری (۱۳۹۲)، اصول و مبنای مطالعات فرهنگی، انتشارات سمت.
۱۲ـ تورن، آلن (۱۳۹۶)، پارادیم جدید، ترجمه: سلمان صادقی‌زاده، شرکت چاپ و نشر کتیبه.
۱۳ـ جعفری، محمدتقی (۱۳۷۲)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۴ـ حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱)، الگوهای سبک زندگی ایرانیان، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۵ـ ذوعلم، علی (۱۳۹۲)، فرهنگ معیار، پژوهشگاه فرهنگ و مطالعات اجتماعی.
۱۶ـ روح‌الامینی، دکتر محمود (۱۳۶۸)، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران؛ عطار، چاپ دوم.
۱۷ـ روشه، گی (۱۳۸۶)، تغییرات اجتماعی، ترجمه: دکتر منصور وثوقی، تهران، نشرنی.
۱۸ـ ریچاردز، بری، (۱۳۸۸)، روانکاوی فرهنگ عامّه، ترجمه: حسین پاینده، ویراست دوم، تهران: نشر ثالث.
۱۹ـ روجک، کریس (۱۳۹۰)، مطالعات فرهنگی، ترجمه: دکتر پرویز علوی، تهران: انتشارات ثانیه.
۲۰ـ سهرابی، حمیدرضا، عسکری طیبی، فرزانه (۱۴۰۱)، بررسی راهکارهای افزایش جمعیت براساس سبک زندگی اسلامی، پژوهش‌نامه فرهنگ و معارف دینی، جلد ۳، شماره ۱، پیاپی ۵.

۲۱ـ شرف‌الدین، سید حسین، چراغی کوتیائی (۱۳۹۳)، نقش فرهنگ و ساختارهای فرهنگی در تحولات جمعیتی، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال ششم، شماره اول، پیاپی ۲۱.
۲۲ـ صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۱)، انسجام ملی و تنوع فرهنگی، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۳ـ صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۸)، مدیریت منازعات قومی در ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۴ـ صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶)، مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، انتشارات ققنوس.
۲۵ـ عرفان، جلیل (۱۳۹۳)، جستارهایی در حیات فرهنگی ایرانیان، انتشارات سروش.
۲۶ـ عنایت، حلیمه، پرنیان، لیلا (۱۳۹۲)، مطالعه رابطه جهانی‌شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال چهارم، شماره دوم.
۲۷ـ فاضلی، نعمت الله و قلیچ، مرتضی (۱۳۹۲)، نگرشی نو به سیاست فرهنگی، انتشارات تیا.
۲۸ـ فروغی جهرمی، محمد قاسم (۱۳۸۹)، فرهنگ، نظام فرهنگی، تولیدات فرهنگی، بیانات مقام معظم رهبری، معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه.
۲۹ـ قاسمی، صالح (۱۳۹۷)، یک نان‌آور بیشتر (پاسخ به شبهات افزایش جمعیت و فرزندآوری، تهران: خیزش نو.
۳۰ـ قاسمی، صالح (۱۳۹۶)، باید برگردیم (دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره جمعیت، تهران: خیزش نو.
۳۱ـ مطهری، مرتضی (۱۳۵۵)، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا.
۳۲ـ ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۳)، دانشنامه جوانمردی (فتوت)، انتشارات امیرکبیر.
۳۳ـ ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، وزارت امور خارجه.
۳۴ـ وریج کاظمی، عباس (۱۳۹۲)، مطالعات فرهنگی دانشگاهی در ایران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳۵ـ نوید، مهدی (۱۳۷۶)، فرهنگ و مقاومت فرهنگی، انتشارات محیا.

ـ رمان‌های پیشنهادی برای مطالعه:

ـ امیرخانی، رضا (۱۳۷۲)، آرمیا، انتشارات سمپاد

ـ پترسون، کاترین (۱۳۹۴)، من یعقوب را دوست داشتم، مترجم: بیتا ابراهیمی، انتشارات پیدایش

ـ حسن‌زاده، فرهاد (۱۳۹۴)، زیبا صدایم کن، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

ـ رجبی، مهدی (۱۳۹۳)، کنسرو غول، انتشارات افق

ـ ضرابی‌زاده، بهناز (۱۳۹۲)، دختر شینا، انتشارات سوره مهر

ـ کرسمن تیلور، کاترین (۱۳۹۳)، گیرنده شناخته نشد، ترجمه: بهمن دارالشفایی، نشر ماهی

ـ گراف، لیزا (۱۳۹۵)، مطلقاً تقریباً، ترجمه: فریده خرمی، انتشارات پیدایش

ـ مستور، مصطفی (۱۳۷۹)، روی ماه خدا را ببوس، انتشارات مرکز

معلّمان محترم، صاحب‌نظران، دانش‌آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب کتاب‌های درسی از طریق سامانه «نظرسنجی از محتوای کتاب درسی» به نشانی «nazar.roshd.ir» یا نامه به نشانی تهران ـ صندوق پستی ۴۸۷۴ ـ ۱۵۸۷۵ ارسال کنند.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی